

۲۸ صفحه

۸۵

بیکار

سال دوم - دوشنبه ۲۴ آذر ۱۳۵۹ بهاء ۳۰ ریال

در صفحات دیگر این شماره:

- هاشمی رفسنجانی و ۴۰۰ میلیون تومان خرید از خارج! ۲۱ صفحه
- تیرباران يك كمونیست دیگر در خوزستان ۸ صفحه
- رفیق حسنعلی شهبازی تفکر انقلابی آزاد باید گردد ۲۶ صفحه
- پاسداران سرمایه، "نورآباد" ممسنی را بجاک و خون کشیدند! ۱۴ صفحه
- حزب دمکرات کردستان عراق و خیانت آن نسبت به خلق کرد ۵ صفحه
- مبارزات دانش آموزان در آستارا ۷ صفحه

وضع زحمتکشان
در جنگهای
عادلانه و انقلابی

۱۷ صفحه

انقلابیون در بند پرچم
مبارزه را در زندانهای
جمهوری اسلامی
برافراشته نگاه داشته اند!

۱۵ صفحه

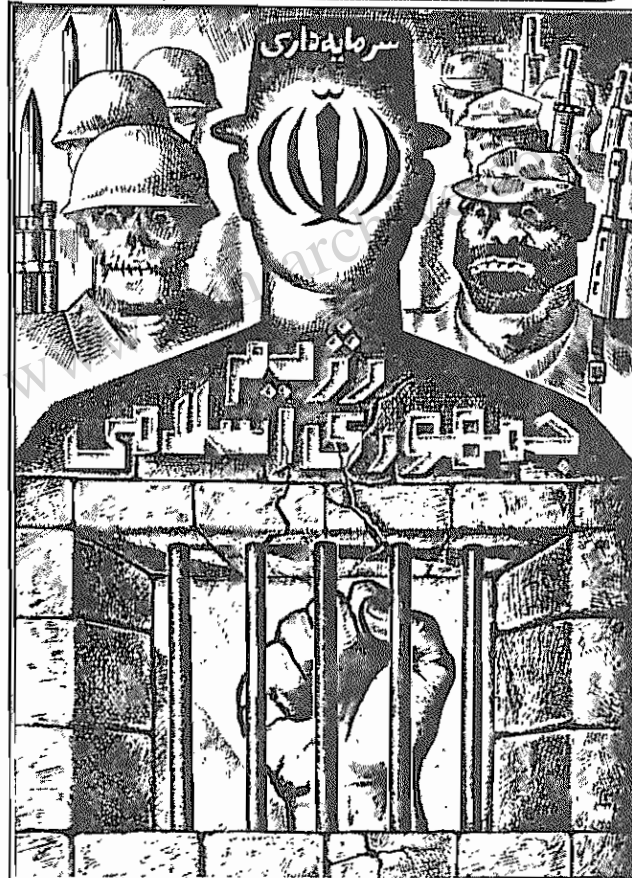
مقاله

به استقبال جنبش اوچگیرنده نوده‌ها بنشینیم

۲۲ ماه از قیام شکوهمند خلقهای
قهرمان ایران میگذرد. این
قیام بدلیل خیانت و سازش
خرده بورژوازی مرفه‌سنجی و
بورژوازی لیبرال با امپریالیستها
و نبود صف مستقل ورهبر
پرولتاریا و کمونیستها برای
قیام، نتوانست به حاکمیت
پرولتاریا و زحمتکشان نوده‌ها
تحت ستم منجر گشته و به خواستهای
اساسی نوده‌ها تحقق بخشد. اما
این هیچگاه به معنی شکست قیام
بنشیند در صفحه ۲

رهنمود به هواداران داخل
و خارج از کشور
در مورد مبارزه در جهت
آزادی زندانیان
سیاسی انقلابی

۲۶ صفحه



درد بردلاوری و مقاومت زندانیان سیاسی انقلابی

پیشمرگان انقلابی
سازمان بیکار ۱۴ مزدور
را بهلاکت رساندند

۵ صفحه

آقای باهنر،
عامل فرخ روپارسا،
وزیر جدید
آموزش و پرورش
جمهوری اسلامی

۷ صفحه

گزارشی از
اوضاع
سیاسی عراق

۱۳ صفحه

حقایق درون ارتش
و ادعاهای رژیم

۲۲ صفحه

چرا بیکاری آتش زیر خاکستر است

۳ صفحه

محاكمه
مارکسیسم
در چین

۱۸ صفحه

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

سرمقاله ...

نشود، نوددهای رحیمکس و ریحیده ما که در کام اول جنبش ملیشونی خود در رسیدن سرس نوج دیکتا نوری های چنان و با سدیدم چنانا دهرار شهید و بیش از صد هزار زخمی و رندانی موفقی شدند، رژیم سلطنتی شاه خا شن این نما بیسده مزدور و کارگزار را میریای لیسیم ترکیا را به زباله - دانی تاریخ بیا فکنند، از آن به بعد تیسز، علیرغم تمامی توهامات خود نسبت به هیات حاکمه جدید و علیرغم یکدوره افت جنبش نوده ای، از مبارزه بجا طرخواستهای سیاسی و اقتصادی خود و لوسا برد محدودیا زنا بیستاده اند.

رژیم جمهوری اسلامی بنا بر ماهیت بورژوازی و ارتجاعی خود، نه تنها نتوانسته (و نخواهد توانست) بر بحرانهای که از اشیده سیستم سرما به - داری وابسته بود فائق آید، بلکه هر روز که از عمر حکومت او میگذرد، این بحران در ابعاب و وسعتی افزایش مییابد و این خود، نارفابیتی نوده ها را دامن زده و آنها را به عرصه مبارزه روانه میسازد.

کارگران آگاه و پیشرو، نوده های وسیعی از خلقهای تحت ستم نظیر خلق کرد و ترکمن ...، دانشجویان، دانش آموزان و معلمین رزمنده و انقلابی ...، از همان فردای قیام، نوده های وسیعتر در فواصل بعدی، بتدریج دریا فته و در می یابند که این رژیم نه میخواد هودنه میتوانند به خواستهای انقلابی و برحق آنها پاسخ دهد و از اینرو برای حفظ دستا وردهای قیام خونین بیمن، به مبارزه خود به اشکال مختلف اقدام داده و میدهند. این مبارزات خود نمونه سرکوب رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی را در تمامی مناطق در کردستان و ترکمن صحرا، در خوزستان و دورود در کارخانه و روستا و در دانشگاه و مدرسه بدنیا ل میا و در وهزاران نفر از نوده های میهمان و انقلابیون کمونیست و غیر کمونیست کننا را و اعدام می شوند و زندانها هم نند زمان رژیم شاه را زندانهای سیاسی انقلابی انباشته شده و زندانهای بنام وین مختلف تحت شدیدترین شکنجه های روانی و جسمی قرار میگیرند و هزاران نفر از کمونیستها و انقلابیون آزاد ارات و مدارس به جرم دفاع از زحمتکشان و آزادیهای دیکراندک، اخراج میشوند.

رژیم جمهوری اسلامی، همانند تمامی رژیمهای ارتجاعی در تاریخ، کوردلانده تصور میکند: میتوانند، جرح تاریخ را به عقب برگردانند و بسا اخراج و زندان، شکنجه و اعدام و سرکوب و کسار جلوگیری از طبقه های زحمتکشان و خلقهای نجس ستم با را بگیرد، غالباً از اینکه خلقهای نهرمان ما که آزمانس جوسیا رقیما بیمن را در پینت سر خود اارد و با اتکا به تحریکات مبارزات تک نزن اخبار خود، سر علیه هرگونه ستم سیاسی و اقتصادی و سر علیه سلطه امپریالیست و وابستاران

سیاسی سرما دداری و استبداد بنا بر رده رخوا هند خواست و هما یکدیگر در سرما دوسا می دستکاه سرکوب و کسار زین ستوانست صدای حق لاینا نسه آسیا را خا فوس کند، سرکوب و کسار رژیم جمهوری اسلامی نیز هیچکاه ناردید ما سلطه آنها نوده وسنها موجب کرد خورتن، مشتیا، رسا سرشدن نریا دها و براترسدن شعها کشته است. کافسی است نگای بی و وضع جنبش نوده ای سیندا رسمنا بیبنیم وضع از چه فرار است:

طبقه کارگر و پرولتاریا در گران مبارزمنعت نفت که در ماههای فصل از قیام مویا اعتصاب بر دیا منه و کسار نوده خود، صراحت تکسده ای بر حیات اقتصادی و سیاسی رژیم شاه وارد آوردند و در زمان قیام (و البته نه بصورت مف مستقل، بلکه در چا رچوب دنیا له روی از خرده بورژوازی و مواضع آن) حماسه ها آفریدند، در روزها و ماههای پس از قیام نیز به مبارزه خود جهت حفظ ویا تشکیل شورا های کارگری (سندیکای سرخ) اقدام داده و علیرغم ضعف رهبری و گوش رژیم جهت نابود ساختن این شوراها و جایگزینی آن توسط شورا - های اسلامی، نتوانستند در بسیاری از کارخانجات اس شوراها را حفظ کرده و بسا سو خود آوردند. بعلاوه در همین مقطع در کننا رجیش کارگران شاغسل، جنبش کارگران بیکار ریسزا ز سطح بالائی سرخوردار بوده، و هر روز تهران و شهرستانها تا حدتظا هرات کارگران بیکار و یا شاعرهای اساسا انقلابی و پرولتاری و اکثریت تحت رهبری کمونیستها بود. مبارزات کارگران شاغسل و بیکار اگر چه سدها تحت شرایط عینی و ذهنی حاکم بر جنبش طبقه دچار افت گردید ولی هم اکنون با شدت بحران اقتصادی و سیاسی جا معه افزایش بیکاری (هم اکنون طبق آمارهای خود رژیم، ۳ میلیون بیکار در ایران وجود دارد) تورم و کرائی بخصوس در مناطق جنگ زده و در ا رشاط با کار و فعالیت آگاه هکرا نه نسبتا وسیع کمونیستها در میان کارگران، چشم نداد ز رشد و گسترش جنبش کارگری را در نقاط مختلف ایران و بخصوس در مناطق جنگ زده و نواحی صعبی ایران، نویسد میدهد.

خلق کرد که از همان روز و ولین بهار پس از تمام بخاطر مبارزه برای خودمخاری و حق تعیین سروسب خود مورد حمله و بیورس سب افکنهای رژیمها کمتر از روبرت، با کسار علیرغم تمامی حساب و حسابا صراحتا دسیا دسین، علیرغم شهادت هزاران نفر از زحمتکشان و انقلابیون در کردستان و علیرغم کسار و فحیح مدها تن ارزنان، کودکان و بیبر مردان (اهالی روسا های ماریا، نلانان، اسدرناس، مومسان ...)

و بالاخره علیرغم خسارت و سارس خسارت دیکر ات و روزه بوسبسیای فدائی، همچنان بسا شور و شوق و صف ناسدی به مبارزه مسلحانه خود علیه رژیم جمهوری اسلامی و ارسا و یاساران

سرما سده محکوم و با کسار سوا سسدا سب، علیرغم سما می شکلات، محدود سسفا و صغفیا، صر سسب سکنسده ای سر بیگردد شمن وارد آورد.

به همین ترتیب خلق نهرمان ترکمن، مبارزه کسار دده و مسلحا نده خود را با زمینداران سزرک و رژیم جمهوری اسلامی در چا رچوب شورا های انقلابی دهقانی بنا سها را مسال ادا میداده که منافقانه خیانت روبروی بیستهای فدائی و سارین آنها با رژیم، موجبات اساسی شکست این جنبش و ناسودی دستا وردهای عظیم آن را که میتوانست به گسترش آن سوزده در منطقه شمال منجر شود، فرا هم آورد. بدون نوده جنبش خلق ترکمن و اصولا جنبش دهقانی در منطقه شمال و سار سزرک مناطق ایران، خواستهای اساسی خود را همچنان در پیش رود اارد، خواستهای که هیچکاه رژیم جمهوری اسلامی قادر به پاسخگویی آن نبوده و نیست و این خود زمینه ای را برای رشد و گسترش این جنبش در آینده فراهم میاورد.

دانشجویان و دانش آموزان انقلابی و مبارزه همواره در سرگردانگاه و مدرسه مناسدی حقوق زحمتکشان و آزادیهای دیکر اندیک بوده - اند و به همین خاطر هر روز و هر ساعت مورد ضرب و شتم و سرکوب و کسار روحسبا نده سار ان ارتجاع قرار گرفته و با روانه زندان و شکنجه گاه نده اند. هم اکنون علیرغم سسته شدن دانشگاهها و حاکمیت جوخفان و سرکوب در مدارس، همچنان به مبارزه خویش در مدارس، در کوشه و کننا رخیا بان و بیبر سر هر ده که بساط فروش نشریات انقلابی، در کارخانه و مزرعه، در زندان و شکنجه گاه و در کننا ر جوخه های اعدام ادامه میدهند.

معلمین انقلابی و مبارز، بدون واهمه از اخراج و "یا کسار" و بدون واهمه از زندان و شیبید، در کننا دانش آموزان انقلابی و کمونیست به مبارزه خود گسترش و سد پیشتری بخشیده و هم اکنون موج اعتراض معلمین مبارزه و آگاه نسبت به جو پلیسی و خفان و سرکوب در مدارس اخراج عناصر انقلابی، ضرب و شتم دانش آموزان و معلمین و زندانی کردن آنها، و در محالف با فرهنگ و نظام آموزشی مدارس، مناطق مختلف کشور را فرا گرفته است.

جنبش زندانیان سیاسی انقلابی و آزادیله اعتصابات غذای اخیر زندانسان سیاسی در تهران و محاسا و بسبسیای نبروهای انقلابی و افسار خلقی را آسیا کوشد دیکر ارسا ررات دیکر اسبک و صدا سسرا لسنی خلقی مارا ندها سس میگدارد. اظها رات بنی صدر و دیکر لسنرا لیا در هفته های اخیر راج به زندان و شکنجه ویا مصلاح نکرانی آیت اللهدخسینی از "تا بعد" شکنجه در زندانها و تعین هشتی برای تحقیق در اسن سار وده و مح و ستم آن؛ در عین حال که چیزی جر کوشش برای تربیت سوده ها و منحرف کردن افکار عمومی از حقیقات زندانسان، شکنجه گران و

پیشینه در صفحه ۲۱

مبارزه علیه جنگ و ابه اهرمی برای گسترش انقلاب بدل کنیم

جنبش کارگری



اجتماع کارکنان شرکت نفت بمنظور کسب حقوق پایمال شده شبان

روزشنبه ۹/۸ کارکنان شرکت نفت در مناطق جنگ زده در سه شهر، تهران، شیراز و اصفهان جهت دریافت حقوقشان اجتماع کردند اما مقامات طی اعلامیه‌ای پرداخت حقوق را به روزهای دیگر موکول کردند لذا در این اجتماعات سانسندگان کارکنان به افسار اعمال ضد مردمی رژیم مبنی بر محدودیت در پرداخت حقوق کارکنان (مثلاً به کارکنان بیش از ۲ هزار تومان ندادند) و گذاشتن شرط و شروطی چون دریافت حقوق در مناطق جنگ زده و... پرداخت کردند. قرار شد که روز سه‌شنبه ۹/۱۱ در اداره مرکزی شرکت نفت گرد هم آیند.

در این روز حدود ۶۰۰ نفر از کارکنان در سالن اداره مرکزی شرکت نفت جمع شدند ۹ نفر نماز بنده کارکنان جنگ زده از شیراز، ۲ نفر نماز بنده کارکنان جنگ زده از اصفهان و ۲ نفر نماز بنده از ماهشهر نیز برای مطرح کردن خواست - های کارکنان آن مناطق در این جلسه شرکت داشتند. در این جلسه نمازندگان مختلف صحبت کردند و ضمن طرح خواسته‌های کارکنان، به افسار برخی از عملکردهای رژیم پرداختند. مثلاً یکی از نمازندگان با ارائه سندی نشان بقیه در صفحه ۱۰

چرا بیکاری آتش زیر خاکستر است؟

رجائی نخست وزیر جمهوری اسلامی در جلسه روز پنجشنبه ۵۹/۹/۱۳ در کنفرانس استناداران اعتراف می‌کند که:
"مسئله بیکاری بصورت آتش زیر خاکستر پنهان شده است. بنا بر این باید قبل از آنکه بصورت راهیمائی عرض وجود کند و حالت‌های دیگری را پیدا کند، برای حل آنها راه‌حلهای مناسبی ارائه شود." (۳) برآستی چه عاملی باعث شده که مقامات رژیم اینچنین از وجود مسئله بیکاری بی‌وحدت بیاختند؟ و این آتشی که آقای رجائی از آن نام میبرد چیست؟ و در صورت خارج شدن از زیر خاکستر، چه کسانی را در شعله‌های خود خواهد سوخت؟

بیکاری یکی از عوارض جوامع سرمایه‌داری است که در شرایط بحران اقتصادی بشکل حادی بروز می‌کند، البته سرمایه‌داران همواره از وجود بیکاری برای پائین آوردن دستمزدها و استئمار هر چه بیشتر کارکنان و زحمتکشان، حداکثر استفاده را میکنند، ولی زمانیکه بحران ادامه می‌یابد بیکاری گسترش می‌یابد و توسعه‌ها بیش

از پیش‌بینی‌ها زودتر بر علیه عامل اصلی این بیماری یعنی نظام سرمایه‌داری، گشاده می‌شوند، همان‌گونه که بعد از سالهای ۵۵ و ۵۶ در ایران چنین شد. از آنجائی که در رژیم جمهوری اسلامی بحران اقتصادی کارکنان ادامه دارد، مشکل بیکاری نیز بشکل حادی بقوت خود ماقیست، عوام فریبی - های رژیم جمهوری اسلامی نیز نتوانست و نمی‌توانند مانع مبارزات صدها هزار نفر کارگری بیکار بشود. بعد از قیام مابهن ما نه‌یلاقا صله مبارزه کارگران بیکار را وج گرفت و تا کنون علی‌رغم اقسام و خیزش‌های ادامه‌دار و در ضمن با سرکوب با سداران رژیم نیز مواجسته و می‌گردد.

مقامات رژیم، با جزا زهرگونه عملی که بتوانند ولو اندکی از شدت بیکاری بکاهد سعی در پنهان کردن مسئله و کوچک نمودن ابعاد داشته‌ها دارند. ولی واقعیات که در ضمن تهدید برای موجودیت رژیم نیز بود، آنرا را واداشت که ضمن اعتراف به حاد بودن مشکل بیکاری، مذبحان در فکر راه‌های "بانشند" طبقه در صفحه ۱۰

کارگران رویزپو نیستهای (اکثریتی) را از کارخانه اخراج می‌کنند

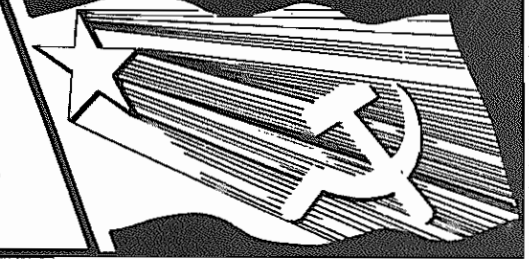
چندی پیش یکی از اعضای شورای کارخانه "خرپا" که از هواداران رویزپو نیستهای فداشی (اکثریتی) بود، بوسیله کارگران از کارخانه اخراج می‌شود و دیگران را به کارخانه راه نمیدهند در حالیکه کارفرما با این عمل مخالف بوده و در صدد بازگرداندن او به کارخانه است، ولی با مقاومت کارگران و بی‌افشاری آنها روی اخراج این "اکثریتی" مواج می‌گردد!
جریان از این قرار است که کارفرما مدت یکماه حقوق و مزایای کارگران را پرداخت نمی‌کند و با وعده و وعید و توطئه‌ها به نداشتن پول (۱۵) کارگران را سرمدواند. کارگران که از این عمل کارفرما بجنم مده بودند شورای کارخانه را تحت فشار قرار میدهند تا کارفرما را وادار به بقیه در صفحه ۹

اعتصاب در کارخانه ری - او - واک تزوین

کارگران مبارز کارخانه ری - او - واک که پس از چند ماهی کوشش برای پیاده کردن طرح طبقه‌بندی و گفتگوی شورابه نتیجه‌ای نرسیده بودند، در تاریخ ۵۹/۹/۸ همگی دست از کار کشیدند و با جمع شدن در آنها رخوری خواستار پیاده شدن طرح طبقه‌بندی شدند. اعتراض و اتحاد کارگران این کارخانه شورای کارفرمایی را به تکاپو انداخت و آنرا مجبور کرد که با مدیرعامل خاشن که در تهران است تماس بگیرد. اما مدیر سرمایه‌دار روجنا یتکار برای اینکه به کارخانه بیاید، میگوید: کارگران باید اعتصاب خودشان را تمام کنند در حالیکه کارگران مبارز، ری - او - واک تصمیم میگیرند به زور مبارزه و اعتصاب مدیرعامل را بکارخانه بکشند و حشاشان را از طبقه کشف بیرون، بیای ورنه، سرانجام کارگران موفق

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

وظایف عملی ما در قبال جنبش کارگری و توده‌های



تبلیغ از دیدگاه مارکسیسم - لنینیسم (۹)

که رژیم برای سرکوب خلق کرده متحمل میشود، فرار داد، بدین ترتیب کارگران درمی یابند که به قیمت استعمار بیشتر آنان، رژیم برای سرکوب توده‌ها اسلحه میبرد و یا مثلا برای نشان دادن دروغی بودن مبارزه ضد امپریالیستی رژیم، میتوان در کنار اداهای آنان، قرارداد های اقتصادی و وابستگیهای موجود اقتصادی را بجا برساند و یا برای نشان دادن دشمنی رژیم با انقلابیون در کنار خبر آزادی ساوکیها و نوکران امپریالیسم، خبر دستگیری با تیر - باران کمونیستها و انقلابیون تبلیغ نمود.

۴- گستردگی تبلیغ

در قانون اول گفتیم که، تبلیغ با یستی روحیات تسلیم و رکود را در توده‌ها درهم کوبید و ضمن آکا های بخشیدن به توده‌ها، روحیات انقلابی را تقویت و هدایت کند. در قانون دوم گفتیم که تبلیغ با یستی به نیا زهای توده‌ها بموقع پاسخ گوید و اتمام آنان را بسوی خود جلب نماید. در قانون سوم گفتیم که تبلیغ با یستی در پیوند با توده‌های وسیع انجام بگیرد، بدین - ترتیب مشخص گسترده بودن تبلیغ را از دل همه توانین تبلیغ و بخصوص قانون سوم میتوان بیرون کشید، این مشخصه در مضمون و محتوای تبلیغ، بلکه در طرق انجام آن است. کافی نیست که تبلیغ برانگیزاننده و بموقع باشد و به درستی تضاد را عریان کرده یک ایده را به توده‌ها مشخص کند، بلکه با یستی حتما بصورتی گسترده انجام بگیرد، اگر بهترین و مناسب ترین او را ق تبلیغی تهیه گردد، تا زمانیکه با تیراژی وسیع بمیان توده‌ها نرود و تا آخرین ورق در میسان توده‌ها پخش نگردد، نمیتوان از پیشبرد مسر تبلیغ سختی هم بمیان آورد.

بدین ترتیب وظیفه همه کمونیستهاست که تا آنجا نیکه می توانند، نشریات تبلیغی کمونیستی را بمیان توده‌های هر چه وسیعتر بپوشد، کیفیت و صحت مطالب مورد تبلیغ، بیکوجه قضیه است و پخش و اشاعه گسترده آن، وجه مهم دیگر، دوارگان تبلیغی را در نظر بگیرد که یکی با رعایت تمامی قوا عدو مشخصات تبلیغ انتشار می یابد، منتها با تیراژی مثلا ده هزار رودیگری را که از آن پائین تراست منتها با تیراژ صد هزار پخش میگردد، طبیعی است علیرغم کاستی های دومی، تا شیر آن بر مبرم رزات طبقاتی بیشتر است. بدین ترتیب اگر وظیفه مرکزیت و ارگان مرکزی، انتشار او را ق تبلیغی با بهترین کیفیت است، مکنه است، وظیفه تمامی اعضا و هواداران سازمان کمونیستی، تا عه و گسترش روز افزون آن در میان توده‌هاست. با یستی کوشیدتا مرتب تیراژ ارگان مرکزی را افزایش داد و اعلامیه‌ها و تراکت های بیشتری تکثیر و

پتیه در صفحه ۲۲

۱ و ۳ - لنین چه با یکرد.

۲ - ما شو - دریا ره تافته.

بسیار کمتری را در بر میگیرد، روند شناخت توده‌ها از مسیر آکا های یافتن بر روی مسائل و واقعیات مشخص میگردد و بقول لنین آکا های سیاسی و فعالیت انقلابی توده‌ها را با هیچ چیز نمی توان تربیت نمود "مگر بوسله همین افشا - کریها" (۴) و همین تبلیغ مظا هر مشخص واقعیات، توده‌ها با یستی از خلال تبلیغ جدا - کانه ایده‌های مشخص: "گرسنگی فرزندان نشان" "سیکرای ادواری شان"، "ستم پلیس بر توده‌های زحمتکش و... شناخت همه جانبه‌ای نسبت به سرما یهداری بیابند.

توضیح مکرر مظا هر مشخص سرما یهداری، توده‌های وسیعی را بدرک همه جانبه‌ای نسبت به سرما یهداری میرساند، در حالیکه ترویج سرما یهداری، یعنی توضیح بیکاره چندین جنبه از آن تنها توده‌های کمتری را در بر میگیرد. تبلیغ مثلا سرما یهداری را با یستی از خلال همان رنجهای مشخص که توده‌ها مبرند نشان داد، چنین است که توده‌ها از معرفت به اشیا پدیده - های خاص، بتدریج پی به ماهیت عام سرما یهداری مسرند و در راه نابودی آن بسیج میگردند.

در رابطه با این مشخصه مهم تبلیغ، دو انحراف میتوان تدبر و زد، یکی انحراف رویزونیستی که در پشت سر هر ایده دشمنان واقعی توده‌ها را نشان ندهد، از ایده گرسنگی سخن بگوید، بی آنکه مشخص کند عامل این گرسنگی کبست و دیگر انحراف روشنفکرانه، کلی گویی کردن، مدام از دشمنان توده‌ها سخن گفتن، بی آنکه مظا هر مشخص ستمگریهای آنها به توده‌ها نشان داده شود.

در بیان با سدگفت تبلیغ یک ایده از دیدگاه کمونیستی مادت به عریان ساختن یک تضاد مشخص است. مثلا از گرسنگی مردن با یهدار عطف مقابل ساخت تبلیغاتی رژیم یا ثروتهای محازر و رستمندان ترارگیرد، با یبیکاری توده‌ها را در مقابل صنایع وابسته قرار دهد و حبسری بودن سیکرای، گرسنگی و... را از دل سیستم حاکم بیرون کشیده، با عریان ساختن تضادهای موجود طبقاتی، توده‌ها را آگاه سازد. مثلا تبلیغ ایده مشخص لغوسود و ویژه با یدیدینگونه با شد که کارگران دریا بند، این عمل تنها به است شمار بیشتر آنها و قدرت گیری بیشتر سرما یهداران منحصر نمیشود. مثلا اعلامیه قطع سود ویژه از طرف رژیم را در کنار سرنا مه تبلیغاتی رژیم و با مخارج

مشخصات تبلیغ (۲)

۳- در تبلیغ تنها، یک ایده بیان می گردد

"مروج (بروفا کاندیست) ایده‌های متعدد را به یک واحد مشخص میرساند، اما مبلغ فقط یک یا فقط چند ایده میدهد، ولی در عوض آنها را ببنوده‌ای از اشخاص میرساند." (۱)
این مشخصه اساسی تبلیغ که بخوسی مرز آن را با بروج سان ممدارد، رشه در کدام قوا سن تبلیغ دارد؟ آنچه موجب میشود که تبلیغ و بروج از یکدیگر متما برکندند، تا یکید بر روی اعل سوم تبلیغ است. اصل سوم تبلیغ حکایت از پیوند با یستی وسیع دارد. درست است که با یستی در میان توده‌ها هم تبلیغ انجام بگیرد و هم ترویج و اس ایده که ابتدا، با یستی تبلیغ کرد و سپس بروج، در سکا های نحرافی است، اما برای نمود در میان توده‌های وسیع با یستی به یک مسئله اساسی توجه کرد و آن سرتوالی حرکت شناخت انسان است و مظا هر فنیق مائسو می گوید:

"حرکت شناخت انسان بیوسته از طریق معرفت اشیا و پدیده‌های منفرد و خاص تدریجا به معرفت سر اشیا و پدیده‌های عام رسیده می یابد. انسان تنها پس از آن که ماهیت ویژه اشیا و پدیده‌های متنوع فراوان را بازشناخت، می تواند به تعمیم دادن بپردازد و ماهیت مشترک اشیا و پدیده‌ها را بازشناسد." (۲) بدین ترتیب، هرگاه بخوا هیم مثلا ماهیت ضد مردمی سرما یهداری را بتوده‌ها نشان دهیم:

"مبلغ... بر حسنه تر سن مالی را منگسرد که همه شنوندگانش بخوسی از آن مسسو و با شند، مثلا از گرسنگی مردن جانسواده، کارگری را، رورامزونی شدن متروفاغه و امثال آنرا، و با مساعی خود را متوجه آن می سازد که با اسفاده از این واقعیتی که بر همه و هر کس معلوم است سئوده یک ایده... بدهد." (۳)

با نشان دادن مظا هر مشخص و منعد ستم سرما یهداری و پس از یک مجموعه تبلیغ بررسی مظا هر شخص این ستمگری، توده‌های وسیعی ما هست ضد مردمی سرما یهداری را در می با سد در حالیکه ترویج همه جانبه ماهیت سرما یهداری، سئوده

خلق ها و مسئله ملی



درد...!

درد برپیشمرگان انقلابی کومله
رفقای شهید کاک "شکرالله کلاه -
قوچی" و کاک "فاسپاسی" که به
تاریخ ۱۳۵۹/۸/۱۷ در شیراز
جاده سفندج بشهادت رسیدند .

اخباری از کردستان قهرمان

پیشمرگان انقلابی سازمان پیگار
۱۴ مزدور ضد خلق را بهلاکت رساندند

کامیاران ۵۹/۸/۱۴

در این روز در جاده کامیاران - سن دو
با بکاه "مرواریدو" مله که وو "در زندگی آبادی
"بوانه" نگدسته را بسمرگان شهرمان سازمان
ما (دسته سفید معبود) به کمین نیروهای دشمن
که سوسه بوده های رحیم کس کرد و بسمرگان
انقلابی را مورد سرکوب قرار داده اند، هستند،
در ساعت ۵/۵ در همان محل، بسمرگان انقلابی
یک جیب فرماندهی ارس را با ۵ سرنشین
مسدود کردند، در همین ایستگاه لندور را مل ۹
جاس و اسدا رکند سال حبس ارس در حرکت
بود توسط بسمرگان موقوف شد. مردوران مسدود
خلق که راه فراری نداشتند، نظر هر سلسله
بسمرگان شدند، اما آنان که در پی آن برآمدند
با سه مقاله مسلحانه با بسمرگان سردارند،
هدف رنگاربی اما بسمرگان انقلابی قرار
گرفتند که در آن کلبه سرنشینان لندور
گشته ورخی شدند، طی اس دودرگیری ۱۰ نفر
از مردوران کشته و بقیه سخی محروح شدند،
بعدا ارس حمله بسمرگان شهرمان ناخواندن
سرود عفت بسی کردید و همگی سالم به بکاه
خودا رکند .

افدا ما انقلابی رفقای بسمرگان این
وامعت است که رزمی که در حیات علیه خلق
کرد روی رژیم شاه مزدور را سفید کرده است، با دیدن
انقلابی و بهر آن مزمن را رگد، عوامل رژیم در
کردستان حنا نکارانی هستند که از کشتن بمرمرد
نا برن و بجه های سدفاع شرابا تدارکند .
آنان سرکوبگران حسن مقاومت میباشند .

کشت سیاسی پیشمرگان سازمان پیگار

کامیاران ۵۹/۸/۱۳

در این روز بسمرگان سازمان ما دسته سفید
مسعود در آن دنیای اطراف کامیاران (اعظم آباد،
←

حزب دموکرات کردستان عراق و خیانت آن نسبت به خلق کرد

دمکرات کردستان عراق برز مسه موجود در مسان
نوده ها و آما دگی انقلابی آنها با اعلام سکیکل
یک سازمان دفاع مسلح دست به مقاومت مسلحانه
زدوبه این ترتیب جنبش مقاومت در کردستان
عراق شکل گرفت .

حزب دموکرات کردستان عراق در زمان
سکیکل خود در مجموع منافع بورژوازی کرد را
نمایش دادی میکرد، اما از همان اسدا عما سر
نشودال و روسای عسا بر از جمله ملامطعی در
رهبری آن شریک شدند و با لخره سعدا زمده ها
کمیکی در سال ۱۹۶۴ رهبری خود را بر آن نسبت
نمودند که علت این امر را بسی اساسا در
ضعف اجسامی - با رخی سورژواری کرد حسو
کرد، جناح عناسری در رهبری ملامطعی با نسبت
رهبری خود بر حزب و جنبش از همان اسدا، جنبش
را بسمت مواضع راسترا ز گذشته کساندو آن را
وارد در مناسبات مسکوک بس المللی ساخت .
امری کناسی ارما هست و بنا نگر منافع طبقاتی
آن بود .

علسر غمدا را بودن حسن رهبری ای، جنبش
بدلیل خواست عمیق سوده ها به سفیر و وضعیت
خوش و کسب آنچه به آنها وعده داده شده بود ادامه
بیدا نمود و هر چه بیشتر کتر بسا فب به بررسی
که در او ا خراسالهای ۶۰ کسیرل بخش اعظم
کردستان عراق در دست نیروهای بسمرک
قرار داشت و دوره ۱۹۷۰ - ۱۹۷۴ عملا دوران
حکومت با رزانی و اطرافیان او بر این منطقه
بود، البته لازم به تذکر است که مضمون کسیرل
جنبش هر قدر به جلوسا شمسوی کسیرل شرو -
های نظامی و فدرت آنها و اسدا دو بیط دستگاه -
های بوروکراسیک توسط رهبری آن میل بسدا
مینمود و او شرکت توده ها در زندگی و سرنوشت
جنبش شئی مکتب، بصور سکه در دوران ۷۴ - ۷۰
با رزانی و اطرافیان بسا دستگاه دولتی و سره ای
را برای خود در منطقه موجود آورده بود بسدا حدی
که یک سازمان حاسوی (امسی) بسا م "نا راسن"
ابجا در کسد، بسا سازمان و بسا م آن دستگاه
دولتی "درواع حبری حروسله ای برای سرکوب
بسمرک در ۶

در اینجا ما قسمتی از مقاله "مخالفت
با وابستگی با ضدیت با جنبش مقاومت خلق
کرد" منتشر کردیم که در آن "شماره ۲ را
میاوریم، اساس این مقاله در فضای سیاست
- های خائنه سازمان جریکهای فدائشی
(اکثریت) در قبایل جنبش خلق کرد، میباشند.
اما بخشی از این مقاله به توضیح خط مسی
حزب دموکرات کردستان عراق و خیانت
عریان آن به خلق کرد اختصاص دارد، مسا
درج این بخش از مقاله را در اینجا، از آن
جهت ضروری دیدیم تا زمینه ای باشد جهت
شناخت روشنتر نسبت به حرکت حزب دموکرات
ایران و اهداف فخیانتکارانه ای که رهبری
آن در حال حاضر تعقیب میکنند (۱)، سازش -
های پنهانی حزب دموکرات ایران با رژیم
مرتجع بعث عراق نه تنها بیان مشی ضد
انقلابی حاکم بر حزب و ما هیت رهبری آن
میباشند، بلکه در عین حال هشدار است به
خلق کرد و تمام نیروهای کمونیستی و
انقلابی فعال در کردستان که در راه های
زحمتگشان و خلقهای تحت ستم بران و از
جمله خلق دلاور کرد مبارزه میکنند :

شروع حرکتیکه در کردستان عراق بصورت
جنبش گسترده در او ا خراسالهای ۶۰ و اوایل
سالهای ۷۰ در آمد و تحت رهبری خانوادها بارزانیها
در سال ۷۵ با انعقاد قرارداد میان رژیم شاه
و حکومت عراق فروریخت و به شکست انجامید، در
تابستان ۱۹۶۱ بود که رژیم عبدالکریم قاسم سر
خلافه وعده و وعیدهای اولیه و حتی قوانینی که
با روی کار آمدن خود او در مورد حقوق خلق کرد
در عراق به تصویب رسیده بودند، بعد از زمینه
چینیهای اولیه، شروع به پایمال نمودن دست -
آوردهای خلق کرد نمود، در مقابل جنبش حرکتی
یکسری نظهرات و حرکات وسیع از جانب توده -
های مردم کرد علیه رژیم عبدالکریم قاسم شکل
گرفت، جواب رژیم عبدالکریم قاسم تسکیل ارنش
بسوی کردستان عراق بود که با مقاومت پراکنده
سلحانه روسر و برگردید، بسا از چند ماه

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست



**آقای "با هنر" عامل فرخ روپارسا
وزیر جدید آموزش و پرورش
جمهوری اسلامی**

با لایحه پس از آنکه جناح های مختلف هیئات
حاکمه، مدت ها بر سر تعیین چند وزیر با قیما نده
کتابینه رجا شی چانه زدند، "با هنر" بعنوان وزیر
جدید آموزش و پرورش معرفی شد.

بیشتر توده های انقلابی دانش آموز، آقای
با هنر را خوب می شناسند. البته آنها از پیش
با خبر بودند، وزیر آموزش و پرورش جمهوری
اسلامی با سارثما هنرها یک هنر را سحر بی دارا
با حدوتان دفاع از آموزش و پرورش ارجا عسی،
حفظ سلطه فرهنگ استعماری و توانائی سرکوب
مبارزات انقلابی دانش آموزان است. آری
سوده های آکا و مبارر دانش آموزی با ما هب
ارجا عی جناب وزیر بر روی اسامی سندهوسی.
دانش "با هنر" نحوی اسامی نموده است نهیا
"هنری" را که در اسامی همان یک هنرنا مکرده
مسامد.

آقای با هنریکی از سرما بعد از آن سرکوت
"اهداف" است. خوب است یادآوریم این همان شرکنی
است که تا کنون مردان "لابقی" چون بهشتی و
رجائی را تحویل داده است! آری جناب وزیر
قبلا امتحان نش را داده و رژیم حافظ سرما به داری
وابسته به امیربا لیسرا مطمئن کرده است که
فرد قابل اعتمادی جهت اجرای اهداف آنسان
است.

اما "شاه" کارهای جناب وزیر بسیار پیش از
این است. ایشان مدت ها در دم دستگا هشا هتئاهی
در همین وزارت آموزش و پرورش، بعنوان عامل
فرخ روپا رسا خدمت کرده و تجربیات ارزنده ای
در زمینه فرهنگ و آموزش ارجا عی کسب کرده
است.

دانش آموزانی که دبستان از میا ما مسام
بهمی ما دو چه بعد از آن علیه آموزش و پرورش
ارجا عی رزمند و کوشندنگتای آریامهری
را بدینا لهدان سارج سبارند، ساددا زنده
معجها اول کتاسهای سطمعات دینی رژیم شاه،
نام آقای با هنر بعنوان نویسنده نغمین بسنه
سود. کتابهای کدا همی امروز هم در مسد ارس

مبارزات دانش آموزان در آستانرا

چهارشنبه دانش آموزان مبارز دبیرستانهای
حمینی، مطهری، طالقانی، صدبهرنگی، حکم
- نظامی و صدعه رصابی با تعطیل کلاسها به
خانان هاریخه تا صدای حق طلسم خود را سه -
کوش مردم رسانند. در این میان مدرسان مزینع
بعضی از دبیرستانها درهای دبیرستان را می-
بندند تا به حال خودسان جلوی رفتن دانش -
آموزان مبارز را، کمربند، که دانش آموزان سا
بریدن از دسوارهای دسرسان به خارج میروند
دانش آموزان سار شروع به یک راهبماسی
اعراضی بطرد، سدان شهرنموده و با دادن شعار -
های نظیر "مردم ما ملحن شوند" و "در دما درد
شما ست" از خودها میخواستند که به آنها بیبوندند.
مردم مبارک در ۲۰ ماه حکومت جمهوری اسلامی
چیزی جز سرکوب، کشتار، گرانسی، بیکاری، حک
و ظلم و استثمات رنده شده اند. صف اعتراضی دانش-
آموزان مبارز پیوسته و عملا یک تظا هرات اعتراضی
عظیم را بر علیه رژیم تا میدان شهر با راه نمابانند
در این تظا هرات مردم با صدای بلند شامی -
دادند که "خون ۷۰ هزار رگشته هنوز خشک نشده
آزادی را از زمین میبرند" رژیم اترس او جگیری
بیشتر جنبش توده ها به بهانه شروع امتحانات
تمامی دبیرستانهای آستانرا تا آخر آذر ماه
تعطیل نموده است.

قسمتی از اعلامیه هاداران سازمان
بیکار در راه آزادی طبقه کارگر - آستانرا
۵۹/۹/۱۷

**زاهدان: پیروزی
نخستین دانش آموزان انقلابی**

روز سه شنبه ۵۹/۹/۱۱ دانش آموزان کلاس
دوم جبری و دوم ریاضی دبیرستان "حیم بخش رحیمی"
را هدان بدنبال اعتراضات قبلی خود، به علت
عدم صلاحیت آموزشی و اخلاقی دبیر فیزیک بنام
"قلمچی" از سرمداران انجمن اسلامی دبیرستان
در حیط مدرسه دست به تحمن زدند. سپس یکی از
دانش آموزان انقلابی با بحث پیرامون شورا و
وظایف نمایندگان، دانش آموزان را به تشکیل
شورای تحمن دعوت کرد. بدنبال آن دانش -
آموزان انقلابی شورای تحمن تشکیل دادند.
پس از افشاکری و تبلیغات شورای تحمن شمی
از دانش آموزان دبیرستان نیز به متحمن -
پیوستند. بدینال کسرتن تحمن، شورای تحمن
خواستهای دانش آموزان را بسرج سرمطرح
نمود.

- ۱- رسمیت ساختن شورای دانش آموزان بعنوان
- با لاسن ارکان تصمیم گیری در دبیرستان .
- ۲ - اخراج "قلمچی" دبیر فیزیک .
- ۳ - تهیه وسایل گرم کننده جوارنی برای کلاسها .

دریس میبود!
البته عوامفریبان مرتجع که شب و روز در
بون و کرنای مبارزه "فدا میربا لیسیتی" میدمند
بروی مبارک خود تمیبا وزنده که با دی مزدور
امیربا لیس کتای که سما کوشن سان تحمینی
دانش آموزان و پرورش آنها با آموزش و فرهنگ
ارجا عی بود و کبر همت به سرکوب خواستهای
انقلابی آنان بسنه نمودند. همسان جناب وزیر
جسدرا بر روی مبرود جهت تمید کتا سبسی
در رس سان بسببین داده بودند .

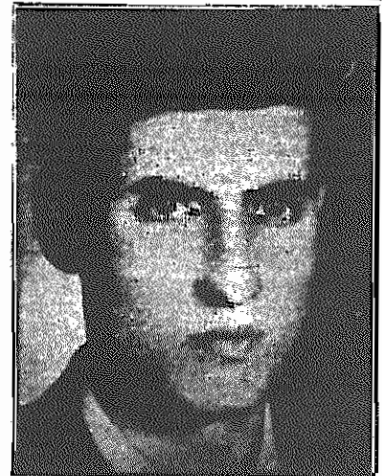
آیا اینها می آید، که شوسنده مورد اعتماد
کتابهای درسی رژیم مزدور ساد، وزیر مناسیب
آموزش و پرورش رژیم جمهوری اسلامی ایت در
سارند! او به عنوان وزیر انقلابی، همچون سقدا ی
سبکس دانش آموزان مینود ؟
آیا خود این واقفیت، آنکارانسان نمیدهد
که چگونه هر دو رژیم دشمن انقلاب و فرهنگ انقلابی
بودند و هستند تا جایی که حتی برخی از مهره -
هایشان بکی است ؟

البته آقای وزیر، لیاقت خود را برای سه
عهده گرفتن مقام وزارت از این هم بیشتر نشان
داده است. ما فراموش نکرده! بیم که پس از زیور ش
جنا بیکارانه رژیم به دانتگا ه و کشتار دانشجویان
انقلابی تحت نام "انقلاب فرهنگی" - که امر وز
بسیاری در با فته اندچیزی نبوده جز برنا مه حساب
نده رژیم جهت سرکوب جنبش انقلابی دانشجوئی -
یکی از اعضای ستاد "انقلاب فرهنگی" همیسن
جناب با هنر بوده و ایشان وظیفه به انجام
رساندن "انقلاب فرهنگی" جمهوری اسلامی را به
عهده گرفته اند!

از سوی دیگر ما حبه مطبوعاتی و رادسو و
بلویزبونی "با هنر" که بعنوان وزیر جدید
ترتیب داده شد، بسن از پیش ما شناخت که او
دری اجرای چه سیاست فدا انقلابی و کسفی است.

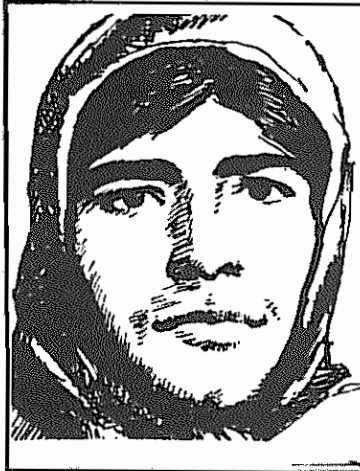
آقای با هنر ... از کلسه دانش آموزان بقاصا
نموده است که "نظم" را حفظ کنند یعنی آنکه
دانش آموزان انقلابی دست از مبارزه حق طلسمه سان
بشوبند و نظم ارجا عی جمهوری اسلامی و سلطه
فرهنگ استعماری را بپذیرند. که با ندبه ایشان
گفت شتر در خواب بسند پنبه دانه ... بهر حال
توافق حزب جمهوری اسلامی و بنی صدرات
با هنر، نشان میدهد که او مناسبتترین مهره ای
است که کل رژیم قادر بود برای این مقام بیاید.
اعمال ارجا عی با هنر در آینده با ردیگر نهادت
خواهد داد که چگونه در اصل سرکوب انقلاب همه
جنا بای هیات حاکمه سوانی بطرو "و حدب کلمه" دارند.
اما آقای با هنر بعنوان وزیر جدید بزودی
خواهد آموخت که اگر تا کنون چه در دستگا ه
آریامهری چه در دستگا ه جمهوری اسلامی نشان
داده است که بی طولانی در آموزش ارجا عی دارد
این با رنوبت دانش آموزان و معلمین انقلابی
است که به او بیاموزند که کجا درس مبارزه و
مقاومت انقلابی را آموخته اند!

قسمتی از اعلامیه دانشجویان و دانش آموزان بیکار
۵۹/۹/۱۳



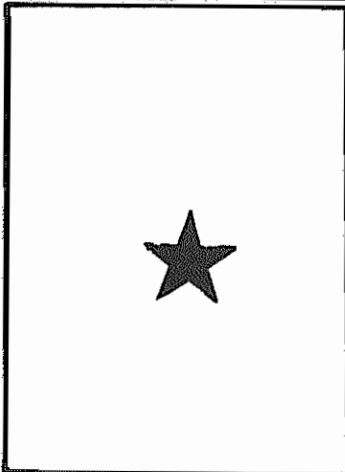
احمد صادقی قهاره

— متولد ۱۳۳۰ قم دانشجوی پزشکی
— سمپاتیزان مجاهدین خلق و فعال در
مبارزات صنفی سیاسی (سال ۵۴)
— پذیرش مارکسیسم و پیوستن به بخش منسحب
از ۵۵ به بعد
— دستگیری در سال ۵۶
— شهادت در زیر شکنجه (احتمالاً در اواسط
سال ۵۷)



فاطمه تیفتکچی

— دانشجوی زیست شناسی علوم تهران
— رفیق عضو مجاهدین خلق بود سپس به بخش
منسحب از آن پیوست
— ادامه مبارزه تا سال ۵۵ که طی بد درگیری
مسلحانه در ۱۵ آذرماه به اسارت افتاد .
— شهادت در زیر شکنجه



زینب (حوریه) محسنیان

— اهل مشهد و بهار آزادیخواه بهاری
این شهر .
— پیوستن به بخش منسحب از س م خ ا
در سال ۵۴
— ادامه مبارزه تا ۲۸ آذرماه ۵۵ که در یک
درگیری خیابانی به شهادت رسید .

در حاشیه سالگرد رفیق شهید فاطمه تیفتکچی

یکبار دیگر، سازمان مجاهدین به بهانه
سالگرد شهادت رفیق تیفتکچی، در صبح ۹۹
مجاهد، به تحریف و تغییرات دست زده و اسامی
را مذهبی و جزو شهدای سازمان مجاهدین
شمار آورده است .

ما مناسبتی که تاکنون برای جسدین ما
به پاسخوئی و افشای اسامی موضوعی مجاهدین
ببرداریم، رهبری مجاهدین در آن سالها منافع
خود محوریتهاست (که مشخصا اسامی از ما هست
ظرفی آن اسامی) سانسب "جسم را سانسب، دهان را
بکما" را در سال میکنند و اسامی ما را میگویند
داران سازمان را در سراسر به او انعامی که
در اسامی سازمان گذشته است دور دارد. اسامی
رهبری سانسب کرده ها هستند که مارکسیست
شدن انعامی اسامی سازمان مجاهدین
بروسه طوسی و انقلابی بوده است. برای رهبری
این سازمان البته که انعامی می آید که هواداران
چون بعضیها که سانسب ۷۰ درصد از اعضای
مجاهدین مارکسیست شده اند... با ما را (هر چند
با اختیار) بروی جدول مارکسیستی درون سازمان
مجاهدین را با همه حسیه های سانسب و سبکی اس

تیرباران يك کمونیست دیگر در خوزستان جنگ زده

در تاریخ سوم آذرماه ۵۹ در اهواز حکمی
دادگاه جمهوری اسلامی، رفیق "علیرضا همایون
— پیری زاده " دانشجوی دانشکده اهواز یکی از
رفقای انقلابی هوادار سازمان ج ف (اقلیت)
به جرم دفاع از منافع کارگران و زحمتکشان به
خوفا اعدام سپرده میشود .
اعدام انقلابیون طرفدار زحمتکشان سار
دیگر چه کرده است خاکمه ضد خلقی را آشکارتر
مسازد، هیئت خاکمه ضد خلقی علیرضا همایونی
نروان در راه جنگ ارجاعی ایران و عراق
لحظه ای ترس و خلاق و شکنجه و کشتار انقلابیون
عاقبت سانسب، چرا که آسپار دشمن اصلی منافع
مخلقی خود مسانسب، اعدام و تیرباران بیکار .

مطرح کرده ایم و معتمد کمانی که اگر منافع
سازمان احباب کند تمامای هندسی را همان تکرار
خواهد کرد جدول مارکسیستی درون سازمان را
خواهد همبند و آرا همان بنام "پوریوسم
چپ ما" خواهد نامدند مدنی آنکه از سانسب
اساسا درک درسی داشته اند، ما یکبار دیگر
وسراسر همیشه علاقمندان را به نوشته ای که در
سال گذشته در بیکار ۳۶ در مورد رفیق تیفتکچی
آوردیم مراجعه میدهم

تصحیح و بوزش
در بررگداشت سالگرد قیام خلق آذربایجان
(بیکار ۸۴)، سی و پنجمین سالگشت این قیام ،
به اشتباه "یکریع قرن" آمده است که بدینوسیله
تصحیح میگردد .
توضیح
ادامه مقاله رزمندگان و راهکارگران حریف
تا عمل در شمار بعد درج خواهد شد .

زنده جاوید باد یاد شهیدان خلق

بقیه از صفحه ۳ کارگران ...

پرداخت حقوقشان نکنند، لیکن شورا که تحت نفوذ "اکثریتی" مذکور بود، کاری برای کارگران انجام نمیدهد. فرد مذکور به پیروی از "رهنمود" های سازمانش بقول خودش میخواد مجلسوی "اغتاشی" را در کارخانه بگیرد! و در مورد تولید بیشتر نیز به نوجه سرائی میبرد از ۱۰ این عمل باعث خشم کارگران نسبت به این خدمتکار کارفرما میشود و لذا تصمیم میگیرند و راه کارخانه راه ندهند و از روز ۳۰ آبان ماه جلسوی ورودش را به کارخانه میگیرند.

این نمونه با ردیگرما هیت زدکا رگمری رویزیونیستهای اکثریت را نشان میدهد اما نکته حائز اهمیت این است که کارگران روز بروز بیشتر به ما هیت رویزیونیستهای برده و بدترستی جایگذاشتن را در کنار سرما به داران تشخیص میدهند، گرچه این فرد در کارخانه بعنوان "چی" معروف بود، ولی کارگران که علیرغم عدم شناخت کاملشان از کمونیستها، بسا برغریزه طبقاتی تیشان، فرق بین دوست و دشمن را درک میکنند او را "چی" طرفدار کارفرما (بخوان چی در حرف و طرفدار کارفرما در عمل، یعنی رویزیونیست) مینامند.



مبارزات کارگران آلومینوم سازی اراک در حمایت از شورا

چندی پیش شورای کارخانه آلومینوم سازی اراک با توطئه "صدر" مدیر عامل سازمان گسترش و توسعه صنایع فلزی اراک و سران آن، این عناصر ضد کارگر، بیشرمی را اینبار از حد گذرانده، و چند نفر از اعضای شورا را از کارخانه اخراج کردند و این در حالی بود که دو نفر از اعضای اخراجی شورا، به واسطه خوشاوریها بی که نسبت به این رژیم داشتند، در حربه جنگ بودند.

این موظفان دستهای کثیف مدبرعامل دولتی جدید کارخانه آلومینوم سازی، منطقی و با کمک و همکاری انجمن اسلامی کارخانه آلومینوم سازی و کارخانه ماشین سازی و دادستان اراک به مرحله احرا در آمد و آخرین شورای این منطقه را که حاصل مبارزات تهرمانان کارگران در روزهای تیرماه بود، بواسطه طرفداری اش از کارگران، در افتاد با مدیرعامل زدکا رگمر قسلی و انجمن اسلامی کارخانه، بررسی پرونده دزدیهای مسلحونی که با همکاری اکثر روسا و اعضای انجمن اسلامی صورت گرفته بود، و با لایحه بطلت زیر بار اعمال زدکا رگمری گرفتن آنرا از هم پاشاندند.

پس از آنکه کارکنان آلومینوم سازی به حمایت از شورایشان و اعضای آن دست به اعتصاب زدند، رژیم که به وحشت افتاده بود، با سدا ران سرما به راه کارخانه فرستاد تا حلوی حرکت کارگران را بگیرند. با سدا ران زمانیکه معوف فشرده کارکنان اعتصابی را دیدند، از ترس اینکه بقول خودشان "اوضاع خرابتر نشود" نتوانستند کاری انجام دهند. مهدی سلطانی سرپرست کمبته (که بعد از قیام "انقلابی" شده و در روزهای اعتبار قبل از قیام، فرهنگیان، معلمین و دانش آموزان بعد از یکماه اعتبار با او راه زور از سر کلاس درس بیرون کشیدند!)، به نما یندگی

ضدیت رژیم با شوراها در پالایشگاه اصفهان

اخیرا بخشنامه ای از طرف هیات رئیسه صنعت نفت توسط مهره سرسپرده آنها "علاقه بند" مسئول پالایشگاه اصفهان منتشر میشود که در آن کارنو بستکاری کارگران از ساعت ۸ ساعت کاهش میابد. در این بخشنامه قید میشود که اگر کارگران نظیر سابق داشته باشند، به آن ترتیب اثر داده خواهد شد. در حالیکه این بخشنامه زدکا رگمری بدون اطلاع و توافق شورای کارکنان انتشار مییابد. علاقه بند در زمان شاه شاهان نیز از منافع سرما به داران دفاع میکرد و افراد زاندا رمری را و اردیابیشگاه کرده بود به زور سرنیزه کارکنان سنا سانی عده ای از کارکنان مبارزان گرفته و از پالایشگاه اخراجشان کرده بود. و همچنین سه تن از کارکنان مبارزان به ساواک معرفی کرده بود که مورد شکنجه قرار گرفته بودند. حال، این عنصر مزدور در رأس پالایشگاه قرار گرفته و میانی که کارگران از او سوال میکنند که چرا نظیر شورا را فایز رسیده بودی؟ جواب میدهد که "شورا معنی نمیدهد!"

همچنین زمانی که رجائی نخست وزیر به همراه ظاهری اما جمعه اصفهان برای بررسی چگونگی حادثه آتش سوزی پالایشگاه به آنجا میروند، بجای تماس با کارکنان و شورایشان، با افرادی نظیر "علاقه بند در پشت درهای بسته به مذاکره میپردازند. وقتیکه شورا خواهان مذاکره با رجائی میشود، نخست وزیر میگوید "من با شورا کاری ندارم و وقت این کار را نیتندارم!". این موارد در روشنی نشان میدهد که تمامی سرورهای رژیم در مورد "شوراها"، عوامفریبی بیش نیست، و هر دو جناح رژیم (هم جناح بنی صدر که صحبت از "شورا بی شورا" کرده و هم جناح حزب جمهوری اسلامی و رجائی) بر سر مخالفت با قدرت شوراها، متفق القولند.

منطق جنگ زده بهمانند، اما حتی زمانیکه کارگران گوشت دم توب سرما به داران میگردند از پرداخت حقوقشان به خانواده قربانی خودداری میکنند!

مقامات رژیم پرداخت حقوق قربانیان جنگ را به صدام حواله می کنند!

در تاریخ ۵۹/۹/۸ خانواده یکی از کارگران قربانی جنگ، بنام "حمید عسگری" که بیستم آبانماه در محل پتروشیمی آبادان بر اثر انفجار کشته شده بود، برای دریافت حقوق مهرماه وی، در ماه شهری به یکی از مسئولین وزارت نفت بنام "جلیل شمشیری" که رئیس بسیج وزارت نفت و در واقع رئیس ساواک این اداره بود، مراجعه میکنند. اما این مزدور سرما به با بیشرمی تمام برگه فوت کارگر شهید را تقلمبی میخواند (؟) و به خانواده این قربانی جنگ غیرعادلانه میگوید: "بروید آبادان و تا شنیده آن را بیاورید". یکی از بستگان کارگر شهید، اعتراض کرده میگوید: "اگر من رفته و کشته شدم آنوقت چه کسی برای من تا شنیده میگیرد؟ شمشیری مرتجع در مقابل اصرا رخانه نوا ده قربانی برای دریافت حقوق، با وقاحت تمام آنرا به صدام حواله کرده و میگوید: "بروید! صدام حسین حقوق بگیرد!" آری، رژیم جمهوری اسلامی، اینچنین با بازماندگان قربانیان جنگ برخورد میکند. جنگی که بوسیله سرما به داران دور رژیم بر راه افتاده از هر دو طرف، کارگران و زحمتکشان را قربانی میکند. دولت کارگران زحمتکش را مجبور کرده است که برای جلوگیری از قطع حقوق و اخراجشان، زیر گلوله های عراقی، در

بقیه از صفحه ۳ اجتماع ...

داد که در ماه گذشته به تعدادی از روسا ۲۰ هزار تومان پرداخت شده و این در حالی است که رژیم به بهانه نداشتن پول و شرایط جنگی از پرداخت حقوق کارگران به اشکال مختلف طفره مسرود.

"ریخته‌گر"، رئیس پالایشگاه آبپاشی که در اجتماع حضور داشت، سعی میکرد که به مسایلی مطرحه از جانب نمایندگان، پاسخ گوید و لوسی در واقع حرفی برای گفتن نداشت و سرانجام مجبور شد که بگوید کارهای نیست و کاری نمی توانند کند. پس از آنما بنده کارگران زیر بویش صحبت کرد، اوضاع را به بیان کارگران و کارکنان در کنار هم کار کرده و زحمت کشیده اند خواستار پرداخت حقوق کارگران شد و از کارمندان خواست که از خواستهای کارگران حمایت کنند. سخنان وی با استقبال کارکنان مواجه گردید. در پایان قطعنامه‌ای به اتفاق آراء تصویب گردید و اجتماع بعدی در تاریخ ۱۳/۹/۵۹ اعلام شد. متن مواد قطعنامه به شرح زیر است:

- ۱ - لغو تصویب نامه هیئت دولت (مندرج در کیهان ۵۹/۸/۲۲) که در آن تعیین تکلیف کارکنان جنگزده را به آئینده موکول مینماید. در صورتیکه کمیته بررسی مشکلات جنگ زدگان هنوز بهخشانامه ۵۹/۸/۱۰ خود را برخلاف تصویبنامه هیئت دولت معتبر مینماید، باید آتراء رسماً اعلام نماید.
- ۲ - کمیسیون بررسی و تجهیز نیروی انسانی باید با همه کارکنان جنگ زده یکسان رفتار نموده و معیار کارهای خود را که بر اساس تاریخ ترک آبپاشی میباید شلغون نماید. همچنین کلیه کارهای این کمیسیون باید تحت نظر نمایندگان کارکنان باشد.
- ۳ - با توجه به دریافت حقوق کامل کارکنان مشاغل در تهران و سایر شهرها، کارکنان جنگ زده که تمام هستی خود را در این جنگ از دست داده اند باید از اولویت بیشتری برخوردار بوده و میزان علی الحساب پرداختی به آنها بیشتر گردد.
- ۴ - چون آواره بودن و جنگ زدگی در موردهمه یکسان میباشد، لذا مبلغ پرداختی علی الحساب به کلیه کارکنان جنگ زده اعلام زکارمند و کارگر زیر پوشش باید یکسان باشد.
- ۵ - کمیته بررسی مشکلات جنگ زدگان باید اقدام فوری و قاطعی در مورد تهیه مسکن و اسکان جنگ زدگان بعمل آورد تا آنها از آوارگی و دربدری نجات یابند، در غیر این صورت باید مبلغی به عنوان کمک هزینه مسکن به کارکنان جنگ زده پرداخت گردد.
- ۶ - تأمین خوراک و بار و سوخت از نیازهای اولیه کارکنان جنگزده است و باید اقدام فوری در این صورت گیرد.
- ۷ - زمزمه‌هایی که در مورد جدا کردن کارکنان زیر پوشش از سایر کارکنان شنیده میشود از نظر ما محکوم است و ما قویاً از آنها حمایت خواهیم کرد.

بقیه از صفحه ۳ چرا ...

اعمال افتخار داناان رژیم: "در حال حاضر بطور تقریبی میتوان گفت که درصد نسبی در بخش کشاورزی سن ۱۵ تا ۳۰ درصد، در بخش صنعت سن صفر تا ۱۰ درصد، در بخش خدمات سن ۵ تا ۱۰ درصد و در بخش مرد و حقوق بگیران بخش عمومی در نوسانی بین منهای ۵ تا ۵ درصد، میباشد. با این حساب نرخ بیکاری را میتوان حول ۲۸ درصد تخمین زد، تقریباً رقمی نزدیک به ۵ میلیون نفر." (کیهان ۱۸ آذر ماه) این ارقام دولتی خود بهترین گواه عمق بحران و گستردگی مشکل بیکاری است. ولی چرا رژیم که همواره سعی در انگار این واقعیت داشت (و فی المثل تا همین چندین پیش رقم بیکاری را تنها ۵۰۰ هزار نفر قلند اعلام میکرد)، اکنون بدان اعتراف میکند؟ پاسخ را روشنتر از هر جا در گفته‌های نخست وزیر می‌توان یافت. او معتقد است که: "با بدقیبل از آنکه بصورت راهیمای عرض وجود کند و حالتی دیگری را پیدا کند برای حل آنها راه‌حلهای مناسبی ارائه شود." "ری، قبل از آنکه از بگیری جنبش بیکاران در کنار مبارزات سایر توده‌ها، بساط لرزان رژیم جمهوری اسلامی را فروریز و بدقیبل از آنکه اشکال مبارزات توده‌ها (و از جمله بیکاران)، تنها مسئله یافته، "حالتی دیگری پیدا کند، رژیم را در آتش خود بسوزاند، باید راه‌حلی یافته، یافت این است گفته نخست وزیر عوام فریب رژیم، ولی آقای رجائی یک چیز را نمیداند و آن هم این است که: رژیم جمهوری اسلامی بنا به ماهیت خود هرگز چنین راه‌حلی نمی‌تواند پیدا کند. این است که سرمایه‌داری وابسته ایران بقدری است که رژیمهای مترزلی چون رژیم جمهوری اسلامی که در تلاش با زسازی این سیستم اند، هرگز موفق به حفظ آن ورهائی از ضلعه‌های انقلاب، نخواهند گردید. افزایش مشکلاتی نظیر بیکاری، گرانی، بی‌مسکنی و... بعد از زوری کار آمدن رژیم، خود بهترین گواه زبونی و درماندگی حکومت کننده‌گان ارتجاعی فعلی در حل مشکلات است. بیکاری و مشکلاتی نظیر آن که از عوارض جوانی سرمایه‌داری میباشد، تنها و تنها در جامعه سوسیالیستی برای همیشه نابود خواهد شد، چرا که تولید در جامعه سوسیالیستی بر اساس برنامه ریزی نیازهای توده‌های زحمتکش صورت می‌گیرد و نه برای پرکردن جیب سرمایه‌داران.

گسترش بیکاری در جامعه ما، خود جلوه‌ای از چشم‌انداز فلاکت آئینده است که دور جدیدی از مبارزات علیه رژیمار منتهی با ابعادی بسیار وسیع‌تر خواهد بود.

(ب) - میزان ۱۵ آذر ماه ۱۳۵۹

۸ - در مورد کارکنان حراست باید تصمیم عادلانه‌ای اتخاذ شود و ما از آن دسته از کارکنان حراست که به گفته مسئولین اخراج شده‌اند حمایت میکنیم. تنها پیندگان کارکنان جنگزده

بقیه از صفحه ۹ مبارزات ...

از طرف دادستان ساکارگران اعتصابی وارد مذاکره شد. آنها توانستند کارکنان اعتصابی را با وعده رسیدگی به درخواستها بشان به سرکار بفرستند. نکل اعتصاب کارگران به این صورت بود که یک شبقت برای اینکه کارخانه نخوابسد کار میگردند و شبقت دیگری به اعتراض خود ادامه می‌دهند و اعتصاب را میگردانند. این اعتصاب در روزهای دوشنبه ۱۹ و چهارشنبه ۲۱ آبانماه صورت میگیرند.

دوستان کارگر!

اگر کارگران معترض آلومینیم سازی کاملاً لزوم وحدت و حمایت کردن از نمایندگان دوستان اخراجیشان را درک کرده بودند، و اگر اعضای شورای کارخانه پیوند نزدیکی با انتخاب کنندگان خود داشتند، کارگران بسادگی دست از اعتراض برنمی‌داشتند و تن به مذاکره نمیدادند چرا که این نوع مذاکرات را فقط برای فریبکاری و شکستن روحیه مبارزاتی کارگران، راه می‌اندازند. همچنین کارگران نباید اجازه میدادند عناصر خسته شده ضد کارگر مانند "سهیلی" در کارها بشان مداخله کنند و میبایست اورا از کارخانه بیرون می‌انداختند.

اما هنوز هم دیر نشده، دوستان کارگر ما در آلومینیم سازی باید تا بسرکار برگشتن اعضای اخراج شده شورا و دیگر همکاران نشان که بدون هیچ دلیلی اخراج شده‌اند، مبارزه متحدانه خود را ادامه داده و به مذاکراتی که برای فریب دادن آنها و منحرف کردن مبارزاتشان راه انداخته‌اند، اعتنائی نکنند. وظیفه ما کارگران سایر کارخانه‌هاست که با پشتیبانی از دوستان ما، در کارخانه آلومینیم سازی، مشترک بودن دردهایمان را به نمایش بگذاریم تا در موقع لزوم آنها نیز ما حمایت کنند.

(به نقل از "ماشین ساز" شماره ۱۱ نشریه عده - ای از کارگران مبارز ماشین سازی اراک)

اعتصاب در کارخانه کانادادارای

روزه ۱۵ آذر، کارگران این کارخانه که در جاده قدیم کرج واقع است، دست به اعتصاب می‌زنند. این اعتصاب منجر به آن میشود که در حدود ۱۵ ماشین ارتشی و پاساژرملی، کارخانه را محاصره کنند. پاساژران و ارتشیها خواستار برسر کار با زگشتن کارگران میشوند، اما با مقاومت کارگران مواجه میگردند. در نتیجه مزدوران رژیم به تیراندازی هوائی دست می‌زنند که منجر به درگیری بین کارگران و پاساژران میشود.

۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران

درس‌هایی از جنبش کارگری

تجربیات مبارزات قهرمانانه طبقه کارگر لهستان
علیه سرمایه‌داری دولتی (۲)

درشماره گذشته به بررسی مبارزات کارگران لهستان پرداختیم و نشان دادیم که این مبارزات از یکسوی نشان دهنده یکپارچگی و قدرت طبقه کارگر است و از سوی دیگر بیانگر بحران جهانی سرمایه داری و گنبدی سرمایه‌داری دولتی در کشورهای تحت حاکمیت رژیونست‌ها و وابسته به سوسیال امپریالیسم شوروی می‌باشد. جنبش اعتصابی کارگران لهستان دستاوردهای ویژه‌ای نیز به همراه داشته که تجربیات جنبش جهانی کارگری را غنا بخشیده و اندوخته‌اش را بر سایر تجربیات را مورد بررسی قرار دهیم:

شکنی داده و نماینده‌شان اعلام می‌کنند: "ما حاضریم در زمینه اقتصاد عقب نشینی کنیم، حاضریم از ۴۰۰۰ زلوتی اضافه دستمزد نیز صرف نظر کنیم، لیکن در مورد سندیکا‌های آزاد تن به هیچ سازشی نخواهیم داد." این امر نشانگر قوی بودن جنبه سیاسی اعتصابات و تنفر عمیق کارگران از نظام حاکم بر آنهاست. البته باید متذکر شد که لیبرال‌ها در این سندیکاها نفوذ داشته و کوشیده‌اند با سواستفاده از خواست‌ها و مبارزات بحق کارگران، جنبش اعتراضی کارگری را در جهت منافع خود سوق دهند.

۴- "اتحادیه همبستگی"، تشکیلات سراسری کارگران: زمانیکه دولت با خواست‌های کارگران

لیبرال‌ها را از یکدیگر متمایز ساخته و در عین افشای لیبرال‌های ضد انقلابی از مبارزات و خواست‌های بحق کارگران دفاع نمود.

۳- مقیاس متحرک دستمزدها: سرمایه‌داری به علت گنبدی و زوال‌های ناشی با بحران‌های متوالی روبروست، که یکی از نتایج آنها افزایش نرخ تورم با افزایش قیمت‌ها و در نتیجه پایین آمدن سطح زندگی بوده‌است. بنابراین این طی یک مدت، ارزش پول کم می‌شود، در صورتی که دستمزدها ثابت می‌مانند، به همین دلیل در مبارزات کارگران، غالباً درخواست افزایش دستمزد وجود دارد، اما کارگران لهستان با طرح خواسته مقیاس متحرک دستمزدها، افزایش دستمزد را متناسب با افزایش نرخ تورم در نظر گرفته‌اند، یعنی هرگاه قیمت‌ها افزایش یافت، خود بخود دستمزدها نیز افزایش خواهد یافت. این خواسته کارگران از طرفی بیانگر ابتکار و خلاقیت آنهاست و از طرف دیگر نشانگر انحطاط سرمایه‌داری دولتی لهستان است که دائماً دچار تورم و افزایش قیمت‌هاست.

۴- پیش‌زننده مذاکرات نمایندگان، جلوه‌ای از دموکراسی کارگری: رژیم ضدکارگری لهستان به منظور سرکوب مبارزات کارگران، به مرحله‌ای متوسل گردید که از آنجمله‌ها می‌توان اخبار رزم‌اتی کارگران و جلوگیری از پیش‌آنها در نقاط کشور و سراسر جهان بود، اما کارگران که به اهمیت آگاهی و پشتیبانی سایر توده‌ها از مبارزاتشان واقف بودند، به منظور ارتباط و نزدیکی هرچه بیشتر با توده‌ها، یکی از شروط مذاکره با دولت را برچیدن سلسله سانسور قرار دادند و بدین روی این شرط پافشاری کردند علاوه بر این نمایندگان کارگران هنگام مذاکره با مقامات دولتی، به منظور درجریان کامل قرار دادن توده‌های کارگر، با گذاشتن بلندگو در محوطه اجتماع کارگران، آنها را در جریان زنده جزئیات مذاکرات قرار داده و خواستار پخش آن از تلویزیون شدند. آنها بدینوسیله نمونه بزرگ‌ای از اعمال دموکراسی کارگری را به نمایش گذاشتند. این امر تمامی شیات کثیف دولت مبنی بر انجام مذاکرات پشت پرده، و کوشش جهت تهدید و تطمیع نمایندگان انقلابی را نقش بر آب نمود.



کارخانه کشتی سازی لنین، موافقت کرد، هئیت نمایندگان کارگران سایر کارخانجات نزدیک کارگران این کارخانه آمده و خواستار ادامه مبارزه تا تحقق خواست‌های تمامی کارگران شدند. این درخواست با استقبال کارگران پیروز کارخانه کشتی سازی مواجه گردید و آنها جهت حفظ یکپارچگی طبقاتی خود و به منظور کوبنده‌تر کردن ضرباتشان بر بورژوازی، کمیته‌ها همگی ایجاد کردند و با پافشاری زیاد روی حفظ همبستگی طبقه کارگر مبارزاتشان را ادامه دادند.

زمانیکه کارگران خواست‌هایشان را بر دولت تحمیل کردند و سندیکا‌های آزاد را پس‌ریزی نمودند، کمیته‌ها همگی مذبورتا حشد اتحادیه مستقل کارگران سراسر لهستان، ارتقاء یافت که رهبری مبارزات کارگران از آن به بعد توسط این اتحادیه صورت می‌گیرد. این شکل صنفی - سیاسی "اتحادیه همبستگی" نام گرفت. لازم به تذکر است که این شکل اگر از یک سو بیان خواست کارگران در متحد کردن صفوف خود در مقابل دولت سرمایه‌داری است از سوی دیگر مبنی این واقعیت است که لیبرال‌ها با نقوذ در رهبری این شکل کوشیده‌اند آنرا به ابزار رفتار سرروی دولت حاکم تبدیل نمایند. برواضح است که در جریان تاخیرمی با سیاست موضع دونیرویکی طبقه کارگر و دیگری بورژوازی

۵- افشای توطئه‌های رژیم و بالا بردن آگاهی کارگران: در تمامی طول اعتصابات، کارگران با برگزاری سخنرانی‌ها و میتینگ‌های آگاهانه، به افشای توطئه‌ها و عملکردهای ضدکارگری دولت می‌پرداختند. این عمل با

ج- تجربیات آموختنی از اعتصابات

۱- اهمیت خواست ایجاد سندیکای آزاد: در کشورهای ما نند لهستان که سرمایه‌داری دولتی حاکم است، قدرت طبقه سرمایه‌دار تا ما از طریق دولت اعمال می‌شود و این برای تشکلات بسه ظاهراً کارگری‌ای که سرمایه‌داران به منظور کنترل مبارزات کارگران بوجود می‌آورند، در این کشورها دولتی هستند. رژیم‌های رژیونیستی این ممالک برای جلوگیری از انجام حرکات مستقل کارگران اجازه بوجود آمدن تشکلات آزاد کارگری را نمی‌دهد، بنابراین خواست ایجاد سندیکا‌های آزاد که از جانب کارگران لهستان مطرح گردید و بعنوان عمده‌ترین خواستشان مورد تاکید قرار گرفت، در واقع خواستی سیاسی و نوعی مبارزه بر علیه سیستم سرمایه‌داری دولتی حاکم بود. بهیچ‌نویس نیست که اگر با این روسی دولت لهستان، صراحتاً با این خواست اساسی کارگران مخالفت کرده و آنرا خطری بر علیه نظام این کشور تلقی نمودند در صورتیکه آموزش کارگری طبقه کارگر، نه تنها با دولتی کردن سندیکاها، حتی در کشور سوسیالیستی، مخالفت کرده می‌گوید: "... لیکن سندیکا یک سازمان دولتی نیست، یک دستگاه اجباری و الزام نیست، هدف آن آموزش، تربیت و تعلیم است." (سندیکاها، اوضاع کنونی و اشتباهات تروتسکی، مجموعه آثار جلد ۲۲)

کارگران لهستان به اهمیت این خواست‌شان واقف بوده و برای دفاع از منافع خود بدین روی آن پافشاری کردند. بطوریکه در شرایطی که دولت حاضر شد، در صورت صرف نظر از این خواست کارگران، با این خواست‌ها ایستادگی نمودند.



توجه به آنکه در اعتمادات طولانی و همگانی امکان موشرواف شدن سرنگهای سرمایه داران را اصل برای نحی از توده های کارگر، وجود دارد، جا نزا همب فراوان است، چرا که بدینوسله میتوان نذا و موا سنحکام ماباره راننا حدود زیادی، تضمین نمود، همچنین اعلام حمایت سلسله توده ها از مبارزات کارگران، که در احما عاب مذکور صورت میگرفت، جهت حفظ روحه مبارزاتی آنها موشرواف میشد.

کارگران برای حنشی کردن نوظنه های رژیم برخی شرایط را به دولت تحمیل کردند، از جمله گرفتن تضمینی براس مبنی که س از پایان ا عتصاب و در مدت ا عتصاب مفا مات سلس حق ندارند معترض هیچ ا عتصاب کنندهای بشوند کارگران بدینوسله راه اقدامات سرکوبگرانه دولت (دستگیری و اذیت و آزار کارگران) را بعد از خاتمه ا عتصاب بسته و دبیرنا حبه ای حسرت رو بیوسنست حاکم را و ا دار نمودند تا کتسلا چنین تعهدی را متقبل گردد.

این موارد و سایر موارد دیگر، بسا نگر عظمت جنبش کارگری اخردر لهستان است که بسوبه خود بحسب با ارزنده و سرباری برای کارگران جهان و ا ر جمله ایران، داشته است، اما مناسفا نه این حوکت سرک کارگری دحسار ضعفا و انحرافات بزرگی نزمزوده و مبیا شد که در صورت تداوم، میتواند جنبش را بطور کلی از مسیر مرفح کارگران منحرف نما بد.

بنا بر این اگر بخوا هم به بررسی و درس آموزیمان از این جنبش کارگری، درست و واقعی باشد، تا کز بریم که ضعفهای آنرا هم مورد بررسی قرار داده و از آنها نیردرس آموزی کنیم.

د - ضعفها و انحرافات ناشی از خود بخودی بودن جنبش و فقدان رهبری کمونیستی

گرچه جنبش کنونی کارگران، ضربهات کوبنده ای بر پیکر بیما سرمایه داری دولتی این کشور وارد آورده است، اما از آنجا شبکه این جنبش خود بخودی و فا قدر رهبری انقلابی واقعی خویش است، بسیا آسب پذیر مبابا شد. ضعف جنبش بین المللی کمونیستی و علیه پرویزیو - نیسم بر آن اطرعی، و حاکمیت سرکوبگانه رژیم حاکم بر لهستان و نیز ضعف و انحرافات نیروهای کمونیستی در لهستان از اظطرب دیگر، موجب گردید که نیروهای کمونیستی و انقلابی این کشور نتوانا نند در ندمنا سبی داسبابا شند و بنا بر این زمانیکه جنبشی به ای عظمت رخ می دهد، از رهبری واقعی و کمونیستی خویش محروم میگردد، خود بخودی بودن جنبش را مبنی از آن یکمدر طرح خواستهای کارگران (که یا صرفا رفاهی اند و یا جنبه سیاسی آنها به نسبت عظمت جنبش، بسیا رپا ثین است)، مفا هده نمود، و از سوی دیگر در عدم وجود تشکیلات سیاسی (حزب طبقه کارگر) نیرومندی که بتواند این جنبش

خود بخودی را سمت سوی محمی در جهت سرنگونی رژیم حاکم و بدست گرفتن قدرت توسط طبقه کارگر، بدهد، این سررکتیسی ضعف جنبش کارگران لهستان است. علاوه بر این نعلت ناشی بودن آکا هی عمومی و طبغای کارگران با راهای در خواستهای سرروا ئی در مسان خواستهای کارگران بحسب معخورد، مانند خواست آزادی مذهب و حمایت از محال سلسل و مما سل به عرب دولت، که موجب سوء استفا ده امربا لسنهای عربی جهت بهره برداری سلسغای مرفع خود سان گردید و مرجع سرگی حون "ناب" را س آن داس که در صده انحراف کشانن مبارزات کارگران سرتا شد، در اسن ممان دولت ضد کارگری لهستان نیز از فرصت استفا ده کرده و با سوسل به کتسها (و از جمله آوردن یک وزیر کار تولک در دولت) سعی در تطهیر خود و "آرام کردن کارگران نمود.

همچنین عدم سررسندی کارگران بسا لیبرالهای مخالف دولت، بخصوص در طرح خواستهای چون سندیکا های آزاد، موجب محدودش شدن مرز بس خواست انقلابی کارگران و خواست صد انقلابی بورروا - لسرالها (که به بیانه "سندیکا های آزاد" خواستهای ضد سوسبا لسنی خود ا طرح کردند)، گردید، بسا گونه سوء استفا ده ها که از جانب نیروهای ارتجاعی مخالف دولت صورت میگردد، توسط عنا ممر سازنگاری چون "لس والسا" که داسما سعی در مهار کردن جنبش و جلوگیری از قهرآ میرشدن آن دارند، تقویت میگردد، عملی چون فرستادن بیام تریک (!) برای رگان که از جانب رهبران سازنگار "اتحادیه همبستگی"، صورت گرفت، در واقع خیانتی بود به جنبش کارگران لهستان که موجبات تبلیغات شدید امربا لسنهای غربی را فرا هم نمود تا سوسبا لسنم و کمونیسم (یعنی تنها راه نجات طبقه کارگر از استثماری و بندگی) را مورد حمله قرار دهند. از این گذشته سنگونه اعمال بوهما ت لسرالی را در میان سوده های کارگران تعویت کرده و آنها را ارمسیرا انقلابی مبارزه پارسا رد.

اس صغفا و انحرافات که خطری جدی برای جنبش کارگری لهستان در بر دارا د، هتداری است

به کمونیستهای راستین این کشور که با بسند سش از بسش به افشای توطئه های سروروزای دولتی، لیبرالها و محافظ ارتجاعی وابسته به غرب امبریا لسنهای غربی و سوسبال امبریا لسنم سروری، بر داسختها و افشای شعارها و خواسته های انحرافی، به سیاسی تر نمودن جنبش و تبلیغ تنها راه رهایی طبقه کارگری یعنی سوسبا لسنم سر دارا ند، کمونیستها و انقلابیون لهستان سنی مبابست با جمع بندی مبارزات از سربطیقه کارگران کشور، در سبابی بس گرانها را در اخسار جنبش کارگری جهان قرار داده و حمایت و بسنناسی کارگران سراسر جهان را جلب نما یند اهمیت این وظایف با توجه به اینکه صغ عمده جنبش کارگری اخیر لهستان، ضعف سازماندهی و فقدان رهبری و سیاست انقلابی است، و هر آن خطر کنترل کامل آن توسط بورروازی وجود دارد، بیشتر و بیشتر میگردد.

وظیفه کمونیستها و کارگران انقلابی سایر کشورهاست که با برآه انداختن ا عتصابات و نظا هرات به پیشانی مبارزان طبقه خود در لهستان بشتا بند، با پدبغا طردا شدت کها بسن جنبش عظیم اگر از رهبری واقعی و انقلابی برخوردار گردد، میتواند تا سرنگونی رژیم رو بیونیستی حاکم و برقراری حکومت کارگران و زحمتکشان، ادا مبابد، در آن صورت رو تسن است که ضربه ای که بر پیکر کندیده امبریا لسنم جهانی و بویژه سوسبال امبریا لسنم شوروی و اقمارش وارد مبابد، تا چه دم رکبا رو کوبنده میگردد، به هر صورت این جنبش عظیم کارگری نوسد بسخا و جگیری مبارزات طبقه کارگر در سراسر جهان بوده و خسرا ز سونی و فساد سرمایه داری جهانی میدهد، ا وجگیری مبارزه طبقه کارگری در کلیه کشورها و بخصوص کشورهای تحت سلطه امبریا لسنم که آمارش را در همه جا: در لهستان، ایران، کشورهای آمریکا ی لاتین، آفریقا، آسیا و... مفا هده میکنیم، چون نسمی است که خیرا از طوفا نیای عظم مسده، طوفا نی که نیر در رویا کارگران و خلعهای تحت ستم بر علیه سرمایه داری و امبریا لسنم برابرا خواهد نمود و بدنبال آن ا فقی سرخ سوسبا لسنم بدیدار گشته و روشنکار راه زحمتکشان جهان بسوی رهائی از بندگی و استثماری خواهد بود.



گزارشی از اوضاع سیاسی عراق (۱)

آنچه در زیر میخوانید سخن اول از گزارشی است که از طرف حزب کمونیست عراق (رهبری مرکزی) در ژوئیه سال ۱۹۷۷ منتشر شده است ترجمه و آوردن این گزارش در پیکار، تکلیفی است بر مثاللات مسعدی که در باره عراق، پیش از این، منتشر کرده ایم.

در اینجا با سخا طرسان کنیم که ما از مواضع کنونی حزب کمونیست عراق (رهبری مرکزی) و تحولات درونی آن اطلاع جدید و دقیقی بیش از آنچه در شما های ۷۸ تا ۸۰ آورده ایم در دست نداریم، ولی این گزارش نظریک با زمان م - ل راجع به یوزواری حاکم بر عراق را بر ما عرضه میدارد و جوابی با گفته را برای ما بازگو میکند. همچنین انتشار این مقاله، الزاماً به معنی موافقت ما با کلیه مواضع و اصطلاحات موجود در این مقاله نیست، ضمناً در برابر حزب کمونیست عراق (رهبری مرکزی)، حزب رویزیونیستی عراق بنا بر حزب کمونیست عراق (کمیتسه مرکزی) بنا شده میشود، (پیکار)

پیش بسوی توده های خلق

رژیم فاشیستی عراق، قریباً یک چندان هسی قرار دارد. سیاستهای جدید قابل اجرای این رژیم در چارچوب یک بحران عمومی که بعد از توافق ۶ مارس ۷۵ با ایران و تبدیل سرکوب جنبش رها شدی بخش مسلحانه خلق کرد شروع شده بود، قابل بررسی است. رژیم عراق از زمانیکه قدرت را بدست گرفته تا کنون چندین بحران را از سر گذرانده است ولی این بحران، اساساً سایر بحرانهای گذشته تفاوت دارد. منتها این تفاوت در محتوای بحران جدید است. محتوای این بحران، محتوایی که از ما هیت تمام ده های طبقه ای و قبیله ای و عمیق تر و گسترده تر از هر زمان دیگر پایه گرفته در شرایط عربی و بین المللی کنونی ظهور میکند.

مرحله نوبین در مبارزه علیه فاشیسم

شاید بتوان دو مرحله اساسی را در تاریخ رژیم فاشیستی عراق از زمان کودتای سفید ۱۷ - ژوئیه ۱۹۶۸ مشخص نمود. اولین مرحله، خیزش فاشیسم و تحکیم آن میباشد. در حال حاضر ما وارد دومین مرحله می شویم، که ویژگی آن سر آغاز انحطاط و امت فاشیسم میباشد. در بین این دو مرحله، توافق ایران و عراق و ناسودگی جنبش رها شدی بخش مسلحانه خلق کرد در مارس ۱۹۷۵ قرار دارد.

اولین مرحله، ناموفقیت رژیم فاشیستی در محکم خود که به انکار، سرکوب نیروهای ملی کی بین از دستگیری سوسله ما بورها های داخلی و خارجی و بهره گیری از ابعاد های سیاسی المللی و منطقه ای منجر به سست ندرت خود بر سرکوب و کسب محض مسود، ارسن ما بورها و سوسله ها شکست بوسله رژیم فاشیستی عراق پس از کسب ندرت، ما کمت سرکشیهای انحصاری امریکائی و انگلیسی نکار گرفته شده میبوان سوسله های زیر را نام - آوری نمود.

۱ - به احرا ننگذاسنی ناسون ۸۰ (۱) برای یک مدت نامحدود.

۲ - توافق ۱۱ مارس ۷۵ با رهبران ناسونالیست کرد (۲)

۳ - رقابت با ایران جهت تسلط بر خلیج ازرمانی که نیروهای استعماری انگلیس از منطقه خارج شدند. این چیزی است که به رژیم یعنی عراق اجازه داد تا ادعا کند که ما رژیم ایران مخالفت میکند. این سیاست به شکست انجام میدور رژیم عراق آن پس در مقابل سلطه ایران بر خلیج سکوت نمود.

۴ - نزدیکی با اتحاد شوروی با برقراری مجدد "اتحاد استراتژیک" با آن و شمره داخلی ایس اتحاد که "جبهه ملی و مترقی" نام گرفت.

۵ - اسفاده از لافزتن قیمت نفت در سال ۱۹۷۳ - و بالاخره شروع جنگ در سال ۱۹۷۴ علیه طبقه کرد که شکست نظامی رژیم او را به پای جا بردن - های حیانتکارانه ۶ مارس ۱۹۷۵ با ایران، بر سر حمایت امیرالایم آمریکا، گذاشت.

کلیه این عوامل باعث شده که رژیم در اوج خود از یک طرف و سران شب سوط از طرف دیگر قرار گیرد. بلکه دو طرفه در ادر طرفی که آن سالها سر و بم و طرفی که از آن تا بنین ما بنیم، ویژگی اساسی دوره اول تحریف سها رهای ملی سوسله رژیم میباشد رژیم خود را در زیر سرچم "سوسالسم" و "انقلاب" و "مبارزه علیه استعمار" محفی نمود تا بنواند سوسله های نابودی نیروها و عناصر مبین پرست را بهتر بسپارد. رژیم فاشیستی از پشتیبانی رویزیونیستهای شوروی و عراقی در جهت کسب اعتبار در سطح ملی و بین المللی برای فریب توده های خلق و کمراه کردن بخشی از آن برای مدنی، استغاده نمود. در این دوران رژیم از کلیه ابزارهای سرکوب خود برای از بین بردن اراده خلقی در راه کسب آزادی و دمکراسی بهره گرفت. رژیم سوسله برنا مه های حساب شده کوسی نمود که روحه تحضرو تحمیق را در مردم ایجاد کرده و سرافت و از خود گذشتگی که

یکی از جنبه های خلقی مساندرا ارسن ندرت در این دوران و مسحناسن ارسن ندرت نمسفت کسانا رفسن خونیها را ندرت سال داس . سعبیرات مهم و سرعی در آراسن احصای عراقی رح داد، اس سفسرات براسن کسرسن سیرها در مقابل ارسن رفسن دها و افراسن ندرتی طسه کا رکر، اهمت رورا فرون نسن آن و سعبیر سرکیت طسه کا رکر (سعبیر سرکیت به معنای افراسن برولسا برای سعبی مساند)، سعبیر سدن کارمندان حر، بالارفسن لفظای در آمد سعبی لانه های سوررواری سوسوط، رفسن سعبی سرب و ساسر مهم در آمدک سراسر انگلی، سعبی که مرکب ارسن اادی تا حاسن سرکشیهای خدمتات عمومی و رهبران فاشیستی دسکا حرمت سعب و دسکا سرکوب، اسحا مگرف سها می اس عوام مل سگ سراسن به صمرت و صعب سدن لفظای روچه مرنسنا سعبی سارس طفسا می و سکرانی سحمل سده سوسله روروسوسم و ساسم را سها خود سعبیراد داس حرب ما کله سعبی برسان و دمکراسها سعبور سمد برای سربم حرا حیا ارسکطرت و سحسبات موجود سسان ساسر افراسه سکا هدا سسن سرحم مسارزه و سعب رانطه ما اسار لفظی کدار سرب سراسی ارهه مهم سربود سدار لفظی دمکر، سعب عقب نشینی سس دردهد. حرب ما و کله دمکراسها از این طریق سعبوت خلقی و ردا طخ او را در مقابل هر نوع ترسوزگی و سبالدروی ارسر سربوسم رابسان داس سدد سس خاطر حرب ما و سحسبت دمکراسک عراقی محبوسه سها کا رفسیای سسمان کسب .

حکمی که سوسله رژیم سلبه خلقی در سراسن ۱۹۷۲ آغاز سدناس و اصعب را آرام - آرام سعبیر سداد. ما وجود اسکدر رژیم فاشیستی عراقی سواسن آحر س حرب سرب ندرت و سلب خود را در عراقی ما سده کند، ولی او اس موفقیت راسها ارسر طبق معامله ما امیرالایسم و سها یهای ارسن سدادن حاکمیت ملی و سفاف خلقی عراقی، سحک آورد.

رژیم عراقی ما کا سها سدن در اس راه کا سرب سرن کله برده های سه سرب سها که خود را سسان محفی

نخده در صفحه ۱۲

(۱) ناسون ۸۰ ناسون ملی کردن سفا سسب . که سوسله عبدالکریم سها سبه سعبوت و سها ی اول آن سداد سمد.

(۲) منظور حرب دمکرات کرد سسان عراقی سده رهبری ملا مصطفی با رراسی اسب .

(۳) این ما سطلاح "جبهه ملی و مترقی" سها رهبری حزب سعب و سها رکت حرب رویزیونیست عراقی، حزب دمکرات کرد سسان (در رهبری مصطفی با رراسی) سوجوده سده. کردها ارسال ۱۹۷۴ ار جبهه حارج سدد و روروسوسسها سعب سعب سها رها سب که سها سها و اده سها حاسن طها سها سادن و سوسری خوردن "ار سعب سعبولسد .

جنگ غیر عادلانه کنونی جنگی است بر علیه توده های ایران و عراق

پاسداران سرمایه نورا باد ممسنی را بخاک و خون کشیدند

در یورش پاسداران و فالانزه‌ها به تظاهرات ۲۵۰ نفره مردم در شبتهای
از معلمین ۱۶ کارگر، ۳۰ روزگرو ۳ معلم شهید شدند. صد هائفرزخمی شدند

در اواخر آبان ماه در پی اسباب فردی مریح
با مظاهره‌ری (از "حزب جمهوری اسلامی") -
زبانست آموزش و پرورش و مریح دیگری نام
اصاری (که حتی کارمند آموزش و پرورش هم
سبب) به معاونت وی، اسب مریحین با اسباب
با اسباب معاندانان سرکوبگرهای را در مورد
معلمین منعقد و مبادرت در سرکوب و شکنجه
برین وجهی دست به نعتین عقابید، فرستادن
جاسوس به مدارس، اخراج معلمین انقلابی -
زندگه‌خانی با اسباب مریحان مینار و آگاه
مواجهه مسود.

معلمین مبارزان را حمله به مسئولین استان
و اعزام نما بنده جوانان رعیوس رئیس مریح و
رفع سمعی از فرهنگیان و... مسود که چون
همه با اسب معنی مقامات رژیم مواجه مسود
معلمین مبارز میم مریحین را از
اداره آموزش و پرورش بیرون برانند معلمین
مبارزه مظاهره‌ری و با بنده با ۵ آدمه‌لنت میدهند
که اداره را ترک نماسند ولی او سر بیعی میماند
با اسبکه روزها ریشه معلمین آنها را اخراج
میکنند ولی با دخالت پاسداران، معلمین
مبارز را از اداره آموزش و پرورش محض مسود
ظاهری حدود ۴۰ نفر را با اسب جری را طرفداری
ار خود به نظر هرات و امدا رده که سر با کسند
می شوند. شب همکام پاسداران معلمین را سروراز
اداره اخراج کرده و آنها با صبح حلوی اداره سر
می برند.

روز پیش‌بینی شده اسب آموزش به طرفداری ار
معلمین سان نظر هرات می‌کسند. فردای آروز
رموانی نامی (نما بنده آسب الله حصی در
با دگان نوزه) به یورآ نامدمتد و عا صرنا آگاه
را علیه معلمین تحریک می‌کند.

روز سه ۸ آذر ۲۵۰۰ نفر از مردم به حمایت
ار معلمین منعقد و آگاه شهر نظر هرات می‌کنند و
سارهاشی علیه "ظاهری" و "رموانی" میدهند.
تا صبح ۱۰/۳ صبح هاروز "رموانی" مریح با
جمعیتی در حدود ۱۵۰ نفر همراه با پاسداران مسلح
به مناظره هرات مردمی شنا بند. مردم
بهرمان تا صبح ۵ بعد از ظهر مقاومت میکنند.
پاسداران سرما به تیراندازی می‌کنند و گلوله
مسلطهای اسرائیلی و آمریکائی مردم را بخون
مکشد. ۵ نفر به اسامی سرزین امیری (کارگر)
منصور عوضی (کشاورز)، خلسعه رضائی، نادعلی -
احمدی، حمزه فریانی (معلم) به شهادت رسیده و
مدها نفر بندت محروم میگردند. مردم فرساده -

می آوردند: "مرک پاسدار" و... و مرگ -
رهبران جمهوری اسلامی ...

صبح یکشنبه (۹ آذر) مردم ممسنی تشیع
حنا ره ساگویی سرکار می‌کنند، آنها طوسرد -
خانه سارسان "هلال احمر" جمع کرده علیه
رژیم پاسداران چهل و سرمانه سارمندند و
افتاء کری می پردازند. مردم سار میدادند
"منکنم، منکنم آسب که مردم کست"، "اسن
سند حنا سار حجاج اسب" و... بر در ب سارستان
شعاری به ریک سرج: "خلدان فرزدان سا
اعدام با ندر کردند" خوا سه مردم را منعکس مکرد
سار تشیع حنا ره، مردم زحمتکس و دانش آموز
- ان انقلابی بنده های "سل فلی"، "مالچی"
و "اسکان عا سار" محل اقامت کشاورز شهید، کارگر
شهید نادعلی احمدی رفه و با شعاری مرگ -
پاسدار و "موسوی ورموانی" اعدام با ندر کردند
(موسوی رئیس پاسداران) خواهان محازات
مریکس اصلی حنا سب هولناک می‌شود. در محل
اقامت دو شهید کربلای دوری راه، اهالی
منطقه خود را با اسب افساگری می پردازند.
سرخ ارمقامات محلی کوشش میمانند
که خون شهیدان خلی را و بیفته اختلافات درونی
خود بنما سدولی بر خورد آگاهانه مردم جنبین
اجازهای به آنها می‌دهند. ارتجاع یک لیست
۱۲۰ نفره جهت دستگیری تهیه مسود است.

روزنامه "گشاه" (۱۹ - آذر - ۵۹) تحت
عنوان "درگیری موانعان و مخالفان رئیس

جبهه از صفحه ۱۳ گزارش می...

می‌کند، با عا بنادیک وصعت نوس سیاسی در عا بناد،
ار حبیب و میل های امتحادی، و ما هیست
اسکلی کل طیفی حاکم، با عا سار در فتن ثروت -
های سکران در آمد های جدید نفی شد، که کسری
بود چه پرا همبستی را بوجود آورد. بدنبال اسب
وضع اسفناک، رژیم طرح معروف "برنامه انفجاری"
خود را فقط دوسال بعد سوسیه یک بود چه صرته -
جوئی عوض کرد. سمیتگیریهای جدید رژیم بطور
احسان با بدیدر جهت اعزاز بش بیکاری وزیاد
شدن اختلاف طبقاتی، افزایش ناراضگیتی و
کسرتش رفابت در بین حنا چهای هیئت حاکمه
برای چپ اول ثروت های کشور که از قبل آغا زنده
بود، انجام مید. دورانی که سپری شد برای روشن
شدن ما هیبت اجتماعی واقعی واقعیت های جدید
در جا مع عراق کافی بود. اختلافات درونی
طبقه حاکمه بیش از پیش آشکار شد. وضع زندگی

آموزش و پرورش "سدون اشاره به تیراندازی
پاسداران اسب شهید را آورده و اعتراف به
رحمی بدن ۱۱۸ نفر مینما بدولی عمدا "فراموش
می‌کند. علت اسب کشتن رو با نیا ن آسرا معرفی
نما سد و سار حنا ماز دستگیری ۳۲ نفر "ما سار م"
"احلال نظم در آموزش و پرورش" یاد کرده است.
مردم خشمگین ممسی با ادا به مبارزه به ارتجاع
ا خازنه نخوا هندا دکه خون شهیدان شان را لوث
نما سند. دستگیری و سرکوب معلمین و جوانان
انقلابی نورآ سار دنخوا هندا نست جنا بیت عوام
رژیم جمهوری اسلامی را از خا طره ها بزدا بسد.
رهبری مبارزات خونین ممسنی، نیرو هسای
کمونسست و از جمله سا زمان ما بود.

ادامه سیاست سرکوب معلمین آگاه و متعهد
نخوا هندا نست رژیم جمهوری اسلامی را -
رونا ثی و آگاهی بیروز نما بد رژیم ارتجاعی
حاکم در ادا به سرکوب فرهنگیان آگاه و مبارزان
مذبوحانه دست به اخراج ۵۳ نفر در همدان، ۱۳۳
نفر در تبریز، ۱۵۳ نفر در شهرکرد، ۲۱۰ نفر در
کرمانشاه و... نیز زده است. در تهران هم به
اجتماع معلمین یورنی برده و عده ای از آنان را
دستگیر نموده است ولی درخت تنا و آگاه هی
هدخان به رشد خود ادا مه خواهد داد.

خواسته‌های دانش آموزان و معلمین مبارز ممسنی چیست؟

- ۱- اداره سار بنیاد هراتا در منطقه آموزش و سانس صورت گیرد.
- ۲- سمیت ادار آموزش و پرورش هراتا در سانس و با نوزاد اعنا کرد.
- ۳- صحنه های در حال کشتن اسب ادار آموزش و پرورش را عا بناد.
- ۴- صحنه های در حال کشتن و با نوزاد آموزش در نسیم بر عهده اخراج سانس و با نوزاد آموزش را عا بناد.
- ۵- تفهین طرا به سر کلان ادار آموزش و پرورش به عا بناد شود کرد.
- ۶- اسانس سانس در سار بنیاد آزاد کرد.

هواداران استان بیکار در راه آزادی طبقه کارم ممسنی

کارمندان و مستخدمین جز' بدتر شد و کارگران جدید
به وضعیت طبقاتی خود آگاه شدند و در یک کسلا م
خطوط اصلی مبارزات سیاسی آینه بطور روشن
تصور شدند. شرایط رشد با بنده ای را که ما نسیم
کردیم، جزئیات سیاسی میهن سرست خلق عراق
را به ادا تخا ذسی ستهای دمکراتیک انها جمعی
هدایت نمود. این اوضاع همچین با عا شکستن
نوهم عده زیادی از دمکراتها نسبت به ما هیست
اصلی رژیم شده است. نوده های خلقی جهت دفاع
از حقوق شخصی و آزادیهای دمکراتیک و خواسته
- های اقتصادی خود شروع به حرکت نمودند.
بنابراین ما امروز در حالی که رژیم فاشیست
درگیریک دوره مبارزه درونی شدید است، شا همد
کسرتش جنبش مبارزاتی نوده ها هستیم.
کلیه این اوضاع و اطبعات و طایف نوینی را بنده حزب ما و
کلیه میهن پرستان دمکرات گذارده تا موفق به درک
اوضاع نوین کشته و بنوایم رهبری جنبش آینه را بدست گیریم.
ا دمه دارد.

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق



انقلابیون در بند پرچم مبارزه را در زندانهای جمهوری اسلامی برافراشته نگاه داشته اند

در روزهای اوج حساس انقلابی بوده ها و آخرین ماههای حکومت سگس ماه، دره های ساهاج لاهی محمد رما ساهی، سدسان سروا ن شوده های استلائی مین ما کسوده سدومرزدا نم در بندخلی پس اسالیا معا ومت وساداری در براسرکنه گران سگاک ساواک سه صوف نومده انقلاب پیوسند، رژیم و با سبه با مرالسلم سا ه با اسیرکردن کمویست ها و دیگر انقلابیون کمان میگرد که خواهد سوانست ناچ وتحت لرا ن خود را حفظ کند، سه کسا رزمکنشان ونسروه های انقلابی وه برکردن زندانها اربا رزمین فهران هچکدا منواست رزم منصورمحمد رما شاه ظلادرا نجات دهد، فرندان استلائی خلق سکوت زندانها را شکسود و آنجا راه "دانکاه انقلاب" تبدیل کردسد، آزادسدن زنداننیان سیاسی یکی از سدنا وردهای مباررات خروسا ن خلفهای ایران وهما مگوه میند بهمن ما هسود، فرندان انقلابی خلق که با کما مهای استوار سیا هجا لهای نا هرا ترک میگردند، کمان نمی کردسد که درآینده از همان دالانهای وحشت و راهروهای خونین گذرنا بند، ولی سوارشدن بورژوازی متوسط وخرده بورژوازی مرفه سنتی سرگرده مردم زحمتکش وبرقراری رژیم جمهوری اسلامی بسیار زودتر از آنچه که کمان مرفست انقلابیون جان برکف مین را که برخی بهترین سالهای عمرشان را در سلولها گذرانده وهما سه های مقاومت آفریده بودند، دوباره زندانها کسپل داشت، شما زنداننیان سیاسی در مدت کوتاهی از صدها گذشت و به هزاران رسید، مزدوران ساواک ومیره های امیریا لیم و رژیم شاه از زندانها آزادشدن وهای آنها را کمویست ها و انقلابیون دموکرات برکردو "عدل اسلامی" شکنه گران جدیدی راه زندانها سرگردا نسد و شکنجه و آزار زنداننیان سیاسی به شدیدترین وجهی در زندانها رایج شد، "محاکمات" چند ساعته وحشی چند دقیقه ای انقلابیون را بسدون استفاده از حداقل امکانات دفاعی وحشی آنچه که در "قانون اساسی" ارتجاعی خرگان آمده به جوخه های اعدام سپرد .

دستگیری، شکنجه و اعدام انقلابیون نشانه وحشت رژیم از انقلاب است!

رژیم مداخلی جمهوری اسلامی حسی پس ۱۵ تن از هواداران سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر در شیراز را حرم اعدام به تسلط با انقلابی و هواداری از سازمان بیکار دستگیر کرد و خیال خام خود مخواست تا این عمل خود جلوی فعالیت ما را سد کند و مانع از کار آگاه گران ما گردد . . .

دستگیرشدگان سه وحسانه نرسن تحسو رفتار مسود، سش از هر چیز آنها را سشد نرسن شکل مورد ضرب و ستم قرار میدهند، با زحومی ها اغلب همراه با کنگ ورکیکترن جسمهاست، یکی از ناخترن شکنجهها، ترتیب دادن صدهای اعدام تلائی برای زنداننیان است، بدبسیب که چشم رسانی را میند و سه و مگوستد که محکوم به اعدام شده است، او را سه میدان مسرند، کنا ر دیوارها را میدهد و سلیک میکنند، انجام این صدها ساری که سد ترا زهر شکنجه است، برای با ساداران کاری عادی ومعمولی شده است، و این نمونه دیگرست از ما هیت کشف ومداخلی رژیم جمهوری اسلامی .

ما که دستگیرشدگان سبزه هر چیرشسه است جز ما که حاکم شرع نه احتیاج به بهما هدا ر دونه به مدرک ودلیلی، ااروکسل مدافع وشهود نیز خبری نست، حکمک ملا سه دلخواه حاکم شرع است وجهی که بدون هیچ دلیل قانع کننده ای، منهدمرا فقط بخاطر حسارت انقلابی اش به اعدام محکوم میکنند، که آخرس نمونه از این نوع اعدام سه نفر از رفقای ما در آغا جاری و آبا دان است .

با توجه به چنین اوضاعی مادر مورد اسیب جانی رفقای خود که تنها حرمسان ما رزه در راه آگاه کردن توده ها ست به مردم مبارز شیراز همدار میدهم، چنانکه دو هفته پیش یکی از رفقای ما را فقط بجرم برپا کردن یک جا در برای کمک سه جنگزدگان به ۱۵ سال زندان محکوم کردند .

مردم مبارز شیراز!

نگذاریم زندانهای طولانی و اعدام هواداران نیروهای انقلابی به امری عادی و روزمره تبدیل شود، قسمتی از اعلامیه هواداران سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر - شراز ۵۹/۸/۲۸

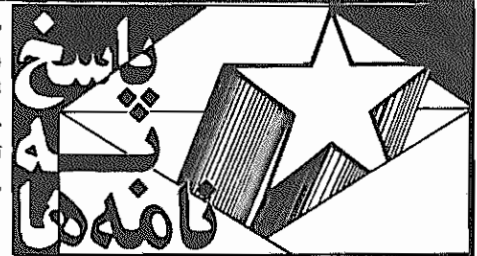
رژیم جمهوری اسلامی اسنادکی مسکند شکنجه آنچنان ابعاد وسیعی سدا کرده که جنسی سردمداران "البرال" رژیم برای دست و پا کردن "وجه" برای خود ونجات رژیم، زبان به سکوه "از آن کشوده آمد .

اعتصاب عدا ی زنداننیان سیاسی زندانها سکر دیگیری از مبارزه است و انقلابیون اسبر در برابر بیعدالتی ها، جنایت ها و . . . رژیم ارتجاعی حاکم فریا د خشم سرداده و مبارزه را با شکل دیگر ادامه میدهند، از جمله، زنداننیان سیاسی زندان اوین برای اعتراف به شرایط طاقت فرسا وغیرا سانی زندان و رفتارهای وحشیانه زنداننیان که جلادان خود به آن معترفند، روز سه شنبه ۵۹/۹/۱۱ دست سه اعتصاب غذا زدند، زنداننیان سیاسی شیراز که برای اعتراف به دستگیری، شکنجه، نعتس عفا بد، اعتراف به محاکمات غیر علنی (وا ز جمله محاکمه سادتی) و . . . اعتصاب غذا کرده بودند، در روز سوم آذرها پس از یازده روز اعتصاب غذا رژیم را مجبور به بذیرفتن برخی از خواستنه ها یمان نظیر رعایت آئین نام زندان و امکان استفاده از اذسوروزنا مه نموده وهی اعتصاب غذای خود یا یان میدهند .

انقلابیون در بند زندان اوین طی بیانیه - ای اوضاع جا معه ونیز زندانها را برای "ملت صهران و مبارز ایران" تشریح کرده و ضمن جلب پشتیبانی توده های زحمتکش و انقلابی خواسته - های اعتصاب غذایی خود را بشرح زیر بیان کرده اند :

- تشکیل بند مستقل زنداننیان سیاسی
- ۱ - ما خواهان حداشدن عوامل ساواک و مزدوران رژیم منغورپهلوی میبائیم، زیرا با یکجا به بند کشیدن زنداننیان سیاسی درکنار آنها میخواهند وجود زندانی سیاسی را انکار کنند و موجب شکنجه روحی زنداننیان سیاسی شوند
 - ۲ - رسیدگی هر چه سریعتر به پرونده های زنداننیان سیاسی و رفع بلاتکلیفی عده کثیری از آنان ونیز تجدید نظر در احکام زنداننیان که بدون حضور در دادگاه به حسی های طویل مدت محکوم شده اند، میان ما کسان هستند که ما هیا درانتظار رسیدگی سه پرونده ها ن همچنان بقیه در صفحه ۱۷

درود بر زنداننیان انقلابی و مبارزی که در شکنجه گاههای رژیم پرچم مقاومت را همچنان برافراشته نگاه داشته اند



رفیق م - کور اغلو از تهران

این رفیق سوالات بسیار متعددی را در رابطه با ساختن جامعه، بورژوازی متوسط غنر و ایستادن مقابل استیصال ایدئولوژیک و نحوه برخورد به گروهها را مطرح کرده است. ما می‌کنیم محوری ترین سوالات مربوطه را پاسخ دهیم.

۱- در مورد مقالات استیصال ایدئولوژیک رفیق ضمن قدردانی از مطالب مندرجه، پرسیده است چرا برخی مواضع مطروحه مانند مرزبندی با بتلیا، بیم و آلتیانی در مورد سوسیال امپریالیسم و مسائل نظیر آن توضیح افنا عی داده نشده و تنها به ذکر مواضع اکتفا شده است؟

۲- چرا به رفقای وحدت انقلابی و سازمان چریکهای فدایی خلق (اقلیت) برخورد نمی‌شود؟

۳- نظریات ما در مورد ساختن جامعه و بورژوازی متوسط غیر و ایستاده... چیست؟

۴- برینا ما برای وحدت چیست؟

رفیق بسیاری از سئوالاتی که مطرح کرده بودی در بیکار رنثوریک و نوشته‌های توضیحی پاسخ آن را خواهی یافت. اینست که از پاسخ گویی به تک تک سوالات تو خودداری می‌کنیم. و اما در مورد مقاله استیصال ایدئولوژیک:

باید گوشه‌ای از برخورد ما نسبت به این مسئله در رابطه با رزمندگان از ضروریتهای مبارزه طبقاتی شتاب بگیریم. رفقای رزمندگان بسی آنکه درهای تحلیل از مسئله سوسیال امپریالیسم را نهاده‌اند به شند بصورت "آرام" و "تدریجی" انحرافات رویزیونیستی خویش را در برابر این مسئله تعمیق نمودند. سازمان ما و سایر نیروها - های جنس کمونیستی فعل از آنکه به ارائه تحلیل جامع از واقعیت سوسیال امپریالیسم شوروی در سطح جنبش مبارز و رز د پیدرستی درک نمودند که اشکال اصلی رفقای رزمندگان ضعف معرفتی نیست که انشنا مقالاتی در مورد سوسیال امپریالیسم نتوانند اشکال آنها را حل نماید، بلکه اشکال رفقا، انحرافی ایدئولوژیک است. بهمین دلیل سازمان انگشت بر روی آن انحرافات گذاشته، آنها را افشا نمود. رفقای رزمندگان نیز بجای برخورد ایدئولوژیک کوشیدند تا یک فذحمله موهوم، انحراف خویش را لایوشانی کنند. در این شرایط سازمان چه میبایست بکند، آیا با یستی ابتدا انتظار می - کشید تا نوشتجات مربوط به سوسیال امپریالیسم ستردیچ منتشر می‌شود سپس به برخورد با رزمندگان میپرداخت؟ یا آنکه میبایست با زبانتا کبسد

بر انحراف رزمندگان، برخی ابهامات را زوده و سرنوشت راهی را که رزمندگان در پیش گرفته است، بومسج ممداد؟ بنظر ما، اگر ما میخواستیم شوه اول را در پیش بگیریم، به انحرافی آکا دمستی در می‌غلطیدیم و نمی توانستیم - برنگاه مع انحرافات ایدئونیستی را گرفته و ناشرلازمه را در دفع هجوم رویزیونیستی رزمندگان و نشدیده حمله ما رگسیم بر علیه رویزیونیسم در دفاع زدستا و ردهایش را بکار بسته باشیم.

از این رودر سمت طرح نظرات اثباتی آنچه را که لازم بود تا جنبش کمونیستی از مواضع سازمان مطلع شود، بصورت مختصر توضیح دادیم و عمدتا با زبانتا انحرافات رزمندگان و پاسخ به سوالات آن پرداختیم.

ناشیراتی که انشنا را سن مقاله در جنبش کمونیستی بحای گذارد، خودگواهی بر صحت شوه برخورد اصولی با انحرافات رزمندگان بود. اما اشتباه هوا هدسودا گرومن مرزبندی با برخورد آکا دمستی به برخورد محدود و اعلام موضع دل خوش نماندیم. از اینرو ما ضمن آنکه توضیح و تشریح مواضع مندرج در آن نوشته را اصولی نمیدانستیم، اما قصد نداریم که برخورد ما را به این مسئله محدود نگه داریم، بنظر ما اکنون سرتاغ زور و انزای از مبارزه بر سر سوسیال امپریالیسم و مرزبندی با درکهای انحرافی نسبت به آن است. ما نیز به سهم خویش کوشیده ایم تا در غنا بخشیدن به این مبارزه سهم باشیم. از اینرو تشریح کلیه مواضعمان را نسبت به سوسیال امپریالیسم در بیکار رنثوریک بصورت مندا و منتشر می‌کنیم و کلیه رفقا را برای رفع ابهامات و سئوالشان به بیکار رنثوریک ارجاع میدهیم.

۲- در مورد اینکه چرا به "وحدت انقلابی" و رفقای فدائی (اقلیت) برخورد نکرده ایم، ذکر چند نکته را لازم میدانیم:

اولا قسمت عمده اشتقاق و رداست و سازمان ضمن برخورد با این کمکاری در صدد گسترش مبارزه ایدئولوژیک با رفقای "وحدت" و "اقلیت" است. چه در این شرایط هر نوع کم نهای به امر مبارزه ایدئولوژیک بویژه با کمونیستهای انقلابی می تواند خطرات زیان - باری را ببار آورد و دستکما مروحدت جنبش کمونیستی را به تاخیر اندازد.

ثانیا، ما مبارزه ایدئولوژیک با نیروها، لاجرم نمی باستی در هر موردی نیروی مشخصی را خطاب قرار دهیم. زمانیکه ما فی المثال بر سر مسئله سوسیال امپریالیسم به مبارزه ایدئولوژیک با رزمندگان میپردازیم و یا در مورد جنگ به مبارزه ایدئولوژیک دست میزنیم، بی شک این مبارزه محدودید این یا آن نیرو نبوده و در حقیقت کلیه انحرافات به مثابه آنرا نیز مورد نقد قرار میدهد.

ثالثا، ما در مورد مسئله جنگ به رفقای وحدت انقلابی و "اقلیت" تنزد در بیکار رنثوریک برخورد کرده ایم، اگر چه معتقدیم آن برخورد نا کافی

است و باید مبارزه ایدئولوژیک با این رفقا را چه در این زمینه وجه در برابر عرصه‌ها تعیین بخشد

۳- در مورد ساختن جامعه و مقوله بورژوازی متوسط غیر و ایستاده، سازمان معتقد است که ساختن جامعه ایران سرمایه داری بوده و تنها با ساختن آنرا که روستا به تشکیل مبدهد و در مورد مقوله بورژوازی متوسط غیر و ایستاده، معتقد است که طرح چنین مقوله‌ای انحرافی بوده و ناشی از شواش فکری شوروی رویزیونیستی "نظام و ایستاده" است. سازمان بزودی نقدی برای این مقولات منتشر خواهد کرد و دیدگاههاایش را در مورد ساختن جامعه و آرایش طبقات توضیح میدهد.

۴- در مورد برینا ما برای وحدت، ما بطور خلاصه در مقدمه اطلاعیه وحدت در بیکار ۷۳ توضیح داده ایم که ما محورهای اساسی مبارزه ایدئولوژیک را تعیین نموده و برای تامین وحدت حول اصول ایدئولوژیک، منی و برینا ما میکوشیم در قطعنامه کنگره مربوط به جنبش کمونیستی و وحدت در کمان را از صف نیروهای جنبش کمونیستی و راه حل تامین وحدت توضیح داده ایم که بزودی در اختیار رفقا قرار خواهد گرفت.

● نوشته‌ای را که در زیر میخوانید، رفقای سازمان دانشجویان و دانش آموزان بیکار برای ما فرستاده اند، ما ضمن درج آن سعی می‌کنیم پاسخی مختصر به آن بدهیم.

عمده‌ای از رفقای دانش آموز، کتابها و نشریات را به خانه یکی دیگر از دانش آموزان میبرند که بدلیل زیاد بودن آنها و کمبود رفیق مذکور مجبور میشوند آنها را به زیر فرش اتاق خود بچینند. روز جمعه پدرش بدنبال مارمولک به اتاق میاید و فرش را بالا میزند و تمام نشریات و کتب را میبیند و منتظر میشود تا دخترش از کوه برگردد. در این فاصله تمام افراد را جمع کرده و این موضوع را فاش میکند، رفیق ساعت ۹ به خانه میرسد که با آن منظره روبرو میشود. با خونسردی و گویی که اتفاقا نیافتاده است به اتاق خود میروند پدرش نیز بدنبال آورفته با کتک او را از اتاق بیرون میکشود شروع به فحاشی به دختر و سازمان مینماید. البته این مسئله زمینه قبلی هم داشته و چندتا رنگار شده بود، رفیق شروع به فریاد کشیدن میکند و میگوید که شما زندانیا نمان من هستم من افتخار میکنم که کمونیست هستم شما تمامتان خائس هستید و غیره که پدرش در مقابل این حرکت او در کودالی ریخته و آتش میزند دخترش را هم در حما زندانی کرده منبع آب را هم قطع میکند این رفیق دوروز در حما سرود میخواند و هر چه سخن از بزرگان میداند شاعرها را با صدای بلند بر زبان می رانده، با لاف پدرش مجبور میشود و را از حما خارج کند، البته پدر نیز عقب می شیند او را به روستایی که در آنجا گویا

پیکار

وضع زحمتکشان در جنگهای انقلابی و عادلانه

حربان موقعیت جنگ و وضعیت نیروها قرار
گیرند. در این جنگها، خدمات عمومی ورفاهی
تا حد امکان، کمترین آدا مه را در مراکز درمانی
و بهداشتی به بیماران رسیدگی میکنند. واحد
های تولیدی برای جلوگیری از نابودی اقتصاد
و در جهت تامین نیازهای عمومی کارگران
وزحمتکشان بکار خود ادامه میدهند. در این
جنگها یک دولت انقلابی نوده های زحمتکش را
مسلح میکند و کارگران وزحمتکشان با تمام
وجود در چنین جنگهای شرکت میکنند. تا میهن
خود را از چنگال سرمایه داران و امپریالیستها
نجات بخشند.

در جنگهای انقلابی داخلی، کارگران و
زحمتکشان در شورا های مسلح، متشکل شده و کلیه
امور مربوط به جنگ و جلوگیری از خطر قحطی و
گرسنگی و فلاکت ناشی از جنگ را کنترل و حل و
عمل می نمایند. آرزای عمومی از طریق مصادره
انبارهای محتکران، تاجران و کارخانه داران و
مصادره انحصاری شروه های سرمایه داران خون -
آنام، توسط شورا های مسلح کارگران وزحمتکشان
نهیسه میشود. مواد غذایی و مایحتاج عمومی زیر
نظر شوراها و کارگران عادلانه بین مردم تقسیم می -
گردند. در این جنگها کارگران و دیگر مواد مورد
نیاز زهست برای همه بوده و گرنه، تمامی مردم
با بیدر تحمل سختی ها و مشقات سهیم باشند.

در جنگهای عادلانه و انقلابی زحمتکشان
فلاکت و گرسنگی را تحمل میکنند زیرا این جنگها
آزادی و آزادی طبقات ستم دیده را بقید ستم ملی
- طبقاتی را دنبال دارند. کارگران وزحمتکشان
در این جنگها قهرمانان شهید میشوند تا فرزندان
آنها برای همیشه از ستم و ستمخواهانه طبقاتی
آزاد گردند. راه های آزادی و ستمساز،
گرانها ترین ارمان جنگهای عادلانه و
انقلابی است. ارمانی که به تمام مصائب ناشی
از جنگ از قبیل مرگ و میر، قحطی و گرسنگی و
گرانی، بیماری و ویرانی و... پایان می بخشد.



چیز دیگر لازم نیست. چنین دولتی حتی یک
لحظه و در یک قدم هم از تعقیب هدف ارتجاعی
خود دست بردار نیست. بدین معنی که می -
کوشد سرمایه داری را تحکیم نماید از دست
بنیان ساختنش جلوگیری کند و در امر
"تنظیم امور اقتصاد" بطور عموم تنظیم
مصرف بطور خاص فقط به اقداماتی اکتفا
ورزد که برای تغذیه مردم ضرورت مطلق
دارد. بدون اینکه به وجود رفکر تنظیم
واقعی مصرف باشد یعنی توانگران را تحت
کنترل قرار دهد. و بدوش آنها که در زمان
صلح دارای موقعیت بهتر و امنی است
گوناگون و شکم سیر و مراء سربودند در
زمان جنگ با رستگین تری را تحمیل نمایند.
(خطر فلاکت و راه مبارزه با آن)

ببینید این سخنان گرانمایه لنین چگونه
در مورد سیاست دولت مرتجعی مثل جمهوری
اسلامی ایران در قبال عوارض جنگ صدق میکند:
رژیم جمهوری اسلامی مصرف مواد غذایی و آرزای
عمومی را جیره بندی کرده است، اما مصرف
توانگران و احتکار مواد غذایی توسط آنها را نه تنها
کنترل نمیکند، بلکه دست آنها را در احتکار هر
چه بیشتر بازمیگذازد و تا زکا رگران وزحمتکشان
را به "تولید بیشتر" و "مصرف کمتر" تیزد عسوت
میکند!

در جنگهای عادلانه رهبران انقلابی جنگ،
اخبار دروغ پخش نمیکند و اوضاع خودی و دشمن
را به اطلاع زحمتکشان میرسانند تا آنها در

اگر ما درخیا با آنها و کوچکها با اطراف خود
نگاه کنیم، صفهای طولی نان، بنزین، سیگار،
برنج، روغن و دهها نوع دیگر از مواد مصرفی را
خواهم دید. این صفها را کارگران وزحمتکشان
تشکیل میدهند، نه سرمایه داران. سرمایه داران
همانند کارگران، برای یافتن قوت لایموت یک
روزه، آنهم به قیمتی "سرم آور" و "ساعتها درمنازهها
و بازارها سرگردان نمیشوند. آنها بیوزنه بعد از
جنگ مواد غذایی را در خانه های خود احتکار
کرده اند. شبها گرسنه نمی خوابند، از کمبود
مواد غذایی و بیماریهای مختلف رنج نمیبرند
سرمایه داران در جیبها ها کشته نمیشوند، آنها
همانند زحمتکشان به آوارگی توان با فشار و
گرسنگی و بیماری و صدها مصیبت دیگر محکوم
نیستند. این مشکلات کشنده ناشی از جنگ ارتجاعی
ایران و عراق بوده و ما مانند هر جنگ ارتجاعی
دیگر تنها زحمتکشان و فرزندان آنها را به فلاکت
نشانده و بیشتر هم خود نشانند.

اما ببینیم در جنگهای انقلابی و عادلانه
وضع کارگران وزحمتکشان چگونه است؟

در جنگهای عادلانه و انقلابی - که مسا در
شماره ۸۱ پیکار انواع آن را بر شمرده ایم -
کارگران وزحمتکشان، با اطلاع از مسیر پسرگلاخ
و سخت این جنگها، با جان و دل در آنها شرکت
میکند. در این جنگها طبقه کارگران و نیروهای
انقلابی، با بکار گرفتن ابتکار و قدرتهای
خلاقه زحمتکشان، با هرگونه عارضه فلاکت با ر جنگ
مقابله میکنند.

در این جنگها آرزای عمومی و مایحتاج
زندگی، به تساوی و زیر کنترل زحمتکشان از طریق
شوراها بدست مردم میرسد. مصرف توانگران توسط
تهیدستان کنترل میشود و مانند جنگهای
ارتجاعی، گرسنگی برای کارگران وزحمتکشان
ونان ورفا به برای سرمایه داران نیست. جیره -
بندی که در زمان جنگ معمولاً دولتهای سرمایه
- داری از جمله دولت جمهوری اسلامی، برای
جبران کمبود افزایش هزینه های مصرف جنگ
بر زحمتکشان تحمیل میکنند، در جنگهای انقلابی
مفهوم دیگری داشته و برای تقسیم عادلانه آرزای
بین زحمتکشان و جلوگیری از اسراف تنظیم
میشود. انشین آموزگار رقبیر زحمتکشان در مورد
سیاستهای دولتهای سرمایه داران، در جنگهای
ارتجاعی در مقابل فلاکت ناشی از جنگ و تنظیم
مصرف عمومی میگوید:

"برای دولت مرتجع سرمایه داری که میترسد
ارکان سرمایه داری، ارکان بردگی
مزدوری، ارکان سیادت اقتصادی توانگران
را متزلزل سازد، میترسد سطح ابتکار
کارگران و بطور کلی زحمتکشان را ارتقاء
دهد، میترسد آتش توقعات آنها را "برافروزد"
برای چنین دولتی بجیره بندی نسان
(سخنان جیره بندی مواد غذایی - پیکار)

بقیه از صفحه ۱۵ انقلابیون ...

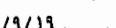
بلا تکلیف در زندان بسر میبرند و این در حالی است
که بخاطر عوارض سرسریده رژیم سابق در مسدود
کوتاهی به کارشان رسیدگی شده و آزاد میشوند.

۳ - رعایت حقوق زندانیان سیاسی زن
تضییقاتی که در مورد زندانیان سیاسی زن
اعمال میشود برابر شدت ترازا عمل فشارهایی
است که به زندانیان سیاسی مرد روا داشته اند
اخیرا تعدادی از آنان را به علت اعتراض بوضع
موجود، بعد از عر ب و شتم و آوارش به زندان قصر
تعبید کرده اند. ما خواهان بازگشت فوری آنان
و رفع هرگونه رفتار غیرانسانی از آنان زندانی میباشیم.

۴ - آزادی ورود کتاب و رادیو به رزون زندان
واسترداد کلیه کتابها و رادیوهای که توسط
مسئولین زندان توقیف شده است.

نه تنها کتابهایی که خانواده هایمان میفرستد بدست
مانمیرسد بلکه اخبار اتحادیه آزادی از کتابهای ماطی بورشی
که به بندها آورده اند توقیف گردیده است"

سا زمان ما با اعلام پشتیبانی از خواسته های
زندانیان سیاسی شکنجه گاه "اوین"، وظیفه
خود و کلیه نیروهای کمونیست و دموکراتهای
انقلابی میدانند که با پیرواک فریاد در ستم
زندانیان سیاسی در بین توده های زحمتکش،
آنها را به جانیات رژیم جمهوری اسلامی در زندان
- ها و اوقاف سازند و با افشای سیاستهای
ارتجاعی رژیم در مورد نیروهای انقلابی و
سازماندهی مبارزات توده ها در پشتیبانی از انقلابیون
زندانی، توطئه های رژیم را شکست موحه سازند.



جنبان اعتراضی بر علیه گرانی، کمیابی و فلاکت زحمتکشان را سازمان دهیم

دیگر کمترش پیدا نمود و با لایحه تنگ بعنوان
بزرگترین راهروا سرمایه‌داری افشا شده و
توسط کمیته مرکزی حزب در آوریل ۱۹۷۶ از تمامی
مقامات خود معزول گردید :

**"قطعنامه کمیته مرکزی حزب کمونیست چین
درباره عزل تنگ سیا ثوپینگ از تمامی مقامات
در درون و بیرون حزب"**

دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست
چین بعد از بحث دربارها دسه فدا انقلابی میدان
"ملح آسمانی" و رفتار اخیر تنگ سیا ثوپینگ
بر آنست که مورد او ما هیتی دیگر با فته و بسسه
تفادی آنتا گونیستی تبدیل شده است. برپایه
بیشنها در هبر بزرگ ما مدرما ثووبا تا شید همگانی
دفتر سیاسی تنگ سیا ثوپینگ از تمامی مقامات
در داخل و خارج حزب معزول گشته، ولی عضویت
او در حزب جهت نظارت حفظ میگردد.

کمیته مرکزی حزب کمونیست چین ۷ آوریل ۱۹۷۶ "
(مدرجه ده هفته نامه پکن ۱۲ آوریل ۱۹۷۶)

بدین ترتیب می بینیم که اگر چه کمیته
مرکزی بدرستی مورد تنگ را تفادی آشتی -
نا پذیر تلقی میکند، اما در عمل با او مصالحه
کرده و عضویت او را در حزب ایفا مینماید. انحراف
راستروا نه حزب کمونیست چین و رفیق ما شو
ما نغ از آن میگردد تا رویزونیستها و از جمله
تنگ مرتدا ز صفوف حزبی بطور قاطع تصفیه و
اخراج گردند. رفیق ما شو بدرستی در مورد تنگ
میگفت :

"او هیچ اهمیتی به مبارزه طبقاتی نمیدهد
و هرگز آنرا بمشابه محور مطرح نکرده است.
"گر به سفید، گر به سیاه" فرمول همیشگی
اوست. او بین امپریالیسم و مارکسیسم
تفاوتی نمی گذارد."
(هفته نامه پکن ۶ ژوئن ۷۶)

لیکن علیرغم این تحلیل صحیح، حزب
کمونیست در عمل به سازش طبقاتی در غلظیده و
وجود نامیندگان بورژوازی را در صفوف خود بسسه
رسمیت می شناسد و نتیجتا راه بقدرت رسیدن
بورژوا - رویزونیستها را هموار میسازد. مرک
رفیق ما شو برای رویزونیستها موقعیت مناسب
پا فراهم می آورد. آنان همه جا نهبه تعرض دست
زده و با قدرت تمام میکوشند تا هر چه سریعتر
دستا وردهای سوسیالیسم را نابود ساختن.
مارکسیسم لنینیسم را در چین دفن کرده و حاکم
خط مشی انقلابی را از میان بردارند.

رویزونیستها طی سالیان طولانی در چین
مورد ضربت قرار گرفتند انقلاب فرهنگی چهره -
زشت آنان را عریان کرد و آنان با رها از مراکز
قدرت به زیر کشیده شدند. چه کسانی علیه
رویزونیستها مبارزه کردند؟ چه کسانی نقاب
مارکسیستی آنان را دیدند و ما هیت فدا انقلابی -
شان را برملا کردند؟ چه کسانی آنان را بمشابه
رهروان راه سرمایه‌داری در پیش پرولتاریا و
سایر توده‌ها رسوا نمودند؟ آری واقعا چه کسانی
جز حاکمین مشی انقلابی و از جمله "چیانگ چینگ"
بقیه در صفحه ۲۰

محاكمه مارکسیسم در چین

رفیق ما شو در ارزیابی از اوضاع چین -
میگفت :

"تنامندگان بورژوازی که در درون حزب،
دولت، ارتش و بخشهای مختلف عرصه فرهنگی
نفوذ کرده‌اند، بکدهسته رویزونیست فسد
انقلابی میباشند. اگر موقعیتی پیش بیاید آنان
قدرت را به جنگ گرفته و دیکتاتوری پرولتاریا
را به دیکتاتوری سوزووازی تبدیل -
مینمایند." (هفته نامه پکن ۷ ژوئن ۷۶)

آنچه در چین گذشت، حکم فوق را اثبات کرد
رویزونیستها مرتد که راه سرمایه‌داری را
تعقیب می نمودند، قدرت را به دست گرفتند،
دیکتاتوری پرولتاریا را به دیکتاتوری -
بورژوازی تبدیل ساختند و در کشور چین سرمایه -
داری را احیا نمودند و رویزونیستها علیه چه
کسانی دیکتاتوری اعمال مینمایند؟ امروز در
چین، طبقه کارگر و سائیر توده‌های زحمتکش و
کمونیستها مورد شدیدترین سرکوبی قرار دارند.
به محاکمه کشیده شدن رفقا "چیانگ چینگ" و آن
- هون وان، "باو یان"، "جان جونگ -
چیا شو" ... نمونه‌های رزی از سرکوب کمونیستها
توسط رویزونیستها میباشد. در واقع ای -
محاكمه، محاکمه پرولتاریا توسط بورژوازی حاکم
بر چین میباشد. اما برآستی چرا کمونیستها در
چین به محاکمه کشیده شده‌اند؟

لیوشا ثوچی خاشن که میکوشید سرمایه‌داری
را به چین بازگرداند، طی انقلاب فرهنگی و بر
پایه مبارزات کمونیستها بطریزی عریان افشا
شده و پس از کنگره هشتم، در اکتبر سال ۱۹۶۸ به
عنوان "مرتد، عامل دشمن و خاشن به طبقه کارگر
افشا شد و از تمامی مقامات حزبی و غیر حزبی
معزول گشته و بطور قطعی از حزب کمونیست
اخراج میگردد. اما اگر چه انقلاب فرهنگی
ضربات مهلکی برپایه لیوشا ثوچی وارد ساخت،
لیکن هرگز نمیتوانست بطور قطعی رویزونیسم
را در خاک کند، چرا که جامعه سوسیالیستی یک
جامعه طبقاتی است. لیوشا ثوچی از صحنه بدرشد.
اما رویزونیستها نابود شدند و کسان دیگری
بودند که خط مشی بورژوا - رویزونیستی او را
دنبال کنند. دارودسته فدا انقلابی تنگ سیا شو -
پینگ ادا مدهنده راه لیوشا ثوچی بودند در زمان
انقلاب فرهنگی، تنگ توسط کمونیستها بمشابه
یک رویزونیست افشا گردید، اما او به انکساره
پایه نیرومندی که در حزب داشت دوباره مدارج
را طی نمود، لیکن مبارزه جناح انقلابی حزب
از جمله مبارزه رفیق ما شو و چا رفیق مذکور و
را بعنوان عنصری رویزونیست که در پی احیای
سرمایه‌داری میباشد، در سال ۱۹۷۴ به پایتین
کشید. تنگ پس از این ضربه مبارزه برای کسب
قدرت را رها ننمود و در جول و حوش سال ۱۹۷۶ به
مقامات مهمی در حزب و دولت دست یافت. مبارزه
جناح انقلابی و از جمله رفیق ما شو و چا رفیق



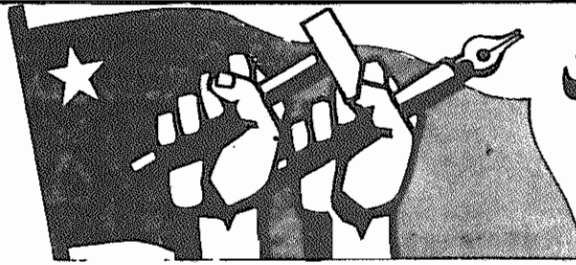
امپریالیسم امریکابه حمایت خود از اسرائیل، مصر و اردن ادامه میدهد

اخیرا سنای امریکا مبلغ ۴ میلیارد و ۹۸۰
میلیون دلار جهت حمایت از رژیمهای مرتجع و
وابسته به امپریالیسم امریکایی به تصویب رساند.
از این مبلغ ۲ میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار به
اسرائیل و ۱ میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار به مصر
اختصاصی دارد. کمک به اسرائیل جنايتكار در
تداوم سیاستی است که میکوشد همچنان اسرائیل
را بعنوان حمايت سرکوب امریکا در منطقه نگاه
دارد. آنچه مربوط به رژیم مزدور سادات میباشد
با بدگفت که امپریالیسم امریکا در ۱۹۸۰ - ۱۹۷۹
بمیزان ۳/۵ میلیارد دلار به مصر کمک کرده و
وام خیر قسمتی از کمک ۵ میلیارد دلار می -
باشد که رژیم سادات از امریکا تقاضا نموده است.
بعد از سرنگونی رژیم مزدور شاه امپریالیسم
امریکا بیش از پیش کوشید تا مصر را به پایگاه
بزرگی جهت بسط تجار و خود در منطقه قرار دهد.
در واقع این کمک هیچ هدف دیگری جز تحکیم
موقعیت امپریالیسم امریکا در منطقه و تقویت
رژیمهای ارتجاعی در خلیج جنیش توده‌ها و
بویژه جنیش مقاومت فلسطین ندارد.

امپریالیسم امریکا رژیم مزدور ملک حسین
را نیز از یاد ندیده است. اخیرا نخستین محموله
از پنج محموله بزرگ تجهیزات نظامی حساوی
لوازم دیدکی و مهمات توسط چهار هواپیمای حست
"سی ۱۴۱" از پایگاه هواشی "ویتمن" میسوری
امریکا به اردن رسید. درگیری احتمالی اخیر
بین سوریه و اردن بهانه‌ای شد تا جنايتكاران
واشنگتن، رژیم ملک حسین را ملحق تر نموده و
در مقابل انقلاب فلسطین امکانات سرکوبگرانه
بیشتری فراهم سازد. لازم به یاد آوری است که
چندی پیش امریکا و امی بمبلغ ۵۵ میلیون
دلار نیز به رژیم اردن پرداخت نمود.

این اقدامات در کنارسایر حرکات امپریالیسم
آمریکا اگر از یک سو بیانگر رقابت با شوروی
است از سوی دیگر ناشی از وحشت امپریالیسم
یا تنگی از فردای جنیش خلقهای منطقه است.

هنرمقاومت هنرپرولتری



سلسلی و سرکت فعالانه و در مبارزات سیاسی
محرربه این شده چندین بار دیگر به بند کشیده
شود. از جمله این از کودتای ۱۳۹۹ او هم همسراه
دسکرا شملانیون به ساهجای رضا خانی
گرمبارسد.

فرخی بعطت محبوبیت فراوان در میان
بوده ها، در دوره هفتم مجلس شورای ملی (۹ -
۱۳۰۷ شمسی) از یزیدیه سمت نما بندگی انتخاب
گردید و تنها کسی بود که بلندگوی پارلمان را
بدون تنزل به محل افشاکری های انقلابی و
جسورانه اش تبدیل کرد و با ره بعطت مغالفت -
های پی در پی با رژیم رضا شاه، در همان مجلس
کتک خورد و با لافخه محبور گشت مخفیانه به میهن
کارگران، شوروی سوسیالیستی بنا نهاده شود.

فرخی پس از مدتی برای ادامه مبارزه
ایران با زکشت (سال ۱۳۱۲) و با آنکه شاه،
فریبکارانه قول داده بود که او را دستگیر
نخواهد کرد، طی توطئه ای، به زندان افکنده شد
فرخی در زندان بسختی مورد شکنجه و آزار قرار
گرفت، تا آنجا که برای حفظ وفاداری اش به
انقلاب اقدام به خودکشی نمود، لیکن از مری
نجات یافت (نجات یافت؟) و با لافخه بنام
"اساعاد" به مقام سلطنت محکوم گشت، او مدت
در سلولهای تاریک و نامروا افرادی در زندانهای
"ثبت"، "شهربانی"، "قصر گذراند، لیکن ذراهی
از شور انقلابی اش کاسته نشد و با لافخه در خیما
رضا خان که خود را در برابر این قامت شعله ور
انقلاب زبون یافته بودند و او را بوسیله آمبول
هوا و بدست پزشک مجاز زندان قصر به قتل رساندند.
فرخی جز سرودن اشعار انقلابی به انتشار
چندین روزنامه جهت تبلیغ انقلابی دست زد که
از جمله طوفان و پیکار رو قیام و... را میتوان نام
برد.

مضامین شعر فرخی

هما نگونه که گفتیم اشعار فرخی در چهار -
چوب جریان انقلابی شعر مشروطه قرار دارد، شعر
او مشحون از دمکراتیسم طبقات تحت ستم و
استثمار شده و دوران انقلاب مشروطیت است، او
هما نگونه که در زندگی، جانبا زانه رژیمید، در
عرشه شعر هم مدافع پیگیر و سرسخت انقلاب باقی
ماند و برخلاف شاه ایران لیبرالی چون "ملک -
الشعرا" بهار، از موضع زحمتکشان و نه از
با یکا هیورژوازی بسوی انقلاب شتافت!



فرخی یزیدی نماینده جریان انقلابی در هنر

گیری اس سوسی زحمتکشان و طبعه کارگرهای
گذاشت، تا آنجا که معا هیمی چون اسنما ر، سم
طبقاتی، در دورنچ کارگران و دهقانان، حکم
طبقاتی، کینه و نفرت از سرما به داری و... مضمون
بسیاری از اشعارش را در سراسر عمر سراسر از
مبارزه اش تشکیل میداد.

فرخی در جریان شرکت فعالانه در انقلاب، به
عضویت حزب دمکرات شاخه یزید در آمد و ۳ سال
پس از برقراری رژیم مشروطه بدلیل سرودن
شعری افشاگرانه بدستور حاکم یزید، وحشیا نه
دهان او با نخ و سوزن دوخته شد و او را به زندان
افکندند، و بدینگونه سندی بر اسناد ما هیبت
مرتجعانه و ضد انقلابی میوه چینان انقلاب
مشروطیت افزوده شد.

فرخی در زندان آرام نیست و با سرودن
اشعاری انقلابی کوشید همچنان احساسات
آتشین و انقلابی زحمتکشان را بیدار نگاه دارد
بیش از آن به آگاه کرد نشان بپردازد.



فرخی برای ادامه مبارزه، پس از چندی از
زندان گریخت و بویژه با سرودن اشعار آگاهگرانه
در جبهه انقلاب به پیکارش ادامه داد، او چند
بار به شوروی سوسیالیستی مسافرت کرد و در
دوران جنگ جهانی اول به جهت آنکه مزدوران
انگلیس در پی دستگیری اش برآمدند از ایران
گریخت و سپس از بیره هیه ایران با زکشت و به
مبارزه اش پیگیرانه ادامه داد، مخالفتهای
انقلابی او با و شوق الدوله و سردار سپه و دیگر
مزدوران امپریالیسم، انتشار اشعار آگاهگرانه

طبقه کارگر و دیگر طبقات انقلابی، برای
دستیابی به آرمانهای والای خود نیازمند آنند
که مبارزات خویش را در همه عرصه ها، آگاهانه
به پیش برند، آنان نیازمند آنند که برای پیش
برد آگاهانه مبارزه خویش، با تجارب گذشته در
همه اشکال مبارزه آشنائی پیدا کنند، و سنتهای
انقلابی دوران پیش را با برخوردی نقادانه
و نوین، در جهت مقتضیات نبرد کنونی شان
زنده نماید و بکار گیرند.

هنر، بدون تردید همشا به حزبی از ایدئولوژی
طبقات، عرصه ای از مبارزه طبقاتی است. از
اینرو پیشا هنگام آگاه طبقه کارگر موظفند به
سنت سنگین طبقات مرتجع و ضد انقلابی، به سنتی
که در همه جوانم کهن کم و بیش رواج داشته است
یعنی به جدائی طبقات زحمتکش از فرهنگ
انقلابی، پسایان دهند و با تمام نیرو، با کار
وسیع، بر تامل مریزی شده و آگاهانه، برای بیدار
نگه داشتن روحیات انقلابی در توده ها و بزرگ
انگیزش احساسات پر شور و آشتی نا پذیرشان
از مبارزه هنر سود جویند.

تاریخ خلق ماسرا را از مبارزه درخشان و
سرا را ز دستاوردهای عظیم هنر انقلابی است.
امروز طبقه کارگر و سراسر زحمتکشان ما با بدبسا
این تاریخ آشنائی یافتند، آشکارا است که
دورانهای انقلابی، گنجینه ای از این دستاوردها
را در خود نهفته دارد. و فرخی یزیدی
انقلابی، شا عر روزنامه نویسن انقلاب مشروطیت
یکی از نمایندگان جریان انقلابی در تاریخ
هنر خلق ماست که زنده نگه داشتن فعالیت
خلاقانه او و بهره گیری از آموزش انقلابی او، درس
های فراوانی برای همه فعالین هنری و
زحمتکشان در برخواهد داشت.

زندگی شاعر انقلاب

فرخی یزیدی، تحصیلات مقدماتی
خود را در مدرسه "مرسلین" (۲) یزید
که بوسیله استعمارگران انگلیسی تاسیس شده
بود گذراند، لیکن پیش از پایان تحصیلات به
علت داشتن روحیه ای مبارزه جویانه و آزادی -
خواه که در اشعار او و لیه اش منعکس میشد از خراج
گشت، او پس از خراج مجبور شد که بعنوان کارگر
نساج، کارگرنانوا و... به مرا رماش بپردازد.
این دوره از زندگی شاعر، تا شیر عمیقی در سمت

(۱) - این مقاله بمناسبت سالگرد شتافت فرخی
- یزیدی تهیه شد، اما با توجه به مسائل حادثه
و محدودیت نشریه، امکان چاپ بموقع آن فراهم
نیامد.
(۲) - هیاتهای تبشیری مسیحی در کشورهای
تحت سلطه منجمله ایران به تاسیس موسسات
خیریه، مدارس و بیمارستانها (البته برای
منظورهای استعماری خودشان) می پرداختند.
اینگونه موسسات بنام "مرسلین" معروف بود.

ما را از انقلاب سرانگیزد
چون انتخاب ما جزا از انقلاب نیست
(شعری که در رابطه با انتخابات مجلس سروده شد)
اوبای کینه و نفرت به میوه جبران انقلاب
مشروطه می نگریست و رهبران انقلاب تا زنده بود...
در کهن ایران و ایران انقلابی تا زنده بود...
و یا: از انقلابی سخت جاری سبیل خون بایدنمود،
و سن بنای ستی را سرنگون ناسند نمود.
مسائل گوناگون انقلاب، همواره با صراحت
و روشنی در شعر فرخی اسکا س یافته و از موضعی
انقلابی نقطه نظرات خود را از آن ها بیان داشته
است. فی المثل فرخی برخلاف هنرمندان
لیبرال مشروطه همچا ستایشگر مجلس بطور
کلی نبوده و همواره با رهبران بورژوازی را مورد
سخت ترین حملات قرار داده است:
با بودن مجلس بود آزادی ما محو
چون مرع که با سنده ولی در قفسی نیست
یا: بس که از سرما به دایران مجلس ما گشته بر
اعتبارش هیچ کم از ده که صرف نیست
یا: میکند تهدید ما را این بنای ارتجاعی
منهدم این کاخ را از صدر تا دروازه باند

سمت گیری بسوی طبقه کارگر و زحمتکشان

پیوندنا گسستگی فرخی با زحمتکشان و سمت
گیری اوسوی طبقه کارگر در شعر، آنچنان

آشکارا انعکاس یافته است که هر جواننده شعر او
میتواند احساسات انقلابی اش را در بر خورنده
توده ها سبازما بد:
انتقام کارگری کا ش آتش بر فرزند
تا بسوزد سر بر این توده تن پروران را...
یا: زحور کار فرما کارگر آسان بخود لرزد
که گردد در سوز و کوب دری بازنگاری را...
یا: بهر مثنی سیر تا کی یک چنانی گرسنه
استقام گرسنه از سیر میباید گرفت
یا: مسکنت را زدم داس درو بیا بد کرد
فقرا را چکش کارگران با بدگشت
اشعار فرخی سرشار از این روحیه انقلابی
است. اوصدای نوده های زحز کشیده ای است که
اندیشه ای جزویان کردن نظم کهنه و احساسی
جرکینه به طبقات دشمن و آرمای نهایی درخشان
نسبت به آینده در خود نمی سرورند.

محدودیت های شعر فرخی

اگرچه فرخی بزدی، به نما معنی، شا عری
دمکرات و انقلابی است، اگرچه و در اشعار او
مقالاتش همواره عهدی ناگسستگی با انقلاب
زحمتکشان را تصویر کرده است، اگرچه اوسوی
طبقه کارگر مستگیری داشته و حتی در همین سال
جس انقلاب اکتبر شرکت حسته و شادمانه سروده
است:

در جشن کارگر چو زدم فال انقلاب
دیدم بفال نیک بود حال انقلاب

اگرچه اوسوی سوسیال دمکراسی ایسران
ارنسا علی نزدیک داشته و در روزنامه های پیکار
قیام، طوفان و... مقالاتی بدفاع از انقلاب
سوسیالیستی (انقلاب اکتبر) درج نموده... با
اینهمه ارزیابی از ماهیت سیاسی - ایدئولوژیک
فرخی، بیبا نگر محدودیت دیدار و ست، از انبشروست
که فرخی در انقلابی ترین اشعار تبلیغی خود،
درست آنجا که به نفی استعمار، دفاع از کارگران
و افشای سرمایه داران میپردازد، دچار
محدودیت شده و احساسات انقلابی او با افکار
متافیزیکی درهم می آمیزد:

غنا با فشاری کرد ایچا دتهی دستی
خدا و بران نما بدخا نه سرما به داری را
البته محدودیت های شعر فرخی، عرضه های
گوناگونی را در زمینه محتوا و شکل شعر در بر می
گیرد. عدم انسجام شعر و عدم توانایی در ترسیم
کیفیات درونی و گاه راه تها ویر معمولسی و
سطحی و حتی بی آسب، در قید و سندا اصطلاحات
تشبیها ت و نحوه شعر گوئی شعر کهن زندانی
سودن، برای درست در آوردن آوزان عروضی،
کلمات اضافی حتی مصرع های اضافی و بی ربط
سردن و... همه و همه مسائلی است که باید در
جای خود مطلقا بدان پرداخت. وجهیه های
کیفی شعر فرخی را در بیشتر شرایط مشخص انقلاب
مشروطه ارزیابی کرد.

بقیه از صفحه ۱۸

محاكمه...

"وان هون وان"، "یاون یان"، "جان چونگ -
جیا شو" افشاگر این خائنین به طبقه کارگر
سودند؟

سی سبب نیست که روزیونستها رفیق ما
را پس از مرگش به محاکمه کشیده و او را "عامل
اصلی جنایات دوران انقلاب فرهنگی" معرفی
نکنند. بی سبب نیست که روزیونستها چهار
رفیق فوق را "به جرم نوطه برای جلوگیری از
روی کار آمدن تنگ" محاکمه کرده و چه با آنها را
به جوخه اعدام بسیارند. آری امروز در چین در
دادگاه ضد انقلابی روزیونست، کمونیستهای
راستین محاکمه میشوند، زیرا آنان برچمداران
مارکسیسم لنینیسم، رهبران طبقه کارگر و
دشمنان بورژوازی و روزیونست میباشند.
تعجب آور نیست اگر امروز کمونیستها توسط
کسانی محاکمه میگردند که "بین امپریالیسم و
مارکسیسم" تفا و نی فائل نیستند. بورژوا -
روزیونست های مرتحی چون "تنگ و هوا"
سراسر منطق غشاقی خود عمل میکنند. در سراسر
جهان کمونیستها همواره مورد سرکوب و حنا نده
سورژوازی و دولت طبقاتی آن قرار داشته اند
پرواضح است که ضد انقلابیون حاکم ریحین، سر
اساس ماهیت طبقاتی خود سه سرکوب کمونیستها
اقدام میکنند.

محکوم به شکست است، مطمئن باش که پرولتاریا
او را در گور خا هذگرد. امپریالیستهای روزیونستها
هرگز نخواهند توانست طبقه کارگر و زحمتکشان را
فریب داده و حاکمیت ارتجاعی خود را بسدی
سازند. سارزه طبقاتی پرولتاریا از شکست و
پیروزی عبور مینماید، اما پیروزی نهایی آن
مارکسیسم لنینیسم است.

رفیق چیانگ چینگ "در بیدارگاه
روزیونستها بعنوان دفا عبه سروری کاغذ
نوشته بود: "با تمام غشاقی که شما دارید می -
توانید به آسانی مرا به آنچه که دوست دارید،
متهم نمائید، شما به آسانی میتوانید عوام
انها را بوجود بیاورید، ولی اگر تصور میکنید
میتوانید مردم چین و در سطح وسیع تر دنیا را گول
برسید سخت در اشتباه هستید."

آری روزیونستها میتوانند یک کمونیست
را به آحد دوست دارند متهم نمایند، اما آنان
هرگز نمیتوانند حقا نیت آرماینگ کمونیست
را دهن کرده و پرولتاریا را فریب دهند. آری
پیروزی مسواند سرکوب کمونیستها را حش
گرفته و مزورانه چسب و اسود کند که گویا
کمونیسم محکوم به شکست است، اما هرگز نمیتواند
آرماینگ کمونیسم را در قلب فلیونتها توده زحمتگی
خاموش ساخته و از حرک اجنابنا پذیرتا روح
یعنی برقراری کمونیسم جلوگیری نماید.
کمونیسم حکم باربخ مبارزه طبقاتی است.

امروز امپریالیستها، بورژوازی جهانی
و همه مرتجعین برای "تنگ سیا شوپیک" بعنوان
نماینده برجسته بورژوازی چین کف میزنند و
هورا میکنند. امروز "پراودا" ارگان امپریالیسم
شوروی از "محاکمه ما شوئیسم در چین" اسرار
شادمانی میکند، امروز ادیبی صدای آمریکا
از محاکمه جنابنگاران رمان انقلاب فرهنگی
صحت میکند و تلوزیون سی بی اس "امریکا
حق بحس حسان محاکمات را به مبلغ ۴۰ هزار
دلارا زچس حریداری میکند. امروز سورژواهای
جهان از "سران واقع بین" چین و محاکمه
"جبروهای انقلاب فرهنگی سخن میگویند، آری
امروز دشمنان کمونیسم از محاکمه کمونیستها در
چین فیهیه میزنند. بورژوازی همه کشورهای
جهان در سراسر پرولتاریای جهانی منافس
مشترکی دارند، آنان پاسداران نظام فرسوده
و ارتجاعی سرمایه مساندوسه همن خاطر سرکوب
کمونیستها، این دشمنان سرمایه داری و امپریا
- لسم، نمیتوانند موجب خسودی آنان بگردند.
اما بدانم که این فیهیه ها، فیهیه سرک
است. سورواری و امپریالیسم محکوم به سرک
مماسد. ساربخ حکم بر آن داده که پیروزی آن
سرولتاریا و کمونیستها است. اگر امروز بورژوازی
جهانی، سرکوب کمونیستها در چین را جشن
گرفته است و در سراسر جهان برای فریب نوده های
زحمتکش، حشبن و اسود مسازد که گویا کمونیسم

آب که بالا می‌رود قورباغه ابو عظامی بخواند!

خلخال کی کی ار "مردان حبه-سوری
اسلامی" است و عنوان "مرغز رزم" و "جلاد"،
رسیده و مساند، در هفته گذشته اصطلاح
"فاج از اندامات خود برداشته و خلی" "منم"
ردمیچاید اسکهارا کامل را در اس کور او
ایرین برده اس اس ادعا آدم را با صرب -
الصل "آب که بالا می‌رود، قورباغه ابو عظامی
مخواند" مابدا زد.

طوفان انقلاب بوده‌ها سی ازدهها سال
استثمار رورج و شکنجه اعدا مومنا رزه خستکی .
با سدر، مرغز که سلطه میرا لسم و عا ل اش
محلله اصطلاح "هزار فامیل" را در اس رینه
کُن کیدور زبمی که آفای خلخال جزئی از آن است
مانع از آن سدها انقلاب کارش را به سرانجام
سرایند. آفای خلخال چون "زنگی مست" شمشیر
سدسش امتداد عده ای از دشمنان خلق و عمال
سربرده میرا لسم را کشت و با این عمل، تغاد
طبقه خوس با رژیم وابسته به میرا لسم شاره
بمنفع رژیم جدید که ایضا فذ خلقی است حل کرد و
با اسفرا رسی رزم جدید سشردوم طبقا تی
خود را برای سادی سروهای انقلابی بسکر،
برای کمونیستی و خلقهای سیا خاسنه ایران سیر
کرد. در کردسان و سرگمن محرا و خوزسان همسه
صع او برای سرکوب کمونیستی سزوده اس و
خونها کد سدا و رجه شده اس! اردک سیر
رسود سردا رجا و کرحی سانی ها کسرا بکار
- کران سیدما سرفی و سیک اندام و داسار
در خوزسان. خلخال میخواد هسوده های ماسا
اعدام عده ای ارحا سکاران ساواک کد سیر
کوچکی ارحا سها ان بوده سسندولی بار -
ساری نظام و اسه سدا میرا لسم، سارن سسا
آمریکا و اعدا مسروهای کمونیستی و انقلابی
را سسند. در مورسکه کارکران و رجمکشان ما
در زیر عیای خلخال حاج ماساء اللده مصاب
رئیس کمسه سفا رت آمریکا راهمی یا بندکسه
حالا عنوان "وردست" خلخال به ترکتازی در
حسوت شهر مشمول است. مردم ما سسا زهوشار تر
از پیش اند. آفای خلخال میخواد ابو عظامی بخواند!

بقیه ارجحه ۴ تبلیغ...

بخش کرد و تعداد دشمارهای تبلیغی سردرود دیوار
شهر را افزایش داد. مشخصا خیر تبلیغ بسیار
ظا نزا هیت است، بخصوص آنکه رعایت آن تنها
مثلا به مرکزیت سازمان و نویسندگان مقالات
تبلیغی بر نمی‌گردد، بلکه وطیعه ای است
سنگین بردوش تک تک اعضاء و هواداران
سازمانهای کمونیستی که در هر چه کسند نه
کردن تبلیغ کوما باشد.

ادامه دارد

آسی نا بدسرو سهر آمبر (سارورود عوا) در آوردن
اس، سرخورد رفسی دانس آمور هوادار اگر چه
سایداری اش را نسبت به آزمانس با سمدهدو
اسن حسین آمزاس، اما بسپوده در کسری را
اسجسی حاد مکنده. اس رفسی می توانست
با سعمی بسشرو با در نظر گرفتن جوجا نوا دهه
سدرج و با حرکت صورانه، به مابا ررها عفا س
با درست سدرس سرخورد و آرا اصلاح کند.
سروورا سدا!

رفیق - ط - ا

اس رفسی اسنا دکرده اس کد حرا سارهای
سارمان سردرود و ارکما اس و ارما حواسنا اس
کده رفقا بکوشم در مورد ساروسی بسسیر
کوسن کسد.
بنظر ما انتقا در رفیق و ارداس و در ایسن
موردا بدلائل بیشتری نشود. رفقا! در سرباط
حاضر که بدلیل حفا ن و محدودیت های که
رژیم برای ما کمونیستها بوجود آورده اس،
دامنه نیلیجات ما محدود شده و بساری از امکانات
نیلیغ علنی از بسین رفته اس. در ایسن شرایط
اگر چه کلسه رفقای هوادار با ید بکوشندا در
تکسیر و یخن سراسات، با علامه ها و سراکت های
سازمان هر چه بیشتر سکوسند (فی الصال هر
سره را حد اقل به ۵ نفر مده که خواد سده شود.)
وازا بنظری ما حدودی کمسوده های موجود را
چران کسند، اما هیچ نوع نیلیغاتی میسواند
جانسین شعار نویسی کرده. حه سارنوسسسی
(سوزنه شعارهای ریر سیکا رومر سوط سدیگا)
در دسرس و با سدا رسوده سوده های ساروسعی
آبرامی خوانند. از نظر صرف اسرری سیر سبار
انترری کمسری صرف مسودا ما یازده فراوانی دارد.
ارابنوریه کلیه رفقا بوضیه مکنیم در اسر
سارنویسی بسوزده در اسن شرایط، کوسن سشری
شموده و کلیه شعارهای مربوط به آفای لیرا لیا
حزب جمهوری اسلامی، جنگ، آوارگان، کرانسی
و... را با خطی درشت سردرود یوا ر سشرو...
بنویسد.

نامه های زیادی بدسمنان رسیده اس.
پیشنها دات و تذکرات رفقا مورد توجه را گرفته
و به سوا لاتی در مقالات بیکا ر ششور بک پاسخ
داده خواهد شد. بدلیل محدودیت صفحه از سر خورد
بانگ تک آنها معذوریم و تنها به ذکر نام نویسنده
بسنده میکنیم.
سیروزبا سید!

رفقای M - ن، ن از لاهیجان - مسقول
سازمان دانشجویان و دانش آموزان بیکار، شرق
تهران - س، ن از لاهیجان - م، ج - خ، مسعود
- س، م - ف، ن از آبادان - الف، ش از آبادان
- ک، س از آبادان - ب، م - ر، ما در مبارز،
اقدس، ن - م، ش - ل، ج، ج از همدان - دانشجو -
بان و دانش آموزان غرب تهران - ه، ط - ن -
علی از اصفهان - غ، غ از شیراز - ه، ب - از
سروجرد - ف، ش از تبریز - س، م، ۸۲ - ع، ت
- ب، ز -

سینه ارجحه ۲۵ پاسخ به...
زمینی داسدا ندسبر در سق در آحاد سب سده
افشاری میرید و سدرس که اوساع را سدرمی -
بسند سحبت حفظ آسرو حودا و را به سهران سس
سکر داسدو میگو سده رکدا مار دوستانت به اینجا
سبا سند سحول کمیسها ن سدهم.

رفقا! اس اولین ناری سسب کد کرانسی
از "سکراسدن" مابا سس رفقای جوان هوادار
با خا نوا دهها شان سسب ما سسرد، اس
کرانسا با سائل کوبا کونی راسان مدهد.
یکی بدلیل رعایت نکردن نکات اساسی و اسار
کردن مدارک سیاسی در جانهان، با خا نوا ده در
- گپیر مینود، دیکری سنها به مطالبه و فعال سسب
سیاسی خویش فکر میکنند و در سدد کمک به خا نوا ده
در جهت رفع سنا رهای آنان سسب، و خا نوا ده -
ها این سررندان را "سربار" خویش اجناس می
کسند و عده ای دیکر کار را به در کسری و کنگه کاری
با خا نوا دهها سنان میکنند. خا نوا ده هائی که
اکسرا هم زحمکش هستند...

رفقا! بسیاری از خا نوا ده های زحمکش
شما بدلیل توهمنا نشان و بدلیل فرهنگی که
ناشی از خا ماسرما یه داری و غضب مانده کسسی
فرهنگی موجود در خا ماسرما است، نمی توانند
بیراخصی افکار، حرکات و رفعا رهای شما را در ک
کسند و پذیرا شوند و طبعاً به مخالفت با آن سس
میچیزند. ما را همل چیست و رفقا چگونه با پدسا
آین مسئله بر خورد کنند؟

آیا با ید تسلیم خواسنا خا نوا ده، خویش
پشوند؟ یا با ید سدر کسری با آنان سسردانند؟
هیچکدا مرفقا! نه با ید تسلیم خواسنها ی
با درست سباجی خا نوا ده سذونه آنکه به روحیات
فرهنگ و خواسنها ی آنان بی توجه مانده، رفقا
با ید بکوشند ضمن یافتاری سرروی اعتقادنا سنان
بافتاری سشین، کمونیستی، با سر خوردی سبور -
انه و بر حمله سعی کنند عفا سنا ن را به خا نوا ده
- های زحمکش خود توضیح دهند و سدرج آنان
را سسب به سارمان و آرمنا طبقه کارگر آسنا
سارند. چسین سر خوردی که از جانب بسیاری از
رفقا صورت گرفته نه سنها فعالیت آنها را متوقف
نکرده و آنها تسلیم خواسنها ی نا بجا و نا درست
خا نوا ده هایش شده اند. بلکه با سر خوردی انقلابی
و کمونیستی، نشان داده اند که نمونه یک انسان
واقعی هستند و بندریج بسیاری از افراد خا نوا ده
خوسن را نسبت به عفا سنا ن و سارمان آسنا
سا خنا ند و توجه آنان را جلب کرده اند. نفوذ
نسبنا کسنددهای که سارمان در خا نوا ده های
زحمکشنا بسوزده ما دران بدست آورده اس،
سالی از اس رفقا را انقلابی رفقا اس. بکار
کرس چسین رفتاری بسوزده در خا نوا ده ها و
کارگری سبار مهمتر اس.

در رابطه با آنچه گفتیم سنا گاهی به این نوع
سر خورد سبارنا سالم بدر رفیق و عکس العمل وی
که بدر راسن حساب کرده و کوبا در رژیم جمهوری
اسلامی زندانی شده، شروع به سر خورد خا نوا ده...
میکند، تغاد های درون خلقی را بسپوده به مور ت

حقایق درون ارتش و ادعاهای رژیم

کارگران، زحمتکشان، هموطنان مبارز!

خبرهای موقوت زیر را که احباجی به تفسیر و توضیح ندارد بخوانند آنوقت تدبیر خواهید کرد که تفاوت بین اس حقایق با ادعاهای رژیم جمهوری اسلامی نسبت به ارتش از زمین تا آسمان است!

خبر اول:

در کمیسیون که در اوایل آذر ماه جاری با شرکت تیمسار عسکری و وزیر دفاع و فرمانده نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران تشکیل شده تصمیماتی گرفته شده اند و به فرماندهان و سرپرستان فنی کلیه قسمتهای مختلف نیروی هوایی دستور داده شده که هر چه زودتر کمبودها و نواقص دستگاهها و مشکلات آموزشی خود را بررسی و مشخص کنند تا بابت برقراری روابط با آمریکا جداگانه استفا ده بشود. وزیر دفاع معتقد است که این روابط بزودی "عادی" میشود.

خبر دوم:

اوایل آذر ماه جاری ۶ الی ۷ کشتی که محموله آنها قطعات بیدکی و وسایل نظامی آمریکا می بوده مستقیماً از آمریکا رسیده و در بنادر جنوب لنگر انداخته اند. این کشتی ها بدنبال رسیدن یک کشتی حامل تجهیزات نظامی که قبلاً در آبان ماه ۵۹ مستقیماً از آمریکا به بندر بوشهر وارد شد، به بنادر جنوب رسیده اند. کشتی قبلی که در آبان به ایران رسید بمنظور تسریع در تخلیه محموله آن، از پایگاههای مختلف نیروی هوایی متخصصین قسمت های مختلف به بوشهر اعزام شدند تا هر یک محموله مربوط به قسمت خود را فوراً تحویل بگیرند.

خبر سوم:

هواپیما های جا موبوت نظامی نیسروی

هوایی که مخصوص محموله های نظامی است را آرم "هواپیمای ملی ایران - هما" که مخصوص حمل مسافران رده اندو مدتی است این هواپیما های ظاهراً سایر بربری از کره جنوبی لوآرم و قطعات بیدکی نظامی وارد میکنند. قیمت اسن محموله های نظامی که بطور غیر مستقیم (از طریق کره جنوبی) از آمریکا خریداری میشود گاه به گاه ۸۰۰ درصد قیمت معمولی میرسد.

البته هواپیما های ملی ایران - هما نیز تعدادی هواپیما های جا موبوت (بوئینگ ۷۴۷) در اختیار ردا ردولی رژیم جمهوری اسلامی است. تغییر آرم هواپیما های نظامی خود روابط با آمریکا و خرید سلاح از آن را پرده پوشی مینماید. این اخبار موقوت گوشه ای از واقعیتات دوران ارتش شاه خسته و یک شبه "مسلمان و مکتبی" شده را فاش میسازد و نشان میدهد که ارتش ا بزار سرکوب و چماقی است که به وسیله رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی علیه کارگران و زحمتکشان بکار میرود.

وفاداری ارتش به امپریالیسم آمریکا از ذات آن نشأت میگیرد. اینجا است که صحت نظر نیروهای راستین کمونیستی و انقلابی زمانیکه میگفتند این ارتش آمریکائی با ید منحل شود و بجای آن ارتش خلقی قرار گیرد یکبار دیگر ثابت میشود. اینجا است که صحت نظر کمونیستهای راستین زمانیکه میگویند رژیم شاه کم ترگونی - تواندها امپریالیست با شدیکبار دیگر ثابت میگردد.

مرگ برا امپریالیسم آمریکا و رتجاع داخلی! مرگ بر ارتش آمریکائی! برقرار با دجمهوری دمکراتیک خلق! سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۵۹/۹/۲۲



گسترش دهد و در توازن نیروها نقش تعیین کننده داشته باشد. دکتر سنجابی که قبل از جنگ به تعبیر آیت الله خمینی می بایست "گورش را کم میکرد" (اشاره به سخنان نیر ما آیت الله) اینک با دستور خود آیت الله، به قدرت خواندند و فتوای الهی غرب کشور توسعه میدهد و در مسدد تشکیل "اتحادیه بر علیه دهقانان و زحمتکشان روستائی غرب کشور بر میآید. آیا با زهم بایسد تردید داشت که این سرمایه داران، زمین داران و خواندین هستند که از اس جنگ ارتجاعی و تحمیلی سود میبرند. نیروهای انقلابی با تشکیل این اتحادیه ارتجاعی و طبقه بس سنگین - تری در ارتباط با آگاه کردن عشا برو دهقانان زحمتکش غرب برای مقابله با نولته های متحدانه خواندین و فتوای الهی غرب دارند. وظیفه ای که جنگ کنونی بمراتب سنگینتر کرده است.

"ما استفا ده از اعلامیه سازمان دانشجویان و دانش آموزان بیکار - کرمانشاه - ۵۹/۹/۷"

ملاحظات کوتاه

کی بود کی بود؟ من نبودم!

"شکنجه در زندان هست یا نه؟" اینهمه بسک، بازی تازه است. به منظر رژیم جمهوری اسلامی بلکه هیچ رژیم مدحی را اندازه هم رسوا باسد، "راستا حسینی" نمی آید و کون من شکنجه گریستم! مگر شاه با آن ناخن کسندنیها و شلاقها و آبولوها و... چنان اعتراضی میکرد؟ از فدای غیام هر عنصر انقلابی کوچک بسا بزرگ، دختر یا پسر که گرفته اند و فهمیده اند که سرمایه داری را بزرگوار میبرد و برای ادامه کاری انقلاب دمکراتیک ضدا امپریالیستی خلقهای ایران میرزدها و راتحت فشا رقتسار داده اند.

گیرم در جمهوری اسلامی، با ساداران و زندان - سبانیان مکتبی فحش میدهند (آنها زریک ترین و شرم آورترینش) بعدا ستم را می گذارند - نصیحت و ارشاد! شلاق (همان کابل) میزنند البته با اجازت که شروع وینا مدشرعی! ماهها زندانی سیاسی انقلابی و کمونیست را در سلول - های انفرادی "شاه خنه" میاندازند تا پوست سیاندا زد (نمونه اش رفیق شها موبیساری از کارگران و انقلابیون کرد) بعدا ستم را می - گذارند "تادیب"! با پوتین به جا نیک دختر مجاهد گرفته اند، گاه برای رفتای ماه "حرم" فروش بیکار چندان رحمتا عدا منمانی بر سبب داده اند و نمونه های فراوان که بیدکی از بسیار آترا کمونیستها و نیروهای انقلابی افشا کرده اند.

بنی صدر، این رویا همکار بورژوا - لیبرال زمانی که شکنجه زد، با انقلابی و محاکمه های چند ساعتی و چند دقیقه ای! آنان فجایعی نظیر قتل توماج ها و مسعود ملحقها و اعدا م شیک - اندامها را ببا دمیا و در حرفی نداشت و تا بیدهم میگردد ولی حالا که "میثاق وحدت" با همگام - های حزبی اش در نتیجه مبارزات توده ها شکاف برداشته همان قضیه شکنجه را بر سر حریف میکوبد و آیت الله خمینی که از اول هما تصور که خودش تا کید میکرد از همه زیرویمها مورا طلاع داشت، حالا هیات تحقیق (که وابستگی به هیچ گروهی نداشته باشد!) را روانه میکند که بررسی نمایند آیا این تکرار همان قضیه "ما اطلاع نداشتیم" و به "کوچه علی حب زدن" های در دوره رژیم گذشته نیست؟ آیا این تکرار همان داستان قدیم که "اطرافیان" ندهسند و نمی گذارند کارها سر و صورت بگیرد نیست؟

توده های آگاه ما خرابی اوضاع رانه از ساندیشی "اطرافیان" بلکه آتراناشی ار ما هست رژیم پورهری کشور می دانند. توده های خلق ما که تجربه سالها مبارزه را پشت سر دارند

جنگ ولادرت گیری خوانین غرب

بر طبق اخبار رسیده "دکتر سنجابی" که به سفارش بنی صدر و زوسی آیت الله خمینی در اسبج عشا بیری قرار گرفته بود با امکاناتی که ارتش در تسلیم عشا بر عرب و سازش با ایمل قلغانی برای خواندین غرب کشور (در اثر گسترش جنگ ارتجاعی کنونی) بوجود آورده که منجر به تسلیف با ندجلال بولکی (رئیس قبلی سپاه پاسدار - ان کرمانشاه و از سران گروه "شیت") و حزب جمهوری اسلامی و افراد مسلح صادق خلخالی کشته است. با پشتیبانی ارتش و لیبرالها دامنه فعالیت خود را وسیعتر می نماید. دکتر سنجابی پس از نزدیک کردن خواندین و تشکیل و گسترش ساندیسج عشا بر "اقدام به تشکیل "اتحادیه عشا بر غرب" و در حقیقت "اتحادیه" خواندین غرب کرده است تا بتواند قدرت خود را در غرب کشور

بقیه از صفحه ۲۸ **جرازه**

آن رویزیونیستهاست. حال این سؤال مطرح میشود که چرا نشریات رویزیونیستها ممنوع الاشار نمی باشند؟ علت اینست که رویزیونیستها نوکر بورژوازی می باشند. رویزیونیستها به طبقه کارگر کاملاً خیانت کرده و مدافع طبقه سرمایه داری - با شدند. جریانات رویزیونیستی ظاهراً مخالف سرمایه داری میباشند، ولی مدافع دولتی میباشند که حافظ و پاسدار رهمین سرمایه داری است. رویزیونیستها برای آنکه نوکری خود را خوب انجام دهند به جنبش توده ها و کمونیستها و انقلابیون می تازند و همه جناحیات رژیم خاکم را توجیه کرده و موجه جلوه میدهند. وقتی حزب توده و حزب رنجبران و چریکهای فدائی (اکثریست) - جناحیات ارتش آمریکا طی اسلام آورده رادیکالستان و ترکمن صحرا و... تا شید میکنند، وقتی آنسان برای قتل عام توده های زحمتکش توسط پاسدار و جاش و ارتشی در "ابندرقاش" و "صوفیان" ... کف میزنند و هورا میکنند، وقتی آنان اعدام کمونیستها توسط جلادان رژیم را مورد تحسین و تائید قرار میدهند، وقتی آنان از هیات حاکمه ارتجاعی حمایت فعال کرده و از سرمایه داری وابسته حاکم دفاع میکنند، آری وقتی رویزیونیستها تمام این خیانتها را به اوج میرسانند چرا و بجهت دلیل بورژوازی حاکمه آنها امتیاز ندهد؟ یا رژیم نفرت انگیز جمهوری اسلامی مانند هورژیم ارتجاعی دیگر "حق خوش خدمتی ها و نوکر صفتی های رویزیونیستها را نباید ببیرد از؟ اگر رژیم حاکم به روزنامه "مردم" (حسرتزب توده) و "رنجبر" (حزب رنجبران) اجازه انتشار میدهد دقیقاً در همین رابطه قرار میگیرد. البته "کار" اکثریتی اگر چه بعد از دیدار بهشتی منفور و سران رویزیونیست این سازمان، بطور ضمنی اجازه انتشار پیدا کرد، اما برای اینکه مانند سایر نشریات رویزیونیستی اجازه پخش وسیع یا بدینا به خواست بورژوازی، رویزیونیستها ی اکثریتی نوکرمفتی بیشتری با بدبخرج دهند بنا بر این روشن است که دولت سرمایه داران در مقابل نوکری رویزیونیستها به آنان پسانداش میدهد و نشریات خدا نقلی آنها را ممنوع - الاشارت نمی سازد. در همین مورد لنین میگوید: "دولت ها گاه ها واگذاری پست های وزارت ... به پیشوایان سوسیال شوونیست و گاه با دادن انحصار فعالیت علنی و بیلامانع به آنان ... آنها را مورد پاداش قرار می دهند" (اپورتونیسیم و ورشکستگی انترنا - سیونال دوم)

آری دولت سرمایه داران در همان زمان که ظالمانه ترین سیاستها را در قبال کمونیست های راستین در پیش میگیرد، دوستانه ترین سیاستها را در مورد رویزیونیستها به اجرا در می آورد. و این به خاطر آنست که کمونیستها وفادار به انقلاب طبقه کارگر هستند، حال آنکه رویزیونیستها ی خاش نوکران به مقدار سرمایه داران و کلیه مرتجعین میباشند.

بقیه از صفحه ۴۰ **اخبار**

روستا نیز از سخنان آنان استقبال نموده و از پیشمرگان خواستند که آنها را ترک نکنند و در میان نشان بمانند.

(بمنقل از خبرنا مه ۹۵ کومله)

۳۰ ارتشی و پاسدار توسط پیشمرگان کشته و زخمی شدند

بانه ۵۹/۸/۲۶

سحرگاه این روز سونوی مرکب از یک تانک و چند نفر برزری، ۷ زیل، یک جیب و یک آمبولانس حامل ارتشی و پاسدار که از حمایت آتش سلاحهای پادگان و سایر یگانهای اطراف شهر برخوردار بود، بطرف روستای "بوئین سفلی" براه افتاد. عده ای از افراد نیروهای سرکوبگر که قبلاً وارد آبادی شده بودند، به منازل مسکونی و مغازه های روستا هجوم برده و بنا بر اموال مردم پرداختند. اهالی آنجا که قبلاً از نقشه پلید دشمن با خبر شده بودند، روستا را ترک کردند. ستون پس از آن در نزدیکی آبادی به کمپین پیشمرگان کومله، دمکرات و چریکهای فدائی (جانبداران) افتاد و مورد حمله آتش خمپاره انداز و آرمی جی و سلاحهای سبک قرار گرفت.

این حمله غافلگیرانه پیشمرگان دشمن را سرسیمه کرده بطوری که پس از چند ساعت نیروهای خود را جمع و بطرف شهر عقب نشینی کرد. پیشمرگان در حالیکه با روحیه عالی ابتکار عملیات را در دست داشتند ستون را تا چهار کیلومتر - متری شهردنیال کرده و مرتب آن را مورد حمله قرار دادند. بطوریکه یک آمبولانس و یک نفر سرازار افتاد. همچنین بر طبق آخرین اخبار رسیده ۳۰ نفر از افراد دشمن کشته و زخمی شدند.

در این یورش تنها یک نفر از اهالی روستا زخمی میشود. پیشمرگان بدون هیچگونه تلفاتی به پایگاههای خود مراجعه نموده و مورد استقبال گرم روستائیان قرار گرفتند.

این پنجمین باری است که نیروهای سرکوبگر بطرف روستای "بوئین سفلی" یورش برده و با شکست روبرو میشوند. آنان در دفعات قبلی نیز متحمل تلفات سنگین شده و شکست خورده به شهر بازگشته اند.

بشتیانی بی دریغ زحمتکشان روستاهای اطراف محل درگیری در رساندن غذا به سنگرهای پیشمرگان قابل توجه بود. این بشتیانی همواره باعث بالا رفتن روحیه پیشمرگان و اعتلا بخشیدن به جنبش مقاومت خلق گردیده است. بشتیانی بی دریغ روستائیان از پیشمرگان نشان میدهند که جناحیات رژیم جمهوری اسلامی در "ابندرقاش"، "یوسف کند"، "صوفیان" و "سروکانی" فحلی در اراده خلق رزمنده کرد و در ادامه مقاومت عادلانه اش بوجود نمیآورد، بلکه آماده تر از همیشه به مبارزات خود ادامه میدهد.

(بمنقل از خبرنا مه ۹۴ کومله)

ملاحظات کوتاه

از بازی "کی سوکی بود؟ من نبودم" که رژیم در زمینه های مختلف منجمله در مسئله شکنجه راه انداخته گول نخواهد خورد. آنها هم جرم را سخوبی می شناسند هم مجرم را که همان کل رژیم یعنی رژیم جمهوری اسلامی می باشد. ★★

گاو ما شیر نمیده ماشالله... ش!

حجت الاسلام فردوسی پور "نماینده طیس" در مجلس پیشنها داده است که: "اگر میخواهید جمهوری اسلامی تثبیت شود و شیطان ریشه کن، دولت با بدما زمان تحقیقاتی در سرا سر کشور برقرار کند. بدون یک سازمان تحقیقاتی به جای سازمان امنیت، رژیم جمهوری اسلامی تثبیت نمیشود" این اولین بار نیست که برای تثبیت رژیم جمهوری اسلامی به پلیس مخفی، سازمانهای امنیتی و جاسوسی متوسل میشوند، بشما ریم:

(۱) بلافاصله بعد از قیام "ساوا" (سازمان اطلاعات و امنیت ملی ایران) برای انداختن و از کار رساندن ساواک و شیوه ها و پرونده های آن کمک گرفته شد.

(۲) تفتیش عقاید در کارخانه ها، مدارس، ادارات همه جا و همه جا حتی درون مساجد و "حوزه علمیه قم" علیه طلاب جوان و انقلابی براه افتاد

(۳) حزب جمهوری اسلامی کمیته مبارزه با سازمانها و حزب سیاسی تشکیل داد

(۴) سپاه پاسداران و کمیته ها در محلات شهرها را علامه ها دادند که هر خری از نیروهای انقلابی و بیوزنه کمونیستها را رید اطلاع دهید.

(۵) کمیته های باصلاح پاکازی هم البته از قافله عقب نماندند و کاری کردند که رژیم تویش در مانده و می خواهد بسیاری از اراخا حبه را اگر کمونیست و مجاهد نباشند - کار بر گرداند!

حالا از تبلیغات و تحریکاتی که در نمازهای جمعه و مجالس روزه خوانی علیه نیروهای انقلابی میشود مردم نا آگاه را به جاسوسی و فعالیت پلیسی و امید ارتدفعلا حرف نمی زنیم.

.... و

باری با همه این ها که جزئی از اسرار سرکوب توده ها به دست رژیم بوده است کاری سر - نیامده و اعتلای انقلابی هر روز اوج تازه ای می - گیرد. اما طبقات ارتجاعی که از دست مبارزات توده ها کلافه شده اند که چاره ای ندارند با زهم با بدبها ان ابزارهای قدیمی سرکوب و پلیس و فریب متوسل شوند. رژیم جمهوری اسلامی از حل مشکلات مردم عاجز است، ماشالله به مشکل آفریننهاش!

پیگار

کمکهای مالی دریافت شده

الف - خلق ۵۰۰ ریال
خانه دار ۵۰۰ ریال
دبیلیمیکار ۷۰۰ ریال
دانش آموز سوم دبستان ۱۵۰ ریال
کارمند توانیر ۱۵۰۰ ریال
مادر پیرا کبر ۲۰۰ ریال
س (مادر) ۱۰۰۰ ریال
مهندس هوادار ۱۰۰۰ ریال

مسجد سلیمان:
نفتون ۸۰ - ۴۰۰۰ ریال
نفتون ۸۰ - ۳۴۰۰ ریال
سرگوره ها - ۸۱ ۱۸۶۰ ریال
دورا هی - ۸۳ ۲۳۰۰ ریال
چاه نفتی - ۵۲۰ ۲۰۰۰ ریال
خ - ه ۱۰۰۰ ریال
اندریکا ۵۰۰۰ ریال

کرج:
د - د کرج ۷۰۰ ریال
دکهداران ۱۲۲۰۰ ریال
کارگر زور آباد ۱۰۰۰ ریال
دانش آموز ۵۰۰۰ ریال
معلم هوادار ۱۵۰۰ ریال
۵ - ک فوق دبلیسه ۳۰۰۰ ریال

سقز:
رفقای سقز ۱۰۰۰۰ ریال
روستای ط ا کمک جنسی دریافت شد
هواداران جنبش مقاومت ۲۰۰۰ ریال
هوشنگ از کردستان ۱۰۰۰ ریال
مادر ن ۲ کیلوپشم برای جوراب پیشمرگان و
۱۰۰۰۰۰ ریال
ک خانه دار کمک جنسی و ۳۷۰۰ ریال
زنان خانه دار سفر کمکهای مالی و هدیه تان رسید.

آغا جاری:
ح ۱۰۰۰۰۰ ریال
مصطفی ۱۵۰۰۰ ریال
د - ن ۱۵۰۰۰ ریال
ط دانش آموز ۱۰۰۰ ریال
رفقای علی آباد ۱۰۰۰ ریال

همدان:
ق - ع (اسدآباد) ۱۰۰۰ ریال
رفقای کارمند ۱۰۵۰۰ ریال
رفقای دانش آموز ۵۰۰۰ ریال

رشت:
شریف ۱۰۰۰۰۰ ریال
کارگر جرقشیل م - ع ۱۷۰۰ ریال
فاطمی سوم دبیرستان ۲۰۰ ریال

انزلی:
مضر ۱۰۰۰ ریال
وحدت ۱۰۰۰ ریال
هسته اکرم صا دقبور ۱۵۹۰۰ ریال
ولی آباد - مادر مبارز ۱۰۰۰۰ ریال
میان پشته - رفیق خانه دار ۱۰۰۰۰ ریال

آبادان:
ر ۱۶۲۲۰ ریال
رمعلم ۵۰۰۰ ریال
م - معلم ۵۰۰۰ ریال
غادل ۵۰۰۰ ریال

نور:
دهقانان مبارزیک روستا ۱۰۰۰ ریال
کارگر روستای ۵۰۰ ریال

رامسر:
س - ۷۰۰۰ ریال
دانش آموزان هوادار ۳۵۰۰ ریال
رفقای سخت سرهدستان رسید.

رودسر:
س - ۹۰۰۰ ریال
ب دانش آموز ۳۰۰ ریال

سیاهکل:
ق - ب ۵۰۰ ریال
رفقای دکه ۵۰۰۰ ریال
رفقای هوادار ۱۱۵۰۰۰ ریال

و - س ۱۰۰۰ ریال
ن - ج ۲۰۰۰ ریال
ث - ۱۵۰۰۰ ریال هادی
س - ت ۵۰۰۰ ریال مسعودم
ج - ش ۳۷۰۰۰ ریال م - ک ذ ۵۰۰۰ ریال

ث - ق - کارمند ۵۰۰ ریال
کارمند اخراجی ۱۰۰۰ ریال
مادر سه هوادار ۱۰۰۰
کفای مبارز ۱۰۰۰۰ ریال
محمی جوادیه ۵۰۰ ریال
م کارگر ۱۰۰۰ ریال
خ کارگر ۵۰۰ ریال
ع کارگر ۵۰۰

الف کارمند ۱۰۰۰۰ ریال
ر - ش خانه دار ۲۰۰۰۰ ریال
م - لباس برای پیشمرگان
م - سرباز ۱۰۰۰ ریال
ع - برادر پیشمرگان ۸۵۰۰ ریال
نا صرومنصور ۲۷۰۰۰ ریال
سرباز منقشی ۵۶ ۵۰۰۰ ریال
س - پرستار ۱۰۰۰ ریال

محلات شرق ۷۰۰۰ ریال
دانشجوی نجار ۹۵۰۰۰ ریال
دانش آموزان جنوب ۲۵۰۰ ریال
رفقای بارک شهر ۲۳۰۰۰۰ ریال
مادرش معلم ۱۰۰۰ ریال
مریم ۷۰۰۰ ریال
مادر ملک ۵۰۰۰ ریال
ر - ش کارگر سیلو ۱۰۰۰۰ ریال
فریاد زحمات کشان اسلامشهر برای
بیکار رشتوریک ۴۰۰۰ ریال

اقدس - ن همواره لباس برای پیشمرگان ۲۰۰۰۰ ریال
ر - ۷ روغن و لباس رسید.
رفیق کارمند ۳۷ - ۱۰۰۰۰۰ ریال کمک
مالیتان رسید.
رفیق نشا تر ۱۰۰۰۰۰ ریال
رفقای کمیته هنری ۲۰۰۰ ریال
کمیته هنری ۲۰۰۰۰ ریال
رفیق کاف هدیه ات رسید.

لاهیجان:
ب ۶۱۴۰ ریال
مادر ۵۰۰ ریال
ر - ر ۵۰۰ ریال
مادر ۱۰۰۰ ریال
رفیق بیک ۶۵۰۰ ریال
رفقای هوادار ۴۵۰۰۰ ریال
رفقای دبلیسه ۱۲۰۰۰ ریال
هسته دانش آموزی دختر ۱۵۰۰ ریال
هسته دانش آموزی پسر ۱۰۰۰۰ ریال
هسته دانش آموزی هدیه تان رسید.
رفقای لاهیجان: کوشش شما در امور
مالی زانج میگذاریم (تداوزکاتگیلان)

شیراز:
دانش آموزان هوادار ۲۵۰۰۰ ریال
" " " ۲۲۰۰۰
" " " ۳۱۹۵۰
سیاهوادر ۵۰۰ ریال
دبلیسه های بیکار هوادار ۳۵۰۰ ریال
۱ - م هدیه ات همراه با نامه پرشورت رسید.

آمل:
ح - ۳۵۰۰۰ ریال
م ۲۹۵۰۰ ریال
الف - ب ۱۰۰۰۰ ریال
الف وم ۳۶۰۰۰ ریال
ق - ق ۱۰۰۰ ریال
ظ - ض ۴۰۰۰ ریال
خانواده ع ۳۲۰ ریال
خانواده د ۲۰۰۰ ریال
از روستای سنی کلاهیگ رفیق ۵۰۰۰ ریال

تبریز:
ف ۳۰۰ ریال
ر - م ب ۳۱۸۰۰ ریال
د - ب - ۱۲۰۰۰ ریال

تهران:	ی	الف.د	ر
۱۷۰۰	۴۰۰۰	۳۰۰۰	۲۱۰۰۰
الف	ه	خ.ف	ص
۶۰۰۰	۵۴۰۰	۴۰۰۰	۲۷۰۰۰
۲۰۲۲۰۰	۵۰۰۰	ع.ع	ع
ب	۹۱۴۰	۲۵۰۰	۲۷۰۰۰
۶۳۰۰	۱۲۰۰	دبیرستان	۴۹۰۰۰
۱۴۰۰۰	۸۲۰۰	حوریه -	۳۹۰۰۰
پ	۷۰۰۰	بازرگان	۴۲۰۰۰
۶۰۲۰	۳۰۰	ح	مسجد
ع	۴۵۰۰	ش	سلیمان:
۴۰۰۰	۲۰۰	ف	خ
۶۰۰۰	۴۱۰۰	م	ز
ح	۱۵۰۰	شیراز:	ف
۱۹۹۰۰	۱۵۰۰	ب	ق
۸۴۰۰	۳۰۰۰	پ	ع
ح	۳۰۰۰	ط	ع
۲۱۰۰	۱۲۰۰۰	ع	م
د	۵۱۵۰	ن	م
۵۱۵۰	۲۰۰۰	ف	ک
۳۶۰۰	۲۰۰۰	ن	ع
ر	۹۰۰۰	و	ع
ز	۷۰۰۰	ح	ع
۷۰۰۰	۸۰۰۰	س	ز
۸۰۰۰	۱۱۰۰۰	ت	ز
س	۵۸۰۰	ث	ز
۵۸۰۰	۲۵۰۰	ج	ز
ت	۵۰۰۰	ح	ز
۵۰۰۰	۷۱۰۰	ص	ز
۵۵۵۰	۲۲۰۰	ع	ز
۲۵۰۰	۱۲۰۰	ف	ز
۵۰۰۰	۵۰۰۰	ق	ز
۷۱۰۰	۱۲۰۰	ک	ز
۵۰۰۰	۱۲۰۰	گ	ز
۳۲۰۰	۲۰۰۰	خ	ز
۵۵۵۰	۲۲۰۰	د	ز
۲۵۰۰	۲۰۰۰	ر	ز
۵۰۰۰	۳۰۰۰	س	ز
۲۵۰۰	۹۷۵۰	ت	ز
۲۵۰۰	۲۰۰۰	ث	ز
۲۶۰۰	۸۰۰۰	ج	ز
۷۵۶۰	۸۸۰۰	ح	ز
۱۰۰۰۰	۶۰۰۰	ص	ز
ک	۱۹۰۰	ع	ز
۱۰۵۵۰	۱۴۰۰۰	ف	ز
۲۱۰۰	۲۳۰۰	ق	ز
۱۰۰۰۰	۷۰۰۰	ک	ز
۱۰۰۰۰	۲۷۰۰۰	خ	ز
۱۰۰۰۰	۳۷۰۰	د	ز
۲۷۰۰۰	۴۳۰۰	ر	ز
۳۷۰۰	۸۷۵۰	س	ز
۱۲۹۰۰	۲۴۰۰	ت	ز
۶۰۰۰	۲۵۰۰	ث	ز
۶۰۰۰	۳۰۰۰	ج	ز
۱۰۶۱۰	۸۴۰۰	ح	ز
۸۲۰۰	۴۸۰۱۰	ص	ز
۲۲۲۰	۲۴۰۰	ع	ز
۱۰۰۵۵۰	۱۷۰۰	ف	ز
۲۰۰۰	۴۱۰۰	ق	ز
۹۵۰۰	۲۵۰۰	ک	ز
۱۰۲۰۰	۳۱۰۰	خ	ز
۹۲۰۰	۱۴۰۰۰	د	ز
۲۵۰۰	۲۲۰۰	ر	ز
۵۹۰۰	۹۵۰۰	س	ز
۹۵۰۰	۷۲۰۰	ت	ز
۱۱۶۰۰	۲۴۰۱۰	ث	ز
۳۴۰۰	۳۰۰۰	ج	ز
۴۱۰۰	۴۰۰۰	ح	ز
۱۲۴۳۰	۲۱۵۰	ص	ز
۵۰۰۰	۸۳۰۰	ع	ز
۳۰۰۰	۱۹۰۰	ف	ز
۲۷۰۰	۱۳۰۰۰	ق	ز
۵۴۰۰	۱۲۵۰۰	ک	ز
	۳۷۰۰	خ	ز
	۷۰۰۰	د	ز

تهران:
الف - الف ۲۰۰۰ ریال ک م ۱۲۰۰۰ ریال
ب - ش ۱۰۰۰ ریال الف - الف ۶۰۰۰ ریال

بقیه از صفحه ۲۸ **شکنجه** ...

و بعنوان مجریان عدالت "خواهان مجازات شکنجه گران میشوند" منتها اگر چنین شکنجه گران با شند! معمولا که سیونهای تحقیق تنها موارد معدودی ضرب و شتم را که بهیچوجه شکنجه محسوب نمیشود را گزارش میکند. امثال میخوایید؟ خوب میتوان مثال شخصی شکنجه در زمان شاه خائن را آورد. شاه مزدورتا زمانیکه جنبش توده ها اوج نگرفته بود، منگرو وجود هرگونه شکنجه ای در قتل گاهای کمیته و اوین میشد تا آنها را زور و دملیب سرخ و سا زمان غوبیین الملل و سازمانهای بین المللی مربوط به این مسئله جلوگیری می کرد، اما وقتی جنبش توده ها اوج گرفت، کمیسیون ویژه ایجا دگر دوبره برخی "برخوردهای نادرست" نسبت به زندانیان نیز اعتراف نمود و عروسیهای خیمه شب بازی در مجلس مسخره شامنهاهی به استیضاح ساواک مشغول شدند تا رژیم را بیوشانند. اما لیبرالها چه میکردند؟ آنها تا وقتی جنبش توده ای مطرح نبود، خفقان گرفته بودند، اما تا نسیم انقلاب وزید، بیکیاره به یاد شکنجه وزندان و ساواک افتادند، نامه پراکنی به علیحضرت "درا عترای به شکنجه شروع شد و بلافاصله کمیسیونهای دفاع از زندانیان سیاسی از سوی لیبرالها تاسیس شد، تا شاید توده ها را بفریبند و خود را "زادبخواه و انقلابی جا بزنند و از این طریق جنبش توده ها را فروکش دهند و به نان و توائی برسند، حکایت اکنون نیز با ردیگر تکرار شده است رژیم جمهوری اسلامی به بازاری سیستم سرمایه داری وابسته و سرکوب انقلاب مشغول است، انقلابیون با امپریالیتم و ارتجاع می ستیزند، ارتجاع حاکم انقلابیون را به بند میکشد و وحشیانه ترین و قرون وسطایی ترین شکنجه ها را در مورد آنها بکار میبرد (که ما در جای دیگر به آن خواهیم پرداخت)، لیبرالهای مرتجع نیز که جنبش توده ها را می بینند، برای سوار شدن بر جنبش و بدست آوردن مواضع قدرت رقیب، از شکنجه سخن میگویند و حزب جمهوری اسلامی و آیت الله خمینی که تا اکنون در جمهوری عدل اسلامیان "بهشت" ساخته بودند، "و استغفر الله" شکنجه وزندان ندا شدند! حال که پیش از پیش رسوا شده اند، سخن از کمیسیون ویژه برای تحقیق شکنجه میگویند، اما کاری به این نداریم که نتیجه این کمیسیون تحقیق رژیم رسوا و نتگین جمهوری اسلامی را در خطر قرار نخواهد داد. نتیجه تحقیق از همین حلال معلوم است! بهر حال سخنان آیت الله خمینی در مورد شکنجه (مطبوعات ۱۹ آذر) حاوی این واقعات است:

۱ - خفقان و سرکوب خشن انقلاب وزندانها و شکنجه را بعنوان عواملی برای بقا جمهوری اسلامی این رژیم سرمایه داری حافظ منافع امپریالیسم، حتی و ضروری ساخته است.

۲ - جنبش توده ها، چهره کریمه رژیم را بیش از پیش به توده ها نمایانده و می نمایاند.

۳ - لیبرالها در این میان در پی فریب توده ها و سوار شدن بر جنبش هستند و چنین است که کسانی که خود در کشتار رهبران خلق ترکمن و سر کوبگران خلق کرد و کشتار کمونیستها (بنی - صدر، بازرگان و...) با رقیبشان همدست بوده اند، دم از شکنجه مردم توسط جناح رقیب میزنند.

۴ - در چنین شرایطی است که حزب جمهوری اسلامی و "حامی" اش، آیت الله خمینی محبوس به یک عقب نشینی میشوند و ناگهان بفکر تحقیق می افتند، صدها لاله زخون شهیدان انقلابی در شکنجه گاهها و میدانیهای تیروگردستان قهرمان و ترکمن صحرا و... روئیده، تاج و زور کور کردن، شلاق زدن نقض عضو انواع شکنجه های دیگر سه شدیدترین وجه توسط رژیم ناجا گرفته و میگیرد. اما حالا که رژیم رسوا شده است بفکر تحقیق افتاده است! اما سخنان آیت الله خمینی چه کسی را می تواند بفریبد، مگر همین آیت الله خمینی نبود که گفت در میدانها برای انقلابیون جوبه های دار برپا خواهد داشت (مرداد ۵۸) و مگر همین آیت الله خمینی فرمان شدت عمل را با کمونیست ها و مجاهدین ما در کرده است؟ حزب جمهوری اسلامی، لیبرالها و آیت الله خمینی و هرنیروی دیگری ما شند آنها برای نجات حکومتی که حافظ منافع سرمایه داران و امپریالیسم است، ناچار به شکنجه انقلابیون هستند، منتها اگر شاه یا شکنجه توانست حکومتش را ادامه دهد، اینان نیز توانا هستند.

۵ - دستور آیت الله خمینی و بدنبال آن نامه ۱۱۵ نماینده حزب جمهوری اسلامی یا متعابیل به حزب در این مورد نشان میدهد که سخنان آیت الله نه بخاطر مخالفت ایشان با شکنجه و شکنجه گران بلکه برای جلوگیری از رسوا شسی بیشتر در نزد توده ها و نیز خلع سلاح جناح رقیب که میکوشد، با استفاده از نقاط رسوای جناح حزب رقیب، تحکیم بخشد میباید. این بخشی از نامه نمایندگان حزبی به آیت الله خمینی به اندازه کافی گویاست.

۶ - در صورت ناچیز بودن موارد تخلف ضمن رسیدگی به آنها (منظور شکنجه است) متخلف تنبیه و عتاب مری را که اینگونه ضعف ها را در حدی بزرگ مینمایند که موجبات تضعیف دولت جمهوری اسلامی نوپا را فراهم می آورند، شناسایی و بسط ملت مسلمان و انقلابی ایران معرفی نمایند" (جمهوری اسلامی، ۲۰ آذر)

بدین ترتیب از یکسو نمایندگان حزبی به لایوشای قضیه "کی بود، کی بود، من نبودم" افتاد، و از سوی دیگر به جناح دیگر، یعنی لیبرالها نیز حمله و ر می شوند، سنگتان با دکه شکنجه، انقلابیون و زحمتکشان نیز از سوء استفاده در جنگ قدرتتان دور نمی ماند!

بقیه از صفحه ۲۸ **بمناسبت** ...

شاه در اختیار انقلابیون اسیر قرار داشت، اکنون توسط رژیم جمهوری اسلامی از زندانها جمع آوری میشود، انقلابیون و کمونیستهای اسیر در کتا رمزدوران رژیم پهلوی قرار دارند و بدین ترتیب تحت شکنجه روحی قرار میگیرند. به انقلابیون و کمونیستها مدام شلاق زده می شود و تا بین شکنجه قرون وسطایی رژیم حدود و تعذیرات گذاشته است، خلخال، بهشتی و... هم از این حدود اسلامی سخن میگویند و حاکم شرع جلال "ری شهری"، شلاق زدن زندانیان را مطابق دستور اسلام الزامی میدانند، و میگویند: "اگر مقصود از شکنجه تنبیه باشد، است که اسلام بعنوان حدود و تعذیرات مطرح میکند، اگر مقصود اینست ما منکر نیستیم زیرا دستور اسلام است." (کیهان - ۱۳ آذر)

آری با ردیگر نعره های سرشار از زردا سیران در زندانها بلند شده است. این بار بجای حسینیه و عضدی و رسولی، ما شالله قصاب ها و خلخالها و کجوشی ها و دهها لمپن جا قوکش فاسد بنام روسای کمیته ها و سپاه ساداران قرار دارند. بار دیگر فریادهای پرغرور زندانیان در بند که زیر شکنجه از دادن اسرار زمانی ابا میکنند درس مقاومت و پایداری میدهند و اینک اعتصاب غذای پرغرور زندانیان سیاسی، حکایت از کشیده شدن جبهه های دیگر از مبارزه علیه ارتجاع و امپریالیسم میدهد. یاران در بند، از پشت میله ها دستانتان را بگرمی میفشایم، بر زخمهای شکنجه تان بوسه میزنیم و با شما می خروشم تا خلقمان آزاد گردد.

مسئله جالب در میان رزات هفته گذشته زندانیان سیاسی، خیانت رویزیونیستهای فدائی (اکثریت) است آنها در زندان رژیم نیز از نوکری جمهوری اسلامی دست برنمی دارند، شلاق میخورند، اما برای جلادانشان آرزوی موفقیت میکنند! چنین است، وقتی که رفقای بیگانه و رگور دیگر نیروهای کمونیست متحد بسا دوستان مجاهد دست به اعتصاب غذا می زنند، رویزیونیستها آن را تحریم میکنند، چرا که نمی خواهند بسور زوای ارتجاعی و شکنجه گران تضعیف شود. اما خلق ما علیرغم خیانت رویزیونیستهای حقیر با ردیگر برخواهد خواست و با شعار "زندانی سیاسی انقلابی به همت توده ها آزاد باید گردد". قفسهای تنگ دژ خیما را در هم خواهد کوبید و فرزندان خلف قهرمانش را آزاد خواهد کرد، تا همچنان بجز آگاهی و انقلاب بکارند.

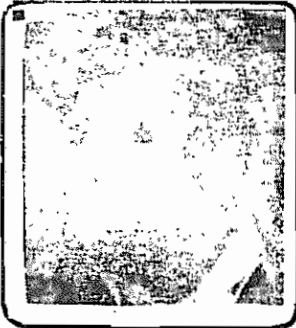
اعتصاب غذای زندانیان سیاسی رژیم شکنجه گرو جلاد را رسوا نمیکند، همانطور که در زمان شاه اینچنین شد، شعار زندانیان سیاسی انقلابی به همت توده ها آزاد باید گردد" را با ردیگر میمانند توده ها ببریم همانگونه که در زمان شاه شستن بردیم.



تنگ و نفرت بر شکنجه گران و زندانبانان رژیم جمهوری اسلامی

رهنمود به هواداران داخل و خارج کشور در مورد مبارزه در جهت آزادی زندانیان سیاسی انقلابی

رفیق حسنعلی شهبازی نقش انقلابی آزاد باید گردد!



دلآوری که قهرمانان ما عصبانیت شرکت نفت را بر علیه شاه خشن سازماندهی و رهبری میکرد انقلابی ای که فعلا نه در پیرامون شوراهای کارگری پس از قیام میگویند، رفیقی که دلاورانه با شاه مزدور، امیریا لیسما و رتجاع نبرد میکرد، اکنون در بندهای جمهوری اسلامی است. رفیق شهبازی که کاندیدی مورد حمایت سازمان در آغا جاری که زحمتکش آن آغا جاری همواره مبارزاتش را با ددا داشته و خواسته داشت. به اتفاق رفقای شهید منوچهر نیک اندام و محمد اشرفی دستگیر و تحت شکنجه قرار گرفت. تنها جرم این رفیقان عشق به زحمتکش بود. رفیقان قهرمان شهبازی، اشرفی و نیک اندام مدرسی - دادگاههای جمهوری اسلامی دلاورانه از آریاسان دفاع کردند. دور رفیق اخیر در پیدا دگای بدون وکیل مدافع و فقط در عرض چند دقیقه محاکمه و سپس تیرباران میشوند و رفیق شهبازی بحال طر معروفیتش در نبرد شده ها، به ۱۵ سال زندان محکوم گردید. خلفهای قهرمان ما خواهان آزادی این انقلابی و ما دار به زحمتکشان همد، درسم اگر جرئت دارد و از آکا می سوده ها نمی رسد، دادگاههای علنی برای رفیق شهبازی برپا دارد تا خلق دریا بد که چه کسی یا کسانی ما بدجا کند شوند و چه کسانی خاش به خلق ویا غای حلتسد سازات خود را برای آزادی همدردان آریاسان انقلابی درسند، از جمله رفیق شهبازی که در بندهای

نمایند
۳ - هم اکنون مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی، تبدیل به یکی از شعارهای مبارزاتی ما گشته است. بدین ترتیب تمامی رفقا موظفند به افشای جنایات رژیم در نزد سوادها و بخود ص نزدیکان و زحمتکشان بپردازند. نشریات محلی و نایریک، شعارهای روی دیوار و سیارات شعاری در میان زحمتکشان علاوه بر محورهای اصلی چون فضای جنگ، آوارگان و... با بسی مسئله زندانیان سیاسی را نیز در بر بگیرد.
۴ - کلیه رفقا موظفند، با ارائه نمونه ها و فاکت های مشخص از شکنجه های رژیم جمهوری اسلامی نسبت به زندانیان سیاسی انقلابی و مقایسه آن با شکنجه های رژیم آریامیری، به افشای جنایات رژیم در نزد سوادها بپردازند و ما هیت ارتجاع عسی و ضد خلقی بودن آنرا بر ملا سازند.

زندانی سیاسی انقلابی به همت توده ها آزاد باید گردد! ننگ و نفرت بر شکنجه گران و زندانیان رژیم جمهوری اسلامی! درود بر زندانیان انقلابی مبارزی که در شکنجه گاهای رژیم پرچم مقاومت را همچنان برافراشته نگاه داشته اند! سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر ۵۹/۹/۲۵

رفقا!
همانگونه که اطلاع دارید، رژیم در جهت باز سازی سیستم سرمایه داری وابسته و سرکوب انقلاب، خفقان سرکوب و کشتار را گسترش بیشتری داده است. در این میان یورش به کمونیستها و دیگر انقلابیون و زندان شکنجه و تیرباران آنان بیش از پیش افزایش یافته است در شرایط کنونی چند هزار زندانی سیاسی انقلابی در سیاهچالهای رژیم در بدترین شرایط و تحت شکنجه جسمی برند، اما همچنان به آرامان انقلابی و وفادارند، مبارزه در جهت رهایی این یاران در بند جزء جدایی ناپذیر نبرد برای نابودی امپریالیسم و ارتجاع داخلی است. به همین منظور:
۱ - زفقای دانشجوی خارج از کشور موظفند، دست به تظاهرات، راهپیماییها و اعتصاب غذا بمنظور پشتیبانی از زندانیان سیاسی در بند بزنند.
۲ - رفقای دانشجوی خارج از کشور موظفند با تبلیغات گسترده، توجه نیروهای ترقیخواه بین المللی را به آنچه که اکنون در زندانهای رژیم میگذرد جلب کرده تا این نیروها و سازمانها که در زمان شاه خاش نیز در جهت بهبود وضع زندانیان و افشای رژیم حرکت نمودند، رژیم جمهوری اسلامی را برای باز دید وضع زندانیان تحت فشار نگذارند و هر چه بیشتر رژیم را کمرا بسوا

زاهدان...

۴ - ایجا دو تنظیم فعالیتهای فرهنگی و هنری و فوق برنا همزیر نظر شورای دانش آموزان.

روزی که شنبه ۱۶/۹/۵۹، "نظامی" نماینده مدیرکل آموزش و پرورش به محل تحصن آمده و مثل سایر ممبره های رژیم با توسل به جماعت "حک با عراق" و اینکه عمل دانش آموزان ضد انقلابی است، دانش آموزان انقلابی را تهدید کرد، اما دانش آموزان انقلابی به مدیرکل پاسخ دندان شکنی داده و او گفتند: "ایجا دشوار در بیستان هیچ ربطی به حک ندارد و با زه اگر مسئله، انقلاب است، ایجا دشوار و نبود گفت در سببا خسود، کامیای بررکی در راه انقلاب هستند." نماینده مدیرکل که در مقابل پاسخ کوبنده دانش آموزان صراحت کرده بود استنرابی شرمانه منگوبود: "سعدان بک برادر برر کرارتقا میخواهم بر- کلاسی برود در این مونتس اگر شما شلوغ بکند در سراسر ایای دیگر بر شلوغ میکند و اگر ما بد جراسه های سببا سبب بد هم در کلاسی - ها و در سراسر ایای دیگر هم می خوا سدها را

مطرح خواهند کرد."
دانش آموزان انقلابی در جواب ایس اظهارات بی شرمانه گفتند: "اگر ریگی در کفشان نیست چرا از اجرای این خواستهایم ترسید و در زمان شاه نیز به ما می گفتند که درس بخوانید شلوغ نکنید و ما را به تعطیل و انحلال مدرسه تهدید میکردند. پس فرق شما با آنها چیست؟" با این سخنان، "نظامی" نماینده مدیرکل که پیش از پیش منفتح شده بود نا را حتی محل تحصن را ترک کرد، آنگاه مسئولین دسرستان خواهاند از طریق والدین دانش آموزان بحسن را سنگسار نکنند، اما ما ما و ما و ما کربنای دانش آموزان انقلابی را با مسئولین سلیم خواهاند دانش آموزان انقلابی بدو با فضا حد - ای بشرح زیر توضیحی از والدین به امضای مدیر دبیرستان و دبیر مدرسه رسید:

- ۱ - شورای دانش آموزان بعنوان ناالوسی مرجع تصمیم گیری در دبیرستان تشکیل شود.
- ۲ - اسباب در سبب اول پس از درسی دانش آموزان در کلاس برگزار شود.

- رسداند...
رسداند...
رسداند...
۳ - اگر "طلحی" دبیر سرنگ سر است حساب ندرین کند خودش کتا رود.
۴ - اگر در سر مدرسه کارمند کار کرد که در دانش آموزان دوا را در حین خواستند که بدین ترتیب دانش آموزان انقلابی و متاومت انقلابی خود را در جریان کلاس دبیرستان را بدین ترتیب وادار سازند.

زندانی سیاسی انقلابی به همت توده آزاد باید گردد

شکنجه تست رسوائی
رژیم ازبامها افتاده است
چرا آیت الله خمینی کمیسیون
تحقیق تشکیل می دهد؟

یادداشت‌های سیاسی هفتگی

بمناسبت اعتصاب غذای
زندانیان سیاسی در هفته گذشته
یاران انقلابی دربند را بلوردیگر
باید خلقهای ایران آزاد کنند!

توده ها اوج میگیرند .
۱ - با اوچگیری جنبش ، لیبرالها برای فریب
توده ها با به میس : ن میگذاردند و کمانی که تا
کنون با دیگر نیروهای ارتجاعی دمما زبوده اند
" انسا ندوست و آزادخواه " میشوند و به وجود
شکنجه و زندانی سیاسی که دیگر واقعیتش آشکار
و مسلم است اعتراض میکنند تا شاید خود را بر
اوج جنبش توده ها سوار کنند .
۲ - در این هنگام است که رژیم های شکنجه گر
ناگهان به این فکری افتند که برای فریب
توده ها ، واقعیت رسوائی شکنجه ، زندان و تیر -
باران انقلابیون را به نوعی توجیه کنند ،
کمیسیون های تحقیق ، با زرسهای ویژه و ... را
به زندانها میفرستند ، در رد شکنجه سخن میگویند !

بگذارید حکایتی که همه جا و همیشه در کشور -
های تحت سلطه تکرار میشود را برایتان بازگو کنیم
۱ - استخما روحشیا نه کارگران و دیگر طبقات و
اقشار خلقی که بمسما رشید ترا ز کشورهای امپریا
- لیستی انجام میگیرد ، لزوم سرکوب خشن
زحمتکشان را مطرح میکند ، استخما روسرکوب
توده ها آنقدر شدید است که لیبرالسم منحنط
بورژوازی نیز از سوی این رژیمها مراعات نمی
- گردد ، مبارزات توده ها شدید ، سرکوب و کشتار
زندان و تیرباران و شکنجه امری طبیعی است .
۲ - در زندانها ، انقلابیون بشدت شکنجه میشوند
اما رژیمهای حاکم وجود شکنجه و زندان نیان سیاسی
در کشور خود را تکذیب میکنند ، تا وقتی که جنبش

بقیه در صفحه ۲۶

هفته گذشته صدها تن از زندانیان سیاسی
قهرمان در تهران و شیراز دست به اعتصاب غذا
زدند این اقدام انقلابی اعتراضی است به
جنایات و وحشیگریهای رژیم جمهوری اسلامی
" زندانی سیاسی " ! چه باران انقلابی دارد این
کلام برای خلقها یمان ! این کلام دیری است
برای زحمتکشان آشناست ، دلآورانیه که برای
نا بودی امپریالیسم و ارتجاع از جان نشان می -
گذرند ، در کارخانه ، مزرعه ، دانشگاه و مدرسه و ...
بذراگاهی میگردند ، بجرم پخش اعلامیه ، فروش
نشریه ، بحث آگاهگران و افشای دشمنان توده -
ها و بالاتر از همه بخاطر عقایدشان ، که چیزی جز
عقیده برای رهائی توده ها از قید امپریالیسم
نیست ، به شکنجه گاهها برده میشوند و مشت -
مزدورجانی با شلاق بیکرشان را خونین میکنند
چندین جلد با مشت و لگد به جانشان می افتند به
آنها تاجا و میزنند ، در سرما و سیاهای محبوس
- شان میسانزند ، چرا که رژیم از انقلاب و
انقلابیون وحشت دارد ، ما آنچه که امروز رژیم
جمهوری اسلامی بر سر چند هزار نفر زندانی
سیاسی انقلابی میاورد ، جدیدی تازه نیست .
رژیم شاه نیز چنین میکرد و جمهوری اسلامی
بخوبی نشان داده است که جای پای ساواک و شکنجه
- گران معروفش گذاشته است .

صدویکمین سالگرد تولد استالین رهبر پرولتاریای جهان گرامی باد!

سرحدی زاده ، یکی از دژخیمان زندانهای
قرون وسطایی رژیم جمهوری اسلامی میگوید :
" اینک (وضع زندانها) چیزی نیست ، ما
بجای ۶۰ نوع زندان ، ۶۰ نوع گورستان (برای انقلابیون)
خواهیم ساخت . " دژخیمان جمهورای اسلامی به
آنچه سرحدی زاده گفته است ، تاکنون بخوبی
عمل کرده اند .



مقاله گرامیداشت رفیق استالین بملت تراکم
مطالب در شماره آینده چاپ خواهد شد

در سیاهای محفوف رژیم ، انقلابیون
بسیاری تاکنون سربه نیست شده اند ، چگونگی
محا کمه رفقای انقلابی شهید نیک اندام و اشرقی
را (در بیگانه) دیدیم ، رفقا توماج ، واحدی ،
سعودمالعی را دوطیب نجم الدینی نیز پس از
دستگیری در همین زندانها بشهادت میبرند و
اجسادشان را به سیاهای می برند ، تاجنایشان
را بپوشانند آن رفیقانی نیز که تیرباران نشده
- اند ، در بدترین شرایط زندگی قرار دارند .
وضع غذاها فوق العاده بد و مسموم کننده است :
انقلابیون زن شدیداً مضروب و مورد اها نسبت
قرار میگیرند ، را دیوکتاب که در زمان رژیم
بقیه در صفحه ۲۶



چرا نشریات رونیونیستی ممنوع الاتشار نمی باشند؟

تا بد افرادی باشند و از خود بپرسند که
چگونه نشریات کمونیستی مانده " پیگار " ، رزمندگان
" انقلاب " ، ... جا زده نشنا رندا رند ، اما نشریاتی
مانند " مردم " ، " رنجبر " و ... جا رها نشنا رندا رند و
بطور علنی و گسترده در بساط روزنامه فروشی ها
به فروش میرسد ؟
حقیقت آنست که نشریات دسته اول متعلق
به کمونیستهاست حال آنکه نشریات دسته دوم از
بقیه در صفحه ۲۴

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست